خلاصة المسائل

**(جلد اول)**

**منتشره:**

**از سوی حوزه علمیه احناف خواف**

**زیر نظر:**

**مرحوم حضرت مولانا شمس الدین مطهری رحمة الله علیه**

|  |  |
| --- | --- |
| **عنوان کتاب:** | خلاصة المسائل - فقه حنفی |
| **تألیف:** | حضرت مولانا خواجه شمس الدین مطهری |
| **موضوع:** | فقه حنفی |
| **نوبت انتشار:**  | اول (دیجیتال)  |
| **تاریخ انتشار:**  | خرداد (جوزا) 1395شمسی، شعبان 1437 هجری |
| **منبع:**  | سایت عقیده [www.aqeedeh.com](http://www.aqeedeh.com)  |
|  |  |
| **این کتاب از سایت کتابخانۀ عقیده دانلود شده است.****www.aqeedeh.com** |  |
| **ایمیل:** | **book@aqeedeh.com** |
| **سایت‌های مجموعۀ موحدین** |
| www.mowahedin.comwww.videofarsi.comwww.zekr.tvwww.mowahed.com |  | www.aqeedeh.comwww.islamtxt.com[www.shabnam.cc](http://www.shabnam.cc)www.sadaislam.com |
|  |  |
|  |
| contact@mowahedin.com |

بسم الله الرحمن الرحیم

فهرست مطالب

[بعضی مسائل عقیدتی و اخلاقی 15](#_Toc341022895)

[عقیده در باره یگانگی خداوند 15](#_Toc341022896)

[بیان سخن‌های کفر و شرک 22](#_Toc341022897)

[بیان اعمال خلاف شریعت و بدعت 24](#_Toc341022898)

[بیان بعضی گناهان بزرگ که سخت وعید بر آن‌ها آمده 26](#_Toc341022899)

[بیان بعضی نقصانات دنیوی که به واسطه گناه بوجود می‌آید 27](#_Toc341022900)

[بیان بعضی فوائد دنیوی که از عبادت حاصل می‌شود 28](#_Toc341022901)

[بیان طهارت 29](#_Toc341022902)

[وضو 29](#_Toc341022903)

[احکام وضو 29](#_Toc341022904)

[فرائض وضو 30](#_Toc341022905)

[سنت‌های وضو 30](#_Toc341022906)

[بیان شکننده‌های وضو 34](#_Toc341022907)

[احکام معذور 38](#_Toc341022908)

[غسل 39](#_Toc341022909)

[احکام غسل 39](#_Toc341022910)

[فرائض غسل 40](#_Toc341022911)

[بیان آب‌هایی که وضوء و غسل با آن‌ها درست است و آن‌ها که درست نیست 42](#_Toc341022912)

[مسائل و احکام آب چاه 45](#_Toc341022913)

[بیان احکام پسخور حیوانات 47](#_Toc341022914)

[بیان احکام تیمم 49](#_Toc341022915)

[بیان احکام مسح بر موزه 53](#_Toc341022916)

[بیان چیزهائی که غسل را واجب می‌کند 55](#_Toc341022917)

[بیان اقسام نجاست و طریق پاک کردن نجاست‌ها 57](#_Toc341022918)

[بیان استنجاء 61](#_Toc341022919)

[بیان نماز 63](#_Toc341022920)

[بیان اوقات نماز 63](#_Toc341022921)

[بیان شرط‌های نماز 65](#_Toc341022922)

[بیان رو آوردن به قبله 67](#_Toc341022923)

[طریقه‌ی خواندن نماز 67](#_Toc341022924)

[بیان خواندن قرآن 73](#_Toc341022925)

[بیان شکننده‌های نماز 74](#_Toc341022926)

[بیان مکروهات و ممنوعات نماز 76](#_Toc341022927)

[بیان چیزهائی که به واسطه آن‌ها شکستن نماز جائز است 78](#_Toc341022928)

[بیان نماز وتر 79](#_Toc341022929)

[بیان نمازهای سنت و نفل 80](#_Toc341022930)

[بیان نماز استخاره 84](#_Toc341022931)

[بیان نماز توبه 85](#_Toc341022932)

[بیان نمازهای قضائی 85](#_Toc341022933)

[احکام سجده سهو 87](#_Toc341022934)

[بیان سجده تلاوت 91](#_Toc341022935)

[بیان نماز مریض 94](#_Toc341022936)

[بیان اقسام سفر و تعریف و آداب و احکام سفر 96](#_Toc341022937)

[بیان اوقات سفر و آداب آن 96](#_Toc341022938)

[بیان سفر شرعی 100](#_Toc341022939)

[احکام مخصوص سفر شرعی 101](#_Toc341022940)

[بیان اقسام سه‌گانه وطن و احکام آن‌ها 103](#_Toc341022941)

[بیان احکام و مسائل تیمم مسافر 105](#_Toc341022942)

[بیان احکام درآمد و بلیط ماشین و قطار و غیره 107](#_Toc341022943)

[احکام سفر دریائی 108](#_Toc341022944)

[بیان احکام سفر هوائی 109](#_Toc341022945)

[نماز جمعه 110](#_Toc341022946)

[بیان فضائل روز جمعه 110](#_Toc341022947)

[بیان آداب جمعه 110](#_Toc341022948)

[بیان فضائل نماز جمعه 111](#_Toc341022949)

[نماز جمعه بر چه اشخاصی واجب است 111](#_Toc341022950)

[بیان شرط‌های صحت جمعه 112](#_Toc341022951)

[بیان مسائل خطبه 113](#_Toc341022952)

[بیان مسائل نماز جمعه 114](#_Toc341022953)

[بیان نماز عیدین 115](#_Toc341022954)

[سنت‌های روز عید فطر 115](#_Toc341022955)

[احکام اذان و اقامه 118](#_Toc341022956)

[احکام امامت 121](#_Toc341022957)

[شرایط صحت پیشنمازی 121](#_Toc341022958)

[شرط‌های صحت اقتداء 121](#_Toc341022959)

[احکام اسقاط حضور جماعت 123](#_Toc341022960)

[بیان اشخاصی که برای پیشنمازی مقدمند 124](#_Toc341022961)

[احکام آنچه مقتدی باید بعد از فراغت امام انجام دهد و انجام ندهد 125](#_Toc341022962)

[بیان حالات بعد از نماز 126](#_Toc341022963)

[احکام جنایز 126](#_Toc341022964)

[احکام محتضر 126](#_Toc341022965)

[بیان غسل میت 128](#_Toc341022966)

[احکام کفن 130](#_Toc341022967)

[احکام نماز جنازه 132](#_Toc341022968)

[شروطی که در نماز جنازه تعلق به نماز خواننده دارد 133](#_Toc341022969)

[شروطی که در نماز جنازه تعلق به میت دارد 133](#_Toc341022970)

[احکام دفن میت 136](#_Toc341022971)

[بیان مسائل متفرقه جنازه 138](#_Toc341022972)

[احکام شهید 140](#_Toc341022973)

[احکام و مسائل حیض و نفاس 140](#_Toc341022974)

[احکام استحاضه 144](#_Toc341022975)

[احکام نفاس 144](#_Toc341022976)

[روزه 145](#_Toc341022977)

[در بیان فضیلت روزه 145](#_Toc341022978)

[مسائل و احکام روزه‌ی ماه رمضان 146](#_Toc341022979)

[احکام دیدن ماه 147](#_Toc341022980)

[احکام روزه نذر 148](#_Toc341022981)

[احکام روزه نفل 149](#_Toc341022982)

[بیان چیزهائی که شکننده روزه نیست و یا هست، کفاره و قضا، یا قضای لازم می‌آید 150](#_Toc341022983)

[احکام تزریق آمپول در ماه رمضان 154](#_Toc341022984)

[احکام قضا بجای آوردن روزه 154](#_Toc341022985)

[احکام کفاره 155](#_Toc341022986)

[بیان فضائل سحری 156](#_Toc341022987)

[بیان چیزهائی که به واسطه آن‌ها شکستن روزه جائز است 157](#_Toc341022988)

[بیان صورت‌هائی که به واسطه آن‌ها روزه نگرفتن جائز است 157](#_Toc341022989)

[احکام اعتکاف 160](#_Toc341022990)

[احکام زکات 162](#_Toc341022991)

[بیان زکات گوسفند 164](#_Toc341022992)

[احکام زکات شتر 165](#_Toc341022993)

[احکام زکات گاو 166](#_Toc341022994)

[احکام زکات طلا و نقره و غیره 167](#_Toc341022995)

[بیان مسائل متفرقه زکات 169](#_Toc341022996)

[احکام عشر 170](#_Toc341022997)

[بیان اشخاصی که دادن زکات به آن‌ها جائز است 171](#_Toc341022998)

[احکام صدقه فطر 174](#_Toc341022999)

[بیان مقدار صدقه فطر 175](#_Toc341023000)

[احکام قربانی 175](#_Toc341023001)

[بیان اوقات قربانی 177](#_Toc341023002)

[بیان حیواناتی که قربانی کردن آن‌ها جائز است 178](#_Toc341023003)

[بیان عیب‌هائی که به واسطه آن‌ها قربانی کردن حیوان جائز نیست 179](#_Toc341023004)

[احکام عقیقه 181](#_Toc341023005)

[بیان احکام حج 182](#_Toc341023006)

[احکام جنایات در حج 191](#_Toc341023007)

[در بیان ممنوعات متفرقه و حج و تدارکات آن 194](#_Toc341023008)

[جنایاتی که با ارتکاب آن‌ها صدقه لازم می‌شود 195](#_Toc341023009)

[احکام حج از جانب غیر 197](#_Toc341023010)

[احکام و فضیلت زیارت مدینه منوره 198](#_Toc341023011)

[آداب داخل شدن به مسجد حضرت رسول و آداب زیارت 199](#_Toc341023012)

[آداب آمدن به محل مقبره مبارکه 199](#_Toc341023013)

**بنام خدا**

چون خلاصة المسائل منتشره از سوی حوزه علمیه احناف خواف زیر نظر مرحوم حضرت مولانا شمس الدین مطهری: بوده و بنا است که تجدید چاپ گردد. لازم دانستیم که مختصراً گوش‌های از زندگینامه آن مرحوم را از نظر خوانندگان عزیز بگذرانیم.

مولانا خواجه شمس الدین مطهری: فرزند مرحوم خواجه محمدرضا (که سلسله نسبشان به حضرت قطب الأقطاب ژنده پیل شیخ احمد جامی قدس سره می‌رسد). در سال (1282 هجری شمسی). در قریه تیزاب میان خواف متولد شدند. بعد از اینکه قرآن شریف و کتب فارسی را در محل فرا گرفتند در سال (1307 هجری شمسی) به شهر هرات افغانستان رفته و در مسجد خرقه مبارکه مشغول تحصیل علوم دینی شدند، و از اساتید مشهور هرات که در مسجد خرقه و مسجد جامع بودند علوم صرف، نحو، فقه، منطق، معانی و بیان را کسب کردند. در این مدت از محبوبیت خاص در میان اساتید و علما برخوردار بودند.

ایشان در شهریور (1312 هش) عازم هندوستان که در آن زمان مستعمره انگلیس بود شدند و در چهاردهم شهریور همان سال به شهر چمن (یکی از شهرهای بلوچستان پاکستان امروز می‌باشد) وارد و از آنجا راهی دهلی گردیدند و مدتی در آنجا از حضور علما کسب فیض نمودند، تا اینکه در سال (1361 هش) وارد مهد علم و عرفان، دارالعلوم دیوبند مرکزی که بحث دژی محکم و استوار و در تزکیه نفوس و ناملایمات مملکتی نقش به سزایی داشته است شدند.

ایشان تا سال (1366 هـش) از حضور علمای ربانی همچون مولانا حسین احمد مدنی:، مولانا شبیر احمد عثمانی:، مولانا اعزاز علی:، مولانا محمد ادریس کاندهلوی:، مولانا عبدالخالق:، مولانا ابراهیم بلیاوی:، مولانا سید اصغر حسین:، مولانا مفتی محمد شفیع: به سرپرستی مولانا قاری محمد طیب: از تمام علوم منجمله: تفسیر، حدیث، فقه، اصول، فلسفه، منطق، عقائد، کلام و هیئت کسب فیض و فارغ التحصیل شدند.

بعد از اتمام دوره تحصیل به مدت سه سال از طرف دارالعلوم دیوبند در بدیلی یکی از شهرهای هند به سمت استاد معرفی شده و در آنجا به تدریس مشغول گشتند.

ایشان در اواخر سال (1326 هش) از طریق افغانستان به زادگاه خود تیزاب خواف برگشتند. بعد از اطلاع فرمائی شان به شهر خواف جهت تدریس و ارشاد شدند تا اینکه با کوشش و تلاش طرفین در سال (1327 هش) حوزه علمیه احناف خواف را تاسیس نمودند که الحمد لله تا کنون با کمال جدیت مشغول تربیت و ارشاد فرزندان مسلمین می‌باشد و علمائی تربیت نموده که در خود حوزه علمیه و منطقه خواف و نقاط دیگر از دور و نزدیک مشغول خدمت به اسلام و جامعه اسلامی می‌باشند.

وفات ایشان در روز سه شنبه دهم ذی الحجة (1410 هـ). مطابق با یازدهم تیرماه (1369هش) روز عید قربان مقارن با طلوع خورشید رخ داد و روح آن عالم ربانی و باغبان بوستان محمدی، پاسبان حریم نبوت، نکته دان اسرار شریعت، به ملکوت اعلی پیوست، «إِنَّا لِلّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعونَ».

آری، موت چیزی نیست که انسان از آن اظهار تعجب کند یا کسی از آن مستثنی باشد بلکه آمدن به این دنیا مقدمه‌ای است برای رفتن، اما در این دنیا کسانی هستند که مردم از نورشان استفاده می‌کنند و قلب‌های مجروح مردم از انفاس قدسیه شان شفا می‌یابد. درماندگان در سایه عطوفتشان پناه می‌گیرند، و خود مانند شمع می‌سوزند و دیگران را روشنائی می‌بخشند، خود بیقرارند و دیگران را آرام می‌سازند. این‌ها از این جهان رحلت می‌کنند در حالی که اهل آسمان و زمین در سوگشان اشک می‌ریزند و عالمی را در غم و اندوه فرو می‌برند و از رفتنشان مجالس دینی و علمی بی‌رونق می‌شود.

مرحوم مولانا شمس الدین مطهری: از همین گروه بودند و ایشان نمونه علم و عمل و اخلاص و تقوا بودند. ایشان در هر مجلس چراغ آن محفل بودند، با این همه از شهرت و خودنمائی و زرق و برق دنیا شدیدا نفرت داشتند و به همین خاطر بود که بر دل‌های مسلمین تسلط داشتند.

این است که رسول اکرم می‌فرمایند: «من تواضع لله رفعة الله».أللهم أغفره وأرحمه ونور مرقده وأرفع درجتة وأجعل قبره روضة من ریاض الجنة. آمین

**حبیب الرحمن مطهری عفی الله عنه**

بسم الله الرحمن الرحیم

این کتاب به دستور حضرت مولانا خواجه شمس الدین مطهری استاد العلماء و سرپرست حوزه علمیه احناف خواف و راهنمائی اساتذه مخصوصا جناب مولوی حفیظ الله طاهری سرپرست مدرسه تعلیم القرآن نشتیقان که سهم عمده آن را بر عهده داشتند تالیف گردید، امید است انشاء الله به زودی جلد دیگر آن انتشار یابد.

أحقر الطلبة: غلام أحمد موحدی.

بعضی مسائل عقیدتی و اخلاقی

عقیده در باره یگانگی خداوند

الحمد لله وکفی والصلوة والسلام علی سیدنا ونبینا محمد المصطفی وعلی آله وأصحابه المتأدبین بالتقوی.

**عقیده** **1**- تمام جهان نیست و ناپایدار بود خداوند عالم جهان و جهانیان را به قدرت کامله خود بوجود آورد.

**عقیده 2**- خدا یکی است و یگانه و او را مثل و مانند نیست او به کسی محتاج نیست و تمام عالمیان به دربار بی‌نیاز او نیازمندند، او از کسی زائیده نشده و کسی را هم نزائیده، او را زن و فرزند نیست.

**عقیده 3**- خدا همیشه بوده و هست و همیشه خواهد بود.

**عقیده 4**- او زنده و برهمه توانا است، هیچ چیز از علم آن بیرون نیست، همه چیز را می‌بیند و می‌شنود و سخن می‌گوید، ولی سخن آن مانند سخن مخلوق نیست، هرچه خواهد می‌کند و هیچکس نمی‌تواند اراده او را باز دارد فقط ذات آن قابل عبادت است. بر بندگان خدا مهربان است، از همه عیب و نقص پاک است، بندگان خود را از تمامی آفات نگهدارنده است.

**عقیده 5**- خدا عزت دهنده و خوار کننده است، خالق تمامی کائنات است، کسی او را پیدا نکرده، بلکه پیدا کننده تمام جهانیان است.

**عقیده 6**- آمرزنده گناهان است، روزی دهنده مخلوقات است و کم و زیاد روزی به قدرت او است.

**عقیده 7**- با عدل و انصاف است، بسیار حلیم و بردبار است و اجابت کننده دعاها است.

**عقیده 8**- او بر همه حکمفرما است، هیچ کس بر آن حکمفرما نیست و هر کاری می‌کند از حکمت خالی نیست، درست کننده کار همه اوست، زنده می‌ کند و می‌میراند، اوصاف او را همه می‌دانند که رزاق است، و غفار است، و ستار است و غیره. به ذات آن، کسی را دسترسی نیست.

**عقیده 9**- خدا توبة توبه کننده را می‌پذیرد و مستحق پاداش را پاداش می‌دهد و هدایت کننده اوست. در جهان هر چه واقع می‌شود به فرمان اوست و بی‌فرمان او برگی از شاخه‌های درخت نمی‌ریزد و ذره بی‌فرمان او به هوا نمی‌رود.

**عقیده 10**- او نمی‌خوابد، و پلکی نمی‌زند، از نگهداری تمام عالم خسته نمی‌شود، همه چیز را در قدرت خود دارد، دارای همه صفات کمال است و از عیب و نقص منزه است.

**عقیده 11**- هر پیش آمدی که در عالم به وقوع می‌آید چه خوب و چه زشت خداوند متعال قبلا آن را دانسته و می‌داند و طبق دانسته خود آن را به وقوع آورده و این را تقدیر الهی می‌نامند، و در پیدا کردن به رازهای زیادی است که هرکس به آن پی نمی‌برد.

**عقیده 12**- خدا بندگان خود را عاقل و با اراده آفریده که به واسطه آن هر کاری خوب و بد را به اختیار و اراده خود انجام می‌دهد ولی انسان قدرت آفرینش در کارها را ندارد و همه افعال را خدا خلق نموده است، از کار بد ناراضی و از کار خوب خشنود می‌شود.

**عقیده 14**- هیچ چیز بر خدا لازم و واجب نیست، هرچند مهربانی می‌فرماید از فضل اوست.

**عقیده 15**- پیامبرانی بسیار برای راهنمائی مخلوق فرستاده که از همه گناه پاک و منزه‌اند، شمار آنان به خدا معلوم است و بس. برای اثبات صداقت و حقانیت از دست، و زبانشان کارهای و سخنانی به ظهور پیوسته که دیگران از کردن آن کارها و گفتن آن کلمات عاجزند و این‌ها را معجزه می‌گویند. اولشان حضرت آدم و آخرشان حضرت محمد مصطفی می‌باشد، و بعضی از آن‌ها بسیار مشهورند مثل: حضرت نوح، ابراهیم، اسحاق، یعقوب، یوسف، داود و سلیمان، ایوب، موسی، هارون، زکریا، یحیی، عیسی، الیاس، الیسع، یونس، لوط، ادریس، ذوالکفل، صالح، هود و شعیب.

**عقیده 16**- درجه و مرتبه بعضی از بعضی بالاتر است و از همه بلندتر درجه و رتبه حضرت سیدنا محمد مصطفی است که آخرین همه است، و بعد از ایشان کسی به پیغمبری مبعوث نمی‌شود، تا قیامت هر چند انس و جن باشد نبی آن‌ها است.

**عقیده 17**- پیغمبر ما حضرت محمد مصطفی در حالت بیداری با جسد شریف از مکه به بیت المقدس و از آنجا تا هفت آسمان و از آنجا تا جائی که مقصود پروردگار بود برده شدند و سپس به مکه برگردانیده شدند و این را معراج می‌گویند.

**عقیده 18**- خداوند یک مخلوق را از نور آفریده است و آن را از نظر ما پنهان کرده و آن را فرشته می‌گویند، و بسیاری از کارها به آن‌ها سپرده شده است و آن‌ها نافرمانی خدا را نمی‌کنند و آنچه از طرف پروردگار به ایشان دستور برسد آن را انجام می‌دهند، از میان آن‌ها چهار فرشته برگزیده‌تر و مشهورترند، اول: حضرت جبرئیل، دوم: حضرت میکائیل، سوم: حضرت اسرافیل، چهارم: حضرت عزرائیل.

**عقیده 19-** خداوند یک مخلوق از آتش آفریده و از نظر ما پنهان کرده و آن را جن می‌گویند، در میان آن‌ها خوب، بد، مؤمن و کافر است. از همه شریرتر و مشهورتر ابلیس یعنی شیطان است.

**عقیده 20**- مسلمان وقتی خوب عبادت کند و از گناه برحذر باشد و محبت دنیا را از دل بیرون کند و بر نقش قدم پیغمبر قدم بر دارد، دوست خدا می‌شود و این کس را ولی می‌گویند، و از ولی گاهی کارهائی بوجود می‌آید و سر می‌زند که از دیگران ساخته نیست و این را کرامات می‌گویند.

**عقیده 21**- ولی هر چند قرب و منزلت به پیشگاه پروردگار حاصل نماید به بنی نمی‌رسد.

**عقیده 22**- ولی هر چند دوست خدا باشد تا وقتی که به حواس خود باشد پایبند به شریعت لازمی است و هیچ عبادتی از آن ساقط نمی‌شود و از معاصی پرهیز نمودن بر آن لازم است.

**عقیده 23**- هرکس برخلاف شریعت اسلام قدم بردارد آن دوست خدا نیست، اگر چه از آن کارهای خارق العادة سر زند.

**عقیده 24**- برای اولیاء بعضی از رازها در حالت بیداری یا خواب منکشف می‌شود و آن را کشف و الهام می‌گویند، اگر موافق شریعت است مقبول و اگر مخالف شریعت است مردود می‌باشد.

**عقیده 25**- خدا و رسول تمام مسائل دینی را مفصلا یا اجمالا بیان نموده حالیه از طرف خود چیزی بیان کردن و دین گفتن بدعت است و بدعت گناه بزرگ است.

**عقیده 26**- خداوند به واسطه جبرئیل کتاب‌های زیادی از آسمان بر پیغمبران نازل فرموده تا جوامع بشر را به راه راست هدایت نماید، در میان آن‌ها چهار کتاب بسیار مشهورند:

1. تورات که بر حضرت موسی نازل شده.
2. زبور بر حضرت داود.
3. انجیل بر حضرت عیسی.
4. قرآن مجید بر حضرت محمد. و قرآن آخرین کتابی است که نازل شده و تا قیامت احکام آن نافذ و جاری است، مردمان گمراه دیگر کتب آسمانی را تغییر و تبدیل گردانیدند و قرآن مجید به حفاظت خداوند از هرگونه دست خوردگی محفوظ و مسلم است.

**عقیده 27**- هرکس پیغمبر ما حضرت محمد مصطفی را دیده و به ایشان ایمان آورده و بر ایمان وفات نموده، آن را صحابی می‌گویند، و اصحاب پیغمبر تمامی دارای فضائل و درجاتی زیادند و همه ایشان را دوست داشتن نشانه ایمان است و آنچه در میانشان از نزاع و اختلافات به وقوع آمده با احتیاط کامل و بسیار مؤدبانه نسبت به آنان زبان باید گشود، و از همه بزرگ‌تر چهار صحابه‌اند، اول حضرت ابوبکر صدیق که جانشین پیغمبر گشت و پایه‌های دین اسلام که به واسطه مرتد شدن گروهی و اختلاف گروهی دیگر در شرف از هم پاشیدن بود مضبوط و مستحکم گردانید، و به همین سبب خلیفه اول نامیده شد و از همه امت برتر و درجه شان بالاتر است. بعد از حضرت ابوبکر حضرت عمرب خلیفه دوم است، و بعد از ایشان حضرت عثمان خلیفه سوم، و بعد از ایشان حضرت علی خلیفه چهارم می‌باشند. و دوران خلافت اسلامی بر حضرت امام حسن خاتمه پیدا نمود.

**عقیده 28**- صحابه پیغمبر را درجه و بزرگی به حدی است که بزرگ‌ترین اولیاء به مقام و مرتبه کوچک‌ترین صحابی نمی‌رسد.

**عقیده 29**- ازواج مطهرات پیغمبر و اولادشان قابل و لایق تعظیم و تکریم است و در میان اولاد از همه بزرگ‌تر حضرت فاطمهل و در میان ازواج مطهرات از همه بزرگ‌تر حضرت خدیجهل و حضرت عایشهل می‌باشند.

**عقیده 30**- ایمان وقتی ایمان گفته می‌شود که: آنچه خدا و رسول گفته همه را راست دانسته و به همین یقین کامل داشته باشد، در گفته‌های خدا و رسول شک کردن یا آن‌ها را دروغ شمردن یا در آن‌ها عیب تراشیدن یا مزاح و تمسخر کردن کفر است.

**عقیده 31**- مطالب واضح و روشن قرآن و حدیث را قبول نکردن بلکه این طرف و آن طرف زدن و طبق خواسته خود ترجمه و تفسیر نمودن بی‌دینی است.

**عقیده 32**- از حلال دانستن گناه، ایمان نابود می‌شود.

**عقیده 33**- گناه هر چند بزرگ باشد تا وقتی که گناه را گناه بداند ایمان از بین نمی‌رود بلکه ضعیف می‌شود و نا امیدی از رحمت خدا کفر است.

**عقیده 34**- از کسی غیب پرسیدن و به آن یقین کردن کفر است.

**عقیده 35**- غیب را غیر از خدا هیچکس نمی‌داند البته به واسطه وحی به انبیاء † و به واسطه الهام به اولیاء و از علائم به عوام بعض چیزها معلوم می‌شود.

**عقیده 36**- برای شخص معین کافر گفتن یا لعنت کردن کبیره است. مگر آن کس را که خدا ورسول نام برده و لعنت کرده یا به واسطه صفت عام به این نحوه بر کافران یا ظالمان یا دروغ گویان لعنت کردن به جهت عبرت گناه نیست.

**عقیده 37**- وقتی انسان بمیرد خواه در قبر دفن شود یا نه، نزد آن دو فرشته می‌آید به یکی نکیر، و به دیگری منکر گفته می‌شود. از مرده می‌پرسند که: پروردگارت کیست و دینت چیست؟ و پیغمبرت کیست؟ و درباره این شخص یعنی حضرت محمد رسول الله چه می‌گفتی؟ اگر میت اهل ایمان باشد جواب صواب می‌دهد که پروردگارم، الله و دینم اسلام و پیغمبرم حضرت محمد رسول الله می‌باشد. بعدا برایش هرگونه آرامش و آسایش میسر می‌گردد. به این کیفیت که از بهشت روزنه به قبرش باز شده هوای سرد بهشت و بوی خوش آن وارد قبر گردیده و بوی آن به مشام میت می‌رسد و در نتیجه به استراحت خوبی می‌پردازد. و اگر میت بی‌ایمان باشد (نعوذ بالله منها) در پاسخ همه سوالات می‌گوید: نمی‌دانم و اطلاعی ندارم و در نتیجه معذب می‌گردد.

تذکر: این کیفیت به مرده معلوم می‌شود و زندگان از تشخیص دادن آن عاجزند مانند این که: شخصی در حالت خواب چیزهائی را مشاهده می‌کند و بیدار از آن چیزها بیخبر است.

**عقیده 38**- هر صبح و شام قرارگاه اموات به آن‌ها نشان داده می‌شود اهل بهشت مقام خود را که می‌بینند بر شادی و سرور آن‌ها افزوده می‌شود و اهل دوزخ که مقام خود را در دوزخ مشاهده می‌نمایند برحسرت و ندامتشان می‌افزاید.

**عقیده 39**- از برای اموات دعا کردن و صدقه دادن و ثواب آن صدقه را به روح آن‌ها بخشیدن درست است و به آن فایده زیادی می‌رسد.

**عقیده 40**- خدا و رسول برای آمدن قیامت علائم و نشانه‌هائی بیان فرموده‌اند که یکی بعد از دیگری حتما خواهد آمد، از آن جمله: بی‌احترامی به پدران و مادران و خروج دجال و برای از بین بردن دجال نزول عیسی ، از آسمان و بیرون آمدن یأجوج و مأجوج و ظاهر شدن دابة الأرض، و طلوع خورشید از مغرب، و برداشته شدن قرآن مجید، و مردن مسلمانان و فرا گرفتن کفر زمین را و غیره.

**عقیده 41**- وقتی همه علائم و نشانه‌های قیامت به وقوع پیوست، قیامت آشکار خواهد شد به این ترتیب که حضرت اسرافیل به حکم و فرمان خداوندی در شیپور خواهد دمید و از هیبت آن آسمان‌ها و زمین و کوه‌ها شکافته شده و از هم خواهند گسیخت، و همه مخلوق خواهند مرد، و آن‌هائی که قبلا مرده‌اند ارواح آن‌ها بی‌هوش خواهد شد، مگر آن‌هائی را که خدا بخواهد و تا مدتی همین حال و کیفیت خواهد بود.

**عقیده 42**- وقتی اراده خداوندی تعلق گیرد مجددا صور دمیده می‌شود و همه مخلوقات زنده شده و در میدان محشر جمع خواهند گشت، و از مشقت‌ها و سختی‌های آن روز ترسیده، برای سفارش روی به انبیاء† خواهند آورد و بالاخره به تقاضا و شفاعت حضرت خاتم النبین محمد میزان عدالت الهی نصب خواهد شد و به عمل خوب و زشت پاداش داده خواهد شد، و عده ای بی‌حساب وارد بهشت خواهند شد. نامه اعمال نیکوکاران بدست راست و بدکاران به دست چپ داده خواهد شد، پیغمبر اکرم حضرت محمد امّتان خود را از حوض کوثر آب خواهد نوشانید، و از پل صراط عبور نموده وارد بهشت می‌شوند، و بدکاران از بالای آن سرازیر در جهنم خواهند شد.

**عقیده 43**- الآن دوزخ موجود است، و در آن مار و کژدم و عذاب‌های گوناگون به شکل‌های مختلف بیان شده و از دوزخیان کسی که به اندازه ذره‌ای ایمان داشته باشد بعد از چشیدن کیفر اعمال زشت خود به تقاضا و شفاعت انبیاء، و اولیاء، و علما و صلحا از دوزخ بیرون آمده وارد بهشت خواهند شد، و به واسطه گناه هر نوع گناهی باشد در دوزخ دائمی نمی‌ماند، کافران و مشرکان برای همیشه در دوزخ باقی می‌مانند نه از آن بیرون کرده می‌شوند و نه در آن می‌میرند.

**عقیده 44**- خداوند پاک مختار است که به واسطه گناه کوچک عذاب کند و گناه بزرگ را عفو نماید.

**عقیده 45**- خداوند شرک را هرگز عفو نمی‌کند، و غیرشرک را برای هرکس صلاح بداند به فضل و رحمت خود عفو می‌کند.

**عقیده 46**- خدا و رسول هرکس را واضح نام برده و بهشتی بودنش را اعلام فرموده‌اند بهشتی است، و دیگر کسی را بطور یقین بهشتی نمی‌توانیم گفت. البته علائم خوب را در اشخاص دیده و گمان خوب بودن و از رحمت خدا امیدوار بودن صحیح است.

**عقیده 47**- در بهشت از همه نعمت‌ها بزرگ‌تر و بهتر دیدار خداوندی است که نصیب بهشتیان خواهد شد و در مقابل این لذت همه لذت‌ها هیچ است.

**عقیده 48**- در دنیا در حالت بیداری کسی خداوند را ندیده و نمی‌تواند دید.

**عقیده 49**- تمام عمر انسان چه خوب و چه بد، بهر حالتی که خاتمه‌اش شود طبق آن پاداش داده خواهد شد.

**عقیده 50**- انسان هرگاه توبه و ایمان آورد توبه و ایمانش مقبول درگاه الهی است مگر وقتی که نفس در سینه بحرکت و فرشته عذاب را ببیند، در آن وقت نه ایمان قبول می‌شود و نه توبه.

بیان سخن‌های کفر و شرک

1. پسند کردن کفر، کفر است.
2. خوب دانستن کلمات کفرآمیز.
3. دیگران را وادار کردن به گفتن کلمات کفر.
4. از ایمان خود پشیمان شدن که شخص می‌گوید: اگر من مسلمان نمی‌بودم فلان کار نمی‌شد.
5. در فوت اولاد و غیره این چنین می‌گوید که خدا فقط در صدد بردن همین بود و برای کشتن کسی دیگر غیر از این ندید.
6. یا می‌گوید: خدا اینطور نباید می‌بود یا این ظلمی که خدا کرد دیگری نمی‌کند.
7. به غیر خدا این عقیده را داشتن که: در همه وقت حالات ما به آن معلوم است.
8. غیر خدا را از دور آواز دادن به این نیت که آن می‌شنود.
9. غیر خدا را صاحب نفع و ضرر دانستن.
10. از غیر خدا مقصود و مراد خواستن و روزی طلب کردن.
11. بنام غیر خدا روزه گرفتن و غیر خدا را سجده کردن و بنام غیر خدا حیوانی نذر و ذبح کردن.
12. فرمان مخلوق را بر فرمان خالق مقدم دانستن.
13. در پیش کسی به سجده افتادن یا به مثل تصاویر بدون حرکت ایستادن.
14. احترام کردن زیارات بزرگان را به اندازه احترام خانه خدا.
15. عمرپرست، حسین بخش، علی بخش، عبدالنبی، عبدالحسین، محمدپرست نام گذاشتن و عقیده بر این داشتن.
16. حیوانی بنام کسی نذرکردن و از آن حیوان احترام گرفتن.
17. کار و بار عالم را از تاثیر ستاره‌ها دانستن.
18. روز خوب و بد را پرسیدن.
19. شگون و فال بد زدن.
20. ماهی یا روزی را نحس دانستن.
21. نام بزرگی را ورد وظیفه کردن.
22. و این چنین گفتن که: اگر خدا و رسول بخواهد اینطور می‌شود، فقط هرچه خدا بخواهد می‌شود.
23. به جان یا سرکسی قسم خوردن.
24. عکس پدر و برادر یا غیره را به قصد حرکت در خانه یا جیب گذاشته و تعظیم نمودن.

بیان اعمال خلاف شریعت و بدعت

1. در سر قبرستان در یک روز معین جمع شدن.
2. چراغ در سر قبرستان روشن کردن.
3. زنان به گورستان رفتن.
4. پرده و لباس بالای قبر انداختن.
5. از سیمان و آجر قبر را بنا کردن.
6. برای خشنودی بزرگان قبر را تعظیم کردن.
7. قبر را طواف و سجده کردن.
8. بطرف قبر نماز خواندن.
9. شیرینی و دیگر ماکولات بر سر قبرستان بردن.
10. عزاداری بیشتر از سه روز برپاداشتن.
11. خیمه بر سر قبر برپا کردن.
12. تعظیم کردن و سجده کردن و زیارت کردن علم.
13. در یک ماه معین یا یک روز بخصوص شیرینی نخوردن و یا عروسی و خواستگاری نکردن و با عیال خود نزدیکی نکردن و لباس جدید نپوشیدن.
14. شام گوری و خرج روز سوم و هفتم و دهم و بیستم و چهلم و خرج سال را تعیین نمودن، و عقیده داشتن که اینگونه نفقات برای میت بیشتر ثواب دارد و لازم است.
15. نکاح بیوه زنان را عیب دانستن.
16. در عروسی و ختنه سوری و غیره از طاقت زیادتر خرج کردن خصوصا که وام بگیرد خرج نماید.
17. رقص، ساز و دیگر لهو لعب را در کار انداختن.
18. در جای سلام چاکرم، بنده‌ام یا دست بر سر و سینه گذاشته خم شدن.
19. رفتن زنان بدون پروا پیش پسر عمو و پسر خالو و برادر شوهر و غیره.
20. شنیدن و شرکت کردن در مجلس ساز و دهل.
21. دیدن رقص زنان رقاصه.
22. تار و تمبک دیدن و از آن خوشحال شدن.
23. فخر کردن بر نسب، یعنی شخصی بگوید: من پسر فلانی هستم.
24. برای نجات خود از مهلکه کسی را کافر شمردن.
25. طعن بر نسب شخص زدن.
26. حرقه و پیشه‌ای را ذلیل و خوار شمردن.
27. زیاده از حد تعریف کسی را نمودن.
28. در وقت مصیبت به آواز بلند کردن نوحه کردن و گریه نمودن.
29. بر سر و سینه زدن و در وقت مصیبت رو خراشیدن.
30. تا یک هفته یا بیشتر از شستن لباس امتناع نمودن.
31. لباس نو یا شسته نپوشیدن.
32. در تاریخ‌های معین مجددا غم و مصیبت را اعاده کردن.
33. زیاده از حد مشغول زیب و زینت شدن.
34. وضع ساده را عیب شمردن.
35. قندان و سرمه دان و عطر دان را از طلا و نقره ساختن و استعمال کردن.
36. لباس بسیار نازک و تنگ یا لباس ابریشمی یا زعفرانی رنگ پوشیدن برای مردان.

بیان بعضی گناهان بزرگ که سخت وعید بر آن‌ها آمده

1. شریک بر خدا گرفتن.
2. خون ناحق کردن.
3. اذیت کردن پدر و مادر.
4. خوردن مال یتیمان.
5. محروم کردن دختران از میراث.
6. به کوچک‌ترین شبه کسی را متهم کردن به زنا.
7. ظلم کردن.
8. در غیاب کسی بدی او را بیان کردن.
9. از رحمت خدا ناامید شدن.
10. وعده را خلاف کردن.
11. در امانت خیانت کردن.
12. ترک فرائض از قبیل نماز و روزه و غیره کردن.
13. قرآن مجید را فراموش کردن.
14. دروغ گفتن.
15. بنا حق سوگند یاد کردن.
16. بغیر نام یا صفت خدا قسم یاد کردن.
17. یا این چنین قسم خوردن که: در وقت مرگ کلمه طیبه نصیب من نشود و یا خاتمه ام بر ایمان نشود.
18. غیر خدا را سجده کردن.
19. بدون عذر نماز و روزه را قضاء کردن.
20. مسلمان را کافر یا بی‌ایمان یا خدازده و یا دشمن خدا گفتن.
21. دزدی کردن.
22. از گرانی قیمت گندم و مایحتاج عمومی خشنود شدن.
23. در وزن و پیمانه کم کردن.
24. زنان به تنهائی نزد نامحرمان نشستن.
25. قمار زدن.
26. رسومات کفر را پسند کردن.
27. حلال را بد شمردن.
28. پسند کردن ساز و رقص و شنیدن آن‌ها.
29. در صورت قدرت بر نصیحت، نصیحت را ترک کردن.
30. کسی را مسخره و بی‌‌حرمت و شرمنده کردن.
31. عیب جوئی کسی را کردن.
32. عیب کسی را پیش دیگران فاش کردن.

بیان بعضی نقصانات دنیوی که به واسطه گناه بوجود می‌آید

1. محروم ماندن از علم.
2. کم شدن روزی.
3. وحشت از یاد خدا.
4. وحشت از اشخاص نیک.
5. پدید آمدن مشکلات در کارها.
6. سیاه شدن دل.
7. محرومی از طاعت.
8. کمی عمر.
9. توفیق توبه را از دست دادن.
10. بیرون شدن عیب گناه از دل.
11. ذلیل بودن در نزد خدا.
12. سستی بوجود آمدن در عقل.
13. مورد نفرین دیگران قرار گرفتن.
14. سزاوار لعنت رسول و فرشته گردیدن.
15. رفتن شرم و غیرت از وجود.
16. بیرون رفتن بزرگی خدا از دل.
17. هجوم بلاها.
18. در وقت مردن محرومیت از کلمه طیبه.
19. از رحمت خدا ناامیدی و بهمین سبب بدون توبه از دنیا رفتن.

بیان بعضی فوائد دنیوی که از عبادت حاصل می‌شود

1. افزایش و برکت روزی.
2. دور شدن رنج و پریشانی‌ها.
3. آسانی در بدست آمدن مقصود و مرادها.
4. لطف و لذت در زندگی.
5. آمدن باران.
6. دور شدن بلاها.
7. مهربانی و کارسازی خدا و دستور رسیدن به فرشتگان برای ثابت داشتن آن.
8. حاصل شدن عزت و آبرو و مرتبه بلند.
9. محبت در دل همه مخلوق خدا.
10. شفیع گردیدن قرآن.
11. عوض بهتر در وقت فوت مال و جان.
12. ترقی در مال و نام.
13. حصول تسلی و راحت.
14. شنیدن مژده از غیب.
15. در وقت مردن از فرشته مژده خوب شنیدن و تهنیت در آمدن بهشت.
16. برکت در عمر.
17. از فاقه و تنگدستی محفوظ شدن.
18. برکت زیادتی در چیز کم.
19. از غصه و خشم خدا در امان بودن.

بیان طهارت

وضو

احکام وضو

وضوگیرنده در وقت وضوء رو به قبله نموده در جای بلند بنشیند، اولا: بسم الله الرحمن الرحیم گفته، هر دو دست را تا مچ سه مرتبه بشوید، بعدا سه مرتبه آب در دهان کرده مسواک نماید، و اگر مسواک نباشد به وسیله پارچه درشت یا انگشتان دست راست آن هم انگشتان سبابه و ابهام دندان‌ها را خوب تمیز کند، و اگر روزه دار نباشد آب را غرغره کرده تا به تمام دهان برسد و خوب پاک شود و اگر روزه داشت از غرغره پرهیز کند.

بعدا سه مرتبه آب در بینی کرده و با دست چپ بینی را تمیز کند، سپس سه مرتبه روی خود را که عبارت است از روئیدن موی پیشانی تا زیر زنخدان و از این نرمه گوش تا آن نرمه گوش شسته و اگر ابروان فشرده یا ریش پرموی دارد آب را به بیخ موی‌ها برساند، بعدا دست راست را از سرانگشتان با آرنج بشوید و همچنین دست چپ و یا انگشتان یک دست دیگر خلال نموده و آب جدید گرفته سر را مسح کشد و بعد از مسح سر مسح گوش به این ترتیب که هر دو انگشت سبابه را به سوراخ گوش‌ها کرده و با شکم هر دو انگشت ابهام پشت گردن را مسح کشد، و بعد دو پای خود را با هر دو کعب «کله» بشوید و انگشتان پای را به این ترتیب خلال نماید یعنی: با انگشت کوچک دست چپ انگشتان پای راست را از انگشتان کوچک شروع کرده خلال نماید، و همچنین با دست راست انگشتان پای چپ را.

این بود طریقه وضو گرفتن ولی در این افعال بعضی اینطور است که: اگر ترک شود یا چیزی باقی ماند وضوء درست نیست و به این افعال فرض گفته می‌شود، و بعضی دیگر این چنین است که اگر انجام نگرفت به وضوء نقصی وارد نمی‌شود ولی انجام دادن آن‌ها موجب ثواب است، و در شریعت نسبت به آن‌ها تاکید شده است، و اگر بیشتر آن‌ها ترک شود گناه است و به این افعال سنت گفته می‌شود، و بعضی دیگر طوری است که انجام آن ثواب دارد و انجام ندادن آن‌ها گناه ندارد و در شریعت نسبت به آن‌ها تاکید نشده است و این‌ها را مستحب می‌گویند.

فرائض وضو

مسئله 1: در وضوء فقط چهار چیز فرض است،

* 1. یک مرتبه شستن تمام رو.
	2. شستن هر دو دست تا آرنج.
	3. مسح یک چهارم سر.
	4. شستن هر دو پا با کعبین «یعنی کله».

مسئله 2: اگر یکی از این چهار فرض ترک شود یا در یک عضو به اندازه سر سوزن خشک ماند وضوء درست نیست.

سنت‌های وضو

مسئله 3:

* 1. شستن هر دو دست تا مچ‌ها در اول وضوء.
	2. بسم الله گفتن.
	3. سه مرتبه آب در دهان و در بینی کردن.
	4. مسواک کردن.
	5. تمام سر را مسح کردن.
	6. هر عضو را سه مرتبه شستن.
	7. مسح گوش را انجام دادن.
	8. خلال انگشتان دست و پا را کردن.
	9. به ترتیب به جا آوردن: یعنی اول رو بعد دست‌ها و سپس مسح سر و در آخر شستن پای انجام گیرد.
	10. پی در پی شستن اعضاء.
	11. نیت گرفتن وضوء در آغاز وضوء.

مسئله 4: شروع کردن از جانب راست و مسح کردن از مستحبات وضوء می‌باشد.

مسئله 5: هرگاه چهار عضو که شستن آن فرض است شسته شد وضوء حاصل می‌شود، خواه قصد وضوء گرفتن داشته باشد یانه، البته در صورت نداشتن قصد وضوء ثواب حاصل نمی‌شود.

مسئله 6: طریق سنت همان بود که قبلا بیان شد، اگر کسی برخلاف آن وضوء گیرد، وضو درست ولی خلاف سنت انجام شده احتمال گناه است.

مسئله 7: یک عضو را شسته و در شستن عضو دیگر این قدر تاخیر نکند که عضو اولی خشک شود.

مسئله 8: در شستن هر عضو سنت است که بدست خوب مالیده شود تا همه جای آن تر شود.

مسئله 9: پیش از آمدن وقت اسباب وضو را آماده و مهیا نمودن مستحب است.

مسئله 10: تا وقتی که عذر نباشد بدست خود وضوء بگیرد و از کسی امداد حاصل نکند هنگام وضو گرفتن از صحبت دنیوی پرهیز نموده و در اول شستن هر عضو بسم الله گفته و کلمه طیبه و دعاهای ماثوره بخواند.

مسئله 11: آب هرچند زیاد در دسترس باشد از حد سنت بیشتر مصرف نکند و هر عضو را از سه مرتبه بیشتر نشوید.

مسئله 12: آب را بشدت بر صورت و اعضاء نزند.

مسئله 13: چشم و دهان را در وقت شستن نبندد و اگر چشم را طوری بست که پلک چشم خشک ماند وضوء درست نیست.

مسئله 14: اگر انگشتر یا دستینه را در انگشت و دست دارد، در صورتی که بدون چرخانیدن آن قسمت زیرین تر می‌شود چرخ دادن آن مستحب است و اگر تر نمی‌شود و چرخ دادن آن واجب و لازم است و همینطور است حکم خال بینی.

مسئله 15: اگر زیر ناخن‌ها از خمیر یا سیمان یا پیه و غیره پرشده و خشکیده و آب در جلد زیر ناخن نمی‌رسد وضوء درست نیست، باید آن‌ها را باز کرده و دور نموده وضوء بگیرد و اگر با همین وضع نماز خواند نماز را اعاده نماید.

مسئله 16: بعد از وضوء خواندن سوره: ﴿إِنَّآ أَنزَلۡنَٰهُ فِي لَيۡلَةِ ٱلۡقَدۡرِ ١﴾ تا آخر، و این دعا «أللَّهُمَّ أَجْعَلْنِي مِنَ التَوَّابِينَ وَاجْعَلْنِي مِنَ المُتَطَهِّرِينَ وَاجْعَلْنِي مِن عِبَادِكَ الصَّالِحِيْنَ وَاجْعَلْنِي مِنَ الذِینَ لَا خَوفٌ عَلَیهِم وَلَاهُم یَحزَنُونَ» مستحب است. ترجمه این دعا این است: «ای خدا بگردان مرا از گروه توبه کنندگان، و بگردان مرا از جمله پاکیزگان، و بگردان مرا از جمله بندگان نیکوکار خود، و بگردان مرا از جمله آنانی که ترس و غم ندارند.

مسئله 17: بعد از وضوء گرفتن بهتر است که دو رکعت نماز بخواند و این نماز را تحية الوضوء می‌گویند و دارای ثواب زیادی است.

مسئله 18: اگر برای چند وقت یک وضوء گرفت و وضوء بر حال خود بود درست است، ولی اگر برای هر وقت یک وضوء بگیرد ثواب زیادی دارد.

مسئله 19: اگر وضوء گرفته تا زمانی که با آن عبادتی را بجای نیاورده، دو مرتبه وضوء گرفتن مکروه است و اگر عبادتی بجای آورده مجددا وضوء بگیرد نور علی نور است.

مسئله 20: اگر وقت غسل کردن وضوء گرفت و به آن وضوء نماز خواند درست است.

مسئله 21: اگر دست و پا ترکیده و آن را از روغن موم یا دیگر دوائی پرکرده، اگر بیرون آوردن آن مضر است بدون بیرون آوردن وضوء درست است.

مسئله 22: اگر بعد از وضوء کله پا یا مقداری از بقیه اعضاء که باید در وضوء شسته شود خشک ماند کشیدن دست تر بر آن کافی نیست بلکه باید آب بر آن جاری شود.

مسئله 23: اگر در دست و پا و بقیه اعضا وضوء زخم وجود دارد و یا مرضی دارد که رسیدن آب به آن عضو مضر است دست خود را به آب زند و بر آن اعضا مسح کشد، و اگر مسح هم مضر است آن را هم ترک کند.

مسئله 24: اگر زخم اعضاء بدن باندپیچی شده و یا پارچه بر آن بسته که نباید آب به آن رسد و بازکردن آن مضر است، بر روی باند و پارچه مسح کشد و بازکردن لازم نیست.

مسئله 25: اگر زیر پارچه یا تخته شکسته بندی تمامی زخم نیست و بازکردن آن بدون اذیت ممکن است باید باز کرده شود و جای سالم را شسته و بر زخم مسح کشد، و اگر در باز کردن اذیت است بر روی پارچه و تخته شکسته بندی مسح کشد خواه تمام زیر آن زخم باشد یا نه.

مسئله 26: اگر پارچه‌ای که بر زخم و غیره بسته شده بود بازکرده و زخم خوب نشده بود آن را ببندد و مسح بر حال خود باقی است، و اگر زخم خوب شده بود و احتیاج به بستن نداشت مسح باطل و آن محل را شسته نماز بخواند.

بیان شکننده‌های وضو

مسئله 27: آنچه از جلو[[1]](#footnote-1)، و عقب[[2]](#footnote-2) بیرون آید وضو را می‌شکند، مگر احیاناً باد از جلو خارج شود که وضوء را نمی‌شکند، و اگر کرم از جلو یا عقب بیرون آید وضوء را می‌شکند.

مسئله 28: اگر در بدن زخمی است و از آن کرم بیرون آید یا از گوش و زخم بدن پاره گوشتی جدا شده و به زمین افتاد ولی خونی نشد وضو نمی‌شکند.

مسئله 29: اگر کسی رگ زد، یا دانه ای در بدنش بود و آن دانه پاک شد و خون بیرون آمد یا از جای دیگر خون یا چرک بیرون آمد وضوء می‌شکند. اگر خون بیرون شده کم بود که از محل زخم تجاوز نکرد وضوء نمی‌شکند، و اگر یک ذره به اطراف تجاوز کرد وضوء می‌شکند.

مسئله 30: اگر کسی عطسه زد و از بینی او مقداری خون بسته بیرون آمد وضوء نمی‌شکند، و اگر خون بسته نبود وضوء می‌شکند، اگر کسی انگشت در بینی کرد و بیرون آورد و بر انگشتش خون دیده شد ولی خون این قدر است که به انگشت آن مالید شده و جاری نگردیده وضوء نمی‌شکند.

مسئله 31: اگر در چشم دانه زخم بود و آن را پاره کرد یا خود پاره شد و آب آن در چشم ریخت اگر آن آب از چشم بیرون آمد وضوء می‌شکند، و اگر بیرون نیامد وضوء نمی‌شکند و همچنین در گوش و بینی اگر زخمی بود در صورت پاره شدن اگر آب و چرک در محلی که شستن آن در غسل فرض است رسید وضوء می‌شکند و اگر نرسید بدان محل نمی‌شکند.

مسئله 32: اگر پوست بالای زخم را برداشت و خون یا زرداب دیده شد ولی از محل خود تجاوز نکرد وضوء باقی است و اگر تجاوز کرد وضوء می‌شکند.

مسئله 33: اگر از زخم کم کم خون بیرون می‌آمد و بر زخم خاک یا پنبه می‌گذاشت، بعداً مشاهده نماید اگر خون به اختیار خود از محل زخم تجاوز می‌کرد وضوء می‌شکند اگر تجاوز نمی‌کرد وضوء نمی‌شکند.

مسئله 34: اگر در آب دهان خون دیده شد و خون بسیار کم است که رنگ آب دهان سفید یا به زردی مشابه است وضوء نمی‌شکند، و اگر خون از آب بیشتر است یا برابر است که رنگ آب دهان به سرخی مشابه است وضوء می‌شکند.

مسئله 35: اگر با دندان چیزی را شکست یا دندان را خلال کرد و بر آن اثر خون مشاهده گردید ولی در آب دهان اصلاً خون مشاهده نمی‌شود وضوء نمی‌شکند.

مسئله 36: اگر زالوئی خون بدن را مکید و پر از خون گردید به اندازه‌ای که اگر پاره شود خون جاری می‌شود وضوء می‌شکند، و اگر خون مکیده شده بسیار کم بود که اگر پاره شد خون جاری نمی‌شود وضوء نمی‌شکند.

مسئله 37: اگر پشه یا مگسی خون از بدن مکیدند وضوء نمی‌شکند.

مسئله 38: اگر به وسیله سرنگ آمپول خون از بدن کسی کشیده شد به اندازه‌ای که سرنگ پر گردیده وضوء می‌شکند.

مسئله 39: اگر گوش کسی درد می‌کرد و از آن آب بیرون آمد این آب نجس است، اگرچه زخم مشاهده نشود، لذا وضوء از بیرون آمدن آن آب می‌شکند بشرطی که از محلی که شستن آن در غسل فرض است تجاوز نماید، و همچنین اگر از ناف دردناک آب بیرون آید یا از چشمی که سوزش یا خارش یا درد دارد آب بیرون آید وضوء می‌شکند، و اگر بدون درد یا زخم آب از چشم بیرون آمد شکننده وضوء نیست.

مسئله 40: اگر استفراغ کرد و در آن غذا یا آب و غیره بود اگر دهان پر شد وضوء می‌شکند، واگر دهان پر نشد وضوء بر حال خود باقی است. و اگر قی خون بود در صورتی که صاف باشد چه کم و چه زیاد وضوء می‌شکند و اگر غلیظ باشد که پری دهان باشد و پاره پاره بیرون آید وضوء را باطل می‌کند، و اگر مقدار قی دهان را پر کنند وضوء نمی‌شکند.

مسئله 41: اگر کم کم استفراغ نمود در صورتی که همه جمع کرده شود دهان پر می‌شود اگر سبب یکی باشد وضوء می‌شکند و اگر سبب یکی نباشد وضوء نمی‌شکند. منظور از سبب همان حالت تهوع و شورش است.

مسئله 42: اگر شخص دراز کشید و خواب شد یا به چیزی تکیه کرد و خواب شد بطوری که اگر آن چیز برداشته شود به زمین می‌افتد وضوء می‌شکند، و اگر در حالت قیام یا قعود خوابید وضوء نمی‌شکند، و اگر در سجده خوابید اگر نمازگزار زن است وضوء می‌شکند، و اگر مرد است و سجده به هیئت سنت بجای آورده وضوء نمی‌شکند، و اگر خلاف طریق سنت سجده بجا آمد یعنی اعضاء در حالت سجده شل شد و تغییرات پیدا کرد وضوء می‌شکند.

مسئله 43: اگر نماز خواننده در حالت نشستن خوابید بطوری که بالا و پائین می‌شود ولی به زمین نمی‌افتد وضوء نمی‌شکند، و اگر به زمین افتاد و فورا چشم را باز کرد هم نمی‌شکند و اگر بعد از افتادن چند ثانیه بعد چشم را گشود وضوء می‌شکند.

مسئله 44: اگر شخص وضوء دارنده بی‌هوش شد یا به واسطه جنون عقل آن از بین رفت وضوء می‌شکند چه مدت بی‌هوشی کم باشد و چه زیاد، همچنین دیوانگی، و اگر چیز نشه آوری استعمال کرد و نشه شد اگر در رفتارش کجی پیدا شود وضویش می‌شکند، و اگر کجی پیدا نشود نمی‌شکند.

مسئله 45: اگر شخص در نماز خندید که خودش و رفقای دو طرفش آواز خنده را شنیدند وضوء می‌شکند و نمازش فاسد می‌شود، و اگر صدای خنده را خویش شنید و رفیقش نشنید نماز فاسد و وضوء نمی‌شکند، و اگر وقت خندیدن دندان‌ها آشکار شد و آواز بیرون نیامد وضوء نمی‌شکند و نماز هم فاسد نمی‌شود.

تبصره: خنده بچه صغیر اگر چه قهقهه باشد وضویش را نمی‌شکند، خنده شخصی در نماز جنازه و سجده تلاوت شکننده وضوء نیست.

مسئله 47: اگر بعد از وضوء عورت خود یا دیگری را دید یا بدون لنگ وضوء گرفت و غسل کرد وضویش صحیح است، البته بدون عذر به عورت خود یا دیگری نگاه کردن و بدون لنگ در محل عموم غسل کردن گناه است.

مسئله 48: هر چیزی که به واسطه بیرون شدن آن وضوء می‌شکند نجس است و هر چیزی که وضوء از خارج شدن آن نمی‌شکند مثل اینکه مقداری از خون زخم بطوری که اطراف زخم آلوده نشود به وسیله پنبه ای برداشته شود پاک است اگر به لباس با بدن ترشح شود نجس نمی‌شود.

مسئله 49: بچه شیرخواره اگر شیر قی کرد اگر به اندازه پری دهان است، نجس است و به هر جا بریزد بدون شستن آن نماز درست نیست، و اگر به این مقدار نباشد پاک و بدون شستن آن نماز درست است.

مسئله 50: اگر وضوء گرفتن یادش بود و در شکستن آن شک شد وضوء باقی است و نماز درست است، ولی مجدداً وضو گرفتن بهتر است، و اگر در شکستن وضوء شک داشت و جانب شکستن ترجیح داشت وضوء شکسته محسوب می‌شود و نماز درست نیست.

مسئله 51: اگر در میان نحوه گرفتن شک کرد که فلان عضو را شسته است یا خیر، عضو مشکوک را مجدداً بشوید و اگر بعد از وضوء این شک پیش آمد هیچ پروا نکند وضوء آن کامل است مگر به شستن یقین حاصل شود که شستن آن حتما لازم است.

مسئله 52: بدون وضوء قرائت قرآن از حفظ جائز است، مساس قرآن بدون وضوء درست نیست. و اگر قرآن مجید را باز کرده بدون دست زدن تلاوت کرد اشکالی ندارد، اگر قرآن را به پارچه‌ای که از قرآن جداست گرفته تلاوت نشود صحیح است. بدون وضوء دست کشیدن دعا یا ظرفی که بر آن قرآن نوشته شده جائز نیست.

احکام معذور

مسئله 53: کسی که در بدن آن زخمی است که همیشه خون و چرک از آن در جریان است یا مبتلا به مرض سلسله بول است یعنی همیشه قدری پیش آب از شخص خارج می‌شود یا بطور دائمی از آن باد خارج می‌شود یا از بینی آن همیشه خون در جریان است این شخص معذور گفته می‌شود، و حکم آن این است که: در وقت هر نماز وضوء بگیرد و تا وقتی که وقت باقی است وضوء آن هم ثابت و با آن وضوء هر نمازی را می‌تواند بخواند و همین که وقت تمام شد وضوء آن می‌شکند و برای نماز دیگر وضوء مجدد لازم است، البته در بین وقت اگر شکننده‌ای غیر از این عذر بوجود آید وضوء آن می‌شکند و باید وضوء جدیدی بگیرد.

مسئله 54: اگر شخص معذور وقت بامداد وضوء گرفت بعد از طلوع آفتاب وضویش می‌شکند، و اگر بعد از برآمدن آفتاب وضوء گرفت با آن وضوء نماز ظهر را می‌تواند اداء نماید و بداخل شدن وقت عصر وضوء آن باطل می‌شود.

مسئله 55: اگر در بدن زخمی است که همیشه از آن خون یا زرد آب جاری است، اگر این شخص وضوء گرفت و بعد از وضوء زخم دیگری بوجود آمد و از آن خون جاری شد وضوء آن می‌شکند.

مسئله 56: انسان به واسطه این عذرها وقتی معذور شمرده می‌شود که وقت نماز کامل بر آن بگذرد و خون و غیره از آن زخم جریان داشته باشد، یعنی این قدر فرصت نیابد که در آن نماز را با وضوء اداء کند و اگر این فرصت برایش میسر باشد معذور گفته نمی‌شود و این حکم برای آن نیست، البته در اوقات دیگر جاری بودن خون بطور دائمی شرط نیست بلکه اگر گاهی جاری و گاهی مسدود باشد معذور گفته می‌شود.

مسئله 57: اگر چند دقیقه از وقت نماز ظهر گذشت که خون جریان پیدا کرد تا لحظات آخر وقت انتظار کشد اگر خون ایستاد وضوء گرفته نماز خواند، و اگر نه ایستاد هم وضوء گرفته نماز را اداء نماید بعداً در وقت عصر اگر مرتبا خون جاری بود و قطعا نه ایستاده آن وقت معذور است، و حکم معذور بر آن جاری می‌شود. و اگر در وقت عصر خون ایستاد معذور گفته نمی‌شود و نماز ظهر را باید قضا بیاورد.

مسئله 58: شخص معذور اگر بعلت غیر از عذر وضوء گرفت و بعد از وضوء عذر آن مجددا بوجود آمد باید مجددا وضوء بگیرد.

مسئله 59: اگر خون یا پیش آب و غیره شخص مذکور به لباس ریخت، شخص معذور نظر کند که اگر پیش از اتمام نماز مجددا خواهد ریخت شستن آن لازم نیست و اگر تصور می‌رود که به این زودی نمی‌ریزد شستن آن لازم است.

غسل

احکام غسل

برابر دستورات شریعت مقدس اسلام غسل کننده باید در ابتداء غسل هر دو دست خود را تا مچ‌ها بشوید و بعد استنجاء بزند، و اگر بر بدن آن نجاستی باشد آن را دور گرداند و بعد وضوء بگیرد مثل وضوء نماز، مگر محل غسل طوری باشد که آب مستعمل در آن جمع شد و در این صورت هر دو پای خود را بعد از غسل هنگام بیرون رفتن از آنجا بشوید و بعد از غسل وضوء جدیدی لازم نیست.

مسئله 60: این طریق غسل که بیان گشت موافق سنت است، و در آن بعضی کارها فرض است که بدون آن غسل درست نیست. و شخص همانطور جنب می‌ماند و بعضی افعال سنت است که انجام آن‌ها دارای ثواب است و اگر انجام نداد غسل درست است.

فرائض غسل

مسئله 61: در غسل سه چیز فرض است، اول: آب در دهان کردن که تمام دهان را فراگیرد و شسته شود، دوم: آب در بینی کردن بطوری که تا انتهای نرمی دماغ برسد، سوم: شستن تمامی بدن یک مرتبه.

مسئله 62: در وقت غسل کردن باید روی بطرف قبله نکند، و در آب اسراف ننماید، و در جائی غسل کند که کسی او را نبیند، و در وقت غسل کردن سخن نگوید، و بعد از غسل بدن خود را خشک نماید و سپس در پوشیدن لباس عجله کند.

مسئله 63: اگر در محلی که غسل می‌کند کسی آن را نمی‌بیند بدون لنگ غسل کردن درست است و بالنگ بهتر است.

مسئله 64: نیت در غسل واجب نیست وقتی که مضمضه و استنشاق کرد و آب را بر همه بدن جاری نمود غسل تمام شد اراده غسل باشد یا نه.

مسئله 65: اگر در بدن به اندازه سر سوزنی خشک ماند یا مضمضه و استنشاق را فراموش کرد غسل درست نیست.

مسئله 66: اگر بعد از غسل یادش آمد که فلان موضع خشک مانده مجددا غسل لازم نیست، بلکه همان محل را بشوید و کشیدن دست تر کافی نیست، و همچنین مضمضه و استنشاق را اگر فراموش کرد تجدید غسل لازم نیست بلکه مضمضه و استنشاق را انجام دهد غسل صحیح است.

مسئله 67: اگر به واسطه مرض ریختن آب بر سر مضر است سر را ترک کرده بقیه بدن را بشوید، البته بعد از سالم شدن و شفایافتن شستن سر ضروری است.

مسئله 68: اگر غسل کننده مرد است و موی بر سر دارد و موی خود را بافته است، وقت غسل کردن باز کردن موها لازم است، و اگر غسل کننده زن است در صورت تر شدن بیخ موها گشادن آن‌ها لازم نیست و اگر بیخ موها تر نمی‌شود باید موهای خود را بگشاید.

مسئله 69: اگر انگشتر یا گوشواره و ساعت و غیره طوری است که در وقت وضوء و غسل خود می‌چرخد چرخانیدن آن لازم نیست، و اگر بخودی خود نمی‌چرخد باید چرخانیده شود تا آب به قسمت زیر آنان برسد.

مسئله 70: اگر به ناخن خمیر یا گل و سیمان چسبیده و مانع رسیدن آب بود غسل درست نیست، باید بعد از دیدن زیر ناخن صاف گردد و شسته شود و پیش از این اگر نماز خوانده باید اعاده گردد و همچنین است حکم لاک پشت ناخن.

مسئله 71: اگر دست و پا ترکیده و آن‌ها را از روغن و موم و غیره پر کرده جاری نمودن آب بر بالای آن‌ها کافی است.

مسئله 72: داخل کردن آب در گوش و ناف لازم است ولی آب نوشید بطوری که همه دهان را آب رسید غسل درست است.

مسئله 73: اگر در وقت غسل مضمضه نکرد ولی آب نوشید بطوری که همه دهان را آب رسید غسل درست است.

مسئله 74: اگر موی‌ها یا دست و پا یا باقی بدن چرب است که آب قرار نمی‌گیرد، غسل صحیح است.

مسئله 75: اگر در میان دندان‌ها پاره گوشت و نان و غیره ماند و مانع رسیدن آب شد غسل صحیح نیست.

 مسئله 76: اگر برای دندان‌های سالم و روکش طلا و غیره گذاشته شده غسل صحیح نیست و اگر دندان مریض است و طبیب دستور داده است مانعی ندارد.

مسئله 77: زنانی که در وقت عروسی و غیره روغن یا سرخی و وسمه چسب دار بر سر و روی و لب و ناخن می‌زنند و در وقت غسل یا وضوء آن‌ها را پاک نمی‌کنند و همانطور چسبیده بر روی آن‌ها آب جاری می‌کنند وضوء و غسل شان صحیح نیست.

مسئله 78: اشخاصی که درد چشم دارند و چشم شان چرکین شده باید در موقع وضوء و غسل پلک‌ها را باز نمایند و اگر پلک‌ها بهم چسبیده بود و باز نکردند، وضوء و غسل‌شان صحیح نیست.

بیان آب‌هایی که وضوء و غسل با آن‌ها درست است و آن‌ها که درست نیست

مسئله 79: با آب باران، رودخانه، چشمه، چاه و دریا وضوء و غسل صحیح است، آب شیرین باشد یا غیر شیرین.

مسئله 80: با آب میوه و آبی که از درخت یا برگ آن فشرده شده است وضوء و غسل صحیح نیست.

مسئله 81: هر آبی که با آن چیزی مخلوط گشته یا در آن چیزی پخته شده که در عرف عام به آن آب گفته نمی‌شود بلکه چیزی بر اسم آن افزوده گشته مثل: آب گوشت، گلاب و غیره وضوء و غسل با آن درست نیست.

مسئله 82: آبی که با آن چیزی پاک مخلوط شده بطوری که در رنگ، یا مزه، یا بوی آن کمی فرق آمده ولی آن چیز در آب ریخته نشده و در وقتش تغییری بوجود نیامده مثل آب جاری که در آن شن مخلوط شده، یا صابون یا زعفران و قدری در یکی از اوصاف سه گانه‌اش تغییر بوجود آمده وضوء و غسل درست است.

مسئله 83: اگر در آب چیزی پخته گردیده که به واسطه آن رنگ، یا مزه یا بوی آن فرق کرده مثل آب نخود و باقلا وضوء و غسل درست است.

مسئله 84: اگر برای رنگ دادن لباس زعفران و غیره انداخته شده در آن آب، وضوء و غسل صحیح نیست.

مسئله 85: اگر در آب شیر و ماست مخلوط گشته، اگر رنگ شیر و غیره غالب است وضوء وغسل درست نیست و بالعکس درست است.

مسئله 86: اگر در بیابان و کوه آب اندک دیده شد تا مادامی که به نجاست آن یقین حاصل نشود باید با آن آب وضوء گرفته شود به محض اینکه ممکن است این آب نجس باشد وضوء را بدان ترک نکند، و اگر وضوء را ترک کرد که شاید نجس باشد و تیمم گرفت تیممش درست نیست.

مسئله 87: اگر در چاه و حوض بزرگ برگ افتاد و آب بدبوی شد و رنگ و مزه‌اش تغییر کرد ولی در وقت و سیلانش تغییری پیدا نشد وضوء و غسل درست است.

مسئله 88: اگر در آب نجاست بیفتد با آن آب وضوء و غسل درست نیست، خواه نجاست کم باشد یا زیاد. البته اگر آب جاری است یا در حکم جاری مثل حوضی که تقریبا 36 متر مربع باشد تا مادامی که یکی از اوصاف سه گانه‌اش که رنگ و بوی و مزه باشد تغییر پیدا نکند وضوء و غسل صحیح است.

مسئله 89: آبی که پرکاهی یا برگ درختی یا امثال این‌ها را ببرد جاری گفته می‌شود اگرچه جریانش آهسته صورت گیرد.

مسئله 90: حوض ده در ده شرعی که مساحتش 36 متر است و عمقش به قدری باشد که هنگام برداشتن آب به وسیله دست زمین معلوم نشود، اگر در آن نجاست غیر دیدنی بیفتد مثل شراب، پیش آب و غیره بر چهار طرف آن وضوء درست است، و اگر نجاست دیدنی بیفتد مثل سرگین یا حیوانی خود مرده و غیره به همان طرف وضوء درست نیست و به سه طرف دیگر درست است به شرطی که در اوصاف سه گانه‌اش تغییری نیاید، و اگر در یکی فرق آمد وضوء جائز نیست.

مسئله 91: اگر یک جوی آب دو متر پهنا داشت و هیجده متر درازا، آن جوی در حکم حوض بزرگ است.

مسئله 92: اگر بر سطح بام خانه نجاست موجود بود و باران بارید و از ناودان به زمین می‌ریخت باید ملاحظه شود که: اگر نصف سطح یا بیشتر آن ملوث به نجاست است آب فرود آمده از ناودان نجس است، و اگر کم‌تر آن ملوث است آب پاک. و اگر نجاست در جلوی ناودان جمع بود و همه آب از بالای نجاست به زمین می‌ریخت آن نجس است.

مسئله 93: اگر آب آهسته حرکت می‌کرد، آرام آرام وضوء بگیرد تا آب مستعمل مجددا در استعمال وضوء گیرنده مصرف نگردد.

مسئله 94: اگر در آب کافر یا بچه کوچک (طفل نادانی) دست خود را فرو برد اگر بر دست‌های آنان نجاست ظاهر نباشد آب نجس نمی‌شود، ولی چون به بچه‌های کوچک زیاد اطمینان نیست اگر آب بهتر موجود است با آن وضوء گرفته شود.

مسئله 95: اگر در آب حیوانی که خون ندارد مرد مثل پشه، زنبور، مگس یا در بیرون آب مرد و به آب افتاد آب نجس نمی‌شود، وضوء و غسل با آب جائز است.

مسئله 96: حیواناتی که پیدایش و زندگانی آنان در آب است مثل ماهی، مگل (قورباغه) اگر در آب بمیرند آب نجس نمی‌شود، و همچنین اگر در غیر آب مثل شیر، روغن، شیره بیفتد و بمیرند آن‌ها نجس نمی‌شوند.

تذکر: حکم قورباغه آبی و خاکی یکی است، اگر قورباغه خاکی خون داشت به مرگ آن در آب، آب نجس می‌شود.

تذکر: فرق بین قورباغه آبی و خاکی این است که میان پنجه‌های آبی پرده دارد و خاکی ندارد.

مسئله 97: هر حیوانی که در آب زندگی کند ولی پیدایش آن در آب نباشد مثل مرغابی و غیره اگر در خارج آب بمیرد و در آب بیفتد و یا در داخل آب بمیرد آب نجس می‌شود.

مسئله 98: مگل و غیره اگر در آب بمیرد و ریزه ریزه شود آب پاک است ولی از لحاظ طبی نوشیدن و غذا درست کردن با آن جائز نیست.

مسئله 99: آبی که با آفتاب گرم شده چون استعمال آن احتمال پیدا شدن داغ‌های سفید در بدن دارد از وضوء و غسل با آن اجتناب بهتر است.

مسئله 100: پوست حیوان خود مرده وقتی به وسیله آفتاب و غیره آتش داده شود و خشک گردد بطوری که به واسطه گذشت زمان خراب نشود، نماز در روی آن جائز است مگر پوست خوک که به هیچ عنوان پاک نمی‌شود، البته پوست انسان پاک می‌شود ولی استعمال آن از جهت شرافت انسانیت جائز نیست.

مسئله 101: حیوان حرام گوشت که پوست آن با آتش دادن پاک می‌شود اگر سر بریده شود و در موقع سر بریدن بسم الله گفته شود، بدون آتش دادن پوست آن پاک است ولی گوشت آن حرام است برای خوردن.

مسئله 102: استخوان، شاخ، دندان، شیر موجود در پستان، تخم آماده از حیوان خود مرده پاک است، مگر که ملوث به روغن و خون و غیره باشند که بدین واسطه نجس و آب را نیز نجس می‌کنند.

مسئله 103: استخوان و موی انسان پاک است ولی از جهت عزت و شرافت انسانی از استعمال آن‌ها خودداری شود.

مسائل و احکام آب چاه

مسئله 104: وقتی در چاه نجاستی بیفتد، چاه نجس می‌شود، آن نجاست کم باشد یا زیاد، باید همه آب کشیده شود وقتی تمام آب کشیده شود چاه پاک می‌شود و همچنین دیوار، ریسمان، دلو پاک می‌گردند و احتیاج به شستن مجدد نیست.

تبصره: مقصود از کشیدن تمام آب چاه این است که: باید آب چاه تا موقعی که دلو بعد از انداختن در چاه نصفه از آب نشده بیرون آید آب کشیده شود.

مسئله 105: اگر در چاه پس افگنده کبوتر یا گنجشک افتد نجس نمی‌شود، و اگر از مرغ یا مرغابی افتد نجس می‌شود و همه آب باید کشیده شود.

مسئله 106: اگر در چاه گاوی یا گوسفندی یا گربه‌ای یا سگی پیش آب کند و همچنین حیوانی دیگر یا انسان چاه نجس می‌شود و همه آن آب باید کشیده شود.

مسئله 107: اگر در چاه آدمی، یا گوسفندی یا مثل این‌ها حیوانی دیگر افتاده و بمیرد باید همه آب کشیده شود و اگر در بیرون بمیرد و در چاه افتد نیز همین حکم است.

مسئله 108: اگر حیوانی زنده در چاه افتاد و مرد و بعد از مردن باد کرده یا پاره پاره شده تمام آب چاه باید کشیده شود، این چنین حیوان بزرگ باشد یا کوچک فرق ندارد.

مسئله 109: اگر موشی یا گنجشکی یا به اندازه این‌ها حیوان دیگری در چاه افتاد و مرد ولی نپوسید و ریزه ریزه هم نشد، حتما باید بیست دلو برای تطهیر چاپ آب کشیده شود و اگر سی دلو کشیده شود بهتر است. باید توجه داشت که دلوهای مقرر در موارد بعد از بیرون آوردن نعش حیوان افتاده حساب می‌گردد.

مسئله 110: اگر کبوتر یا مرغی یا به اندازه آن‌ها حیوانی دیگر افتاد و مرد حتما چهل دلو آب باید کشیده شود و اگر شصت دلو کشیده شود بهتر است.

مسئله 111: معتبر دلوی است که از چاه با آن کشیده می‌شود، لذا اگر به دلوی بزرگ‌تر یا کوچک‌تری غیر از دلو خود چاه کشیده شد باید به دلو چاه محاسبه گردد.

مسئله 112: اگر چاه چشمه سار است که کشیدن آب آن دشوار می‌باشد اول باید اندازه گیری شود و سپس به همان اندازه آب کشیده شود، مثلا اول پی در پی پنجاه دلو بیشتر یا کم‌تر کشیده شود و دیده شود که چه اندازه آب کم شد؟ بعداً بهمان مقیاس و اندازه آب کشیده شود، اگر پنجاه دلو یک متر آب را کم کرد و چاه مثلا پنج متر آب روی هم دارد برای چهارمتر دیگر دویس دلو آب کشیده شود.

مسئله 113: اگر از چاه موش مرده بیرون آمد و معلوم نیست چه موقعی افتاده اگر بدنش نپوسیده و یا نفخ نکرده بود اعاده پنج وقت نماز، شستشوی ظروف و لباسی که در ظرف یک شبانه روز شسته شده لازم می‌باشد، و اگر بدنش پوسیده یا ریزه ریزه شده بود اعاده سه شبانه روز نماز و شستشوی ظروف و لباسی که پیش از سه روز با آن آب شسته شود، لازم است. و اگر نان یا خمیر از این آب موجود بود استفاده نشود.

مسئله 114: اگر بر کسی غسل واجب شد و برای بیرون آوردن دلو به چاه رفت و حال اینکه بر بدن آن نجاست ظاهری نبود، چاه نجس نمی‌شود و همین حکم درباره شخص کافر است، و اگر بر بدن بیرون آورنده دلو نجاست ظاهری بود چاه نجس می‌شود و کشیدن همه آب لازم است و اگر شک بود در این صورت چاه پاک است.

مسئله 115: اگر در چاه بزی یا موشی افتاد و زنده بیرون آروده شد چاه پاک است.

مسئله 116: اگر گربه موشی گرفت و زخمی‌اش کرد، موش خود را نجات داده به چاه افتاد چاه نجس می‌شود و تمامی آب آن باید کشیده شود.

مسئله 117: اگر دم موشی یا چلپاسه قطع شده به چاه افتاد تمام آب آن باید کشیده شود.

مسئله 118: اگر در چاه چیزی افتاد و با وجود کوشش زیاد بیرون آورده نشد، باید ملاحظه شود که آیا خود آن پاک است یا خیر، اگر خود آن پاک بود به واسطه اتصال نجاست به آن چاه نجس نمی‌شود و بعد از سعی و کوشش بیرون نیامدن آن معاف است، و اگر آن چیز افتاده در چاه نجس بود مثل موش یا حیوان خود مرده و غیره در این صورت تا وقتی که یقین حاصل نشود که آن خاک شده و نابود گردیده چاه نجس است و بعد از حصول یقین تمام آب کشیده شود آنوقت چاه پاک می‌گردد.

مسئله 119: بعد از کشیدن آبی که کشیدن آن واجب است چاه پاک می‌شود خواه این مقدار یکدم کشیده شود یا کم کم.

بیان احکام پسخور حیوانات

مسئله 120: پسخور انسان پاک است، مسلمان باشد یا کافر، در حالت حیض باشد یا جنابت و همچنین عرقش البته اگر دست یا دهان ملوث به نجاست باشد پسخور آن نجس است.

مسئله 121: پسخور سگ نجس است اگر در ظرف پوزه خود را داخل کرد به سه مرتبه شستن پاک می‌شود، خواه سفالی باشد یا غیر سفالی ولی بهتر است که هفت مرتبه شسته شود یک مرتبه با خاک.

مسئله 122: پسخور خوک، شیر، گرگ، پلنگ و دیگر حیوانات درنده نجس است.

مسئله 123: پسخور گربه با کراهیت پاک است، در بودن آب تمیز با آن وضوء گرفته نشود.

مسئله 124: اگر در نان خورش و شیر و غیره گربه پوزه زد و از آن مقداری خورد اگر صاحبش ثروتمند است و زمانی است که احتیاج زیادی به غذا نیست نباید از این غذا خورده شود، و اگر صاحبش فقیر است و یا موقعیت غیر این است خوردنش اشکالی ندارد.

مسئله 125: اگر گربه موشی خورد و فورا در ظرف و غیره پوزش زد نجس می‌شود و اگر قدری توقف کرد بعدا پوزه زد مکروه است.

مسئله 126: مرغ خانگی که رهاست و به هر طرف می‌رود پسخور آن مکروه است.

مسئله 127: پسخور پرندگان شکاری مانند باز و غیره مکروه است.

مسئله 128: پسخور حیوانات حلال گوشت و پرندگان حلال گوشت پاک است.

مسئله 129: پسخور حیواناتی که در منازل جای دارند مثل مار، موش و غیره مکروه است.

مسئله 130: اگر موش از نان خورد، محل خورده شده بیرون انداخته شود و بقیه خورده شود.

مسئله 131: پسخور خر و قاطر مشکوک است، اگر آب غیر از این وجود نداشت باید هم وضوء گرفته شود و هم تیمم و هر یک را مقدم نماید اشکالی ندارد.

مسئله 132: هر حیوانی که پسخور آن پاک باشد، عرق آن نیز پاک است و حیوانی که پسخور آن ناپاک است عرق آن نیز ناپاک است.

مسئله 133: اگر گربه خانگی و غیره دست یا چیز دیگری را لیسید، باید شسته شود.

مسئله 134: پسخور مرد نامحرم برای زن و بالعکس در صورت التذاذ مکروه است.

بیان احکام تیمم

مسئله 135: اگر شخص در بیابان است و معلوم نیست که آب در کجا است و کسی هم در آنجا نیست که سوال نماید در این چنین موقعی می‌تواند تیمم بگیرد. و اگر کسی بود و آن در یک کیلومتری شرعی نشان آب را داد و گمان غالب است که راست می‌گوید یا به دیگر علامتی پی برد که در این اندازه مسافت آب است اگر در تلاش آب به خود شخص و رفقاء مشقتی پیش نمی‌آید طلب کردن آب لازم است، و پیش از جستجو تیمم جائز نیست و اگر یقین بوجود آب باشد آوردن آن واجب است.

تبصره: کیلومتر شرعی طبق تحقیق علماء یک هزار و یک صد و بیشت و پنج متر است در صورتی که کیلومتر معمولی یک هزار متر است.

مسئله 136: اگر محل آب معلوم شد ولی یک کیلومتر شرعی دورتر است، آوردن آب واجب نیست، بلکه تیمم جائز است.

مسئله 137: اگر از آبادی به اندازه یک کیلومتر دور است و از یک کیلومتر نزدیک‌تر آب نیست تیمم جائز است، خواه مسافر باشد یا نه.

مسئله 138: اگر در راه به چاه آبی رسید ولی دلو و ریسمان نبود تیمم جائز است.

مسئله 139: اگر در وسط راه آب یافت ولی به اندازه‌ای بود که یک مرتبه بیشتر اعضاء چهارگانه را نمی‌تواند بشوید تیمم جائز نیست بلکه این اعضاء را شسته مسح سر نماید و سنت‌های وضوء را ترک نماید و اگر این اندازه آب نبود باید تیمم بگیرد.

مسئله 140: اگر مرض به واسطه استعمال آب زیاد می‌گردد و یا در صحت تاخیر پیدا می‌شود تیمم بگیرد، و اگر استعمال آب مطلقا مضر است حکم آن همین است و اگر آب سرد مضر است گرم کرده شود مگر که وسائل گرم کن موجود نشود.

مسئله 141: اگر آب در مسافت کم‌تر از یک کیلومتر وجود دارد، برای زن به واسطه شرم کردن از مردها تیمم زدن جائز نیست بلکه تا حد امکان حجاب کرده آب بیاورد و در محل خلوت وضوء گرفته نماز بخواند.

مسئله 142: تا مادامی که برای نماز خوان آب میسر نشود تیمم زده نماز را بخواند و هیچ وقت وسوسه بخود راه ندهد.

مسئله 143: اگر آب به قیمت داده می‌شود، در اینصورت اگر اضافه از مخارج سفر پول در اختیار داشت و قیمت هم قیمت روز بود آب خریداری نماید و تیمم جائز نیست، و اگر پول اضافه از هزینه سفر نداشت یا داشت ولی از قیمت روز زیادتر بود تیمم گرفتن جائز است.

مسئله 144: اگر هوا سرد است که وضوء یا غسل سبب مریضی می‌شود تیمم جائز است.

مسئله 145: اگر بیشتر بدن کسی زخم داشت یا آبله و سرخک بیرون کرده تیمم زده نماز بخواند.

مسئله 146: اگر در بیابان تیمم زد و نماز بخواند و آب در همان نزدیکی یافت میشد ولی اطلاع نداشت نماز و تیمم هر دو جائز است و بعد از آگاهی اعاده لازم نیست.

مسئله 147: اگر در راهی با چند رفیق همسفر است و رفقاء آب دارند از آن‌ها مطالبه کند اگر آب دادند وضوء بگیرد، و إلا تیمم زده نماز بخواند، و اگر به گمان اینکه رفقاء آب نخواهند داد تیمم زد و نماز بخواند و بعد مطالبه کرد و به او آب دادند باید وضوء گرفته نماز را دو مرتبه بخواند.

مسئله 148: اگر ظرفی سربسته از آب زمزم همراه داشت تیمم گرفتن جائز نیست بلکه سر آن را باز کرده با آن وضوء بگیرد مگر آب خیلی کم باشد که کفایت شستن یک مرتبه اعضاء چهارگانه را نکند در آن صورت تیمم بگیرد.

مسئله 149: اگر آب برای آشامیدن داشت و از آشامیدن بیشتر نبود تیمم جائز است.

مسئله 150: اگر برای شخص جنب غسل مضر بود و وضوء ضرر نداشت باید وضوء بگیرد و بعوض غسل تیمم زند.

مسئله 151: اگر کسی احتیاج به غسل و وضوء دارد یک تیمم برای هر دو کافی است.

مسئله 152: زمین و هر چیزی که از جنس زمین باشد تیمم با آن جائز است.

تبصره: هرچیزی که با آتش نسوزد و باز نشود از جنس زمین است و هر چیزی بسوزد و یا باز شود از جنس زمین نیست و بر خاکستر تیمم زدن جائز نیست.

مسئله 153: بر ظروفی که از مس و شیشه و برنج و امثال این‌ها ساخته شده و همچنین بر لباس تیمم جائز نیست ولی اگر بر روی آن‌ها گرد باشد که به سبب دست زدن گرد بلند شود تیمم جائز است و بر ظروف سفالی تیمم جائز است، خواه گرد باشد یا نه.

مسئله 154: اگر بر سنگ قطعا گرد نباشد تیمم جائز است و همچنین بر آجر.

مسئله 155: بر گل تیمم جائز است مگر مناسب نیست، و اگر غیر از گل دیگر چیزی یافت نشد مقداری از گل را در دستمال بسته تا خشک شود بعد بر آن تیمم زند.

مسئله 156: اگر بر زمین بول یا دیگر نجاستی ریخته که بر اثر آفتاب خشکیده و بوی آن از بین رفته بر آن زمین تیمم جائز نیست ولی نماز خواندن جائز است.

مسئله 157: همانطور که در عوض وضوء در موقع عذر تیمم جائز است در عوض غسل نیز جائز است و طریق هر دو یکی است.

مسئله 158: اگر برای آموختن به کسی تیمم گرفت و نیت تیمم نداشت آن تیمم جائز نیست به واسطه اینکه نیت در تیمم فرض است.

مسئله 159: در وقت تیمم گرفتن همین اندازه نیت داشته باشد که برای حصول پاکی تیمم می‌زنم یا برای نماز خواندن کافی است.

مسئله 160: اگر برای مساس قرآن تیمم گرفته شد نماز خواندن با آن تیمم جائز نیست و اگر برای نماز خواندن تیمم زد می‌تواند با آن نماز دیگری را بخواند و قرآن را مساس کند.

مسئله 161: اگر کسی تیمم گرفت و نماز خواند بعدا آب در وقت میسر گشت اعاده نماز واجب نیست.

مسئله 162: اگر آب از یک کیلومتر کم‌تر دور است ولی وقت تنگ است که به رفتن در محل آب وقت فوت می‌شود تیمم جائز نیست باید محل آب برود وضوء بگیرد اگر وقت باقی ماند فبها وإلا نماز را قضائی بجا آورد.

مسئله 163: اگر در موقع وجود آب برای مساس کردن قرآن تیمم گرفت جائز نیست.

مسئله 164: اگر امید رسیدن به آب در آخر وقت بود در اول وقت برای نماز تیمم نزند بلکه انتظار کشد اگر در آخر وقت به آب رسید وضوء گرفته نماز بخواند و اگر نرسید تیمم گرفته نماز را اداء نماید، و اگر در اول وقت به تیمم نماز خواند جائز است ولی سعی شود که وقت به کراهیت نکشد.

مسئله 165: اگر آب موجود است ولی این خوف است که اگر وضوء گیرد از ماشین یا قطار می‌ماند یا در سرچشمه آب مار یا دیگر گزنده یا درنده موجود است تیمم جائز است.

مسئله 166: اگر در میان وسائل سفر آب برای وضو بود ولی فراموش کرده تیمم گرفت و نماز خواند بعد به یادش آمد اعاده نماز واجب نیست.

مسئله 167: به هر چیزی که وضوء می‌شکند تیمم نیز می‌شکند و قدرت بر آب نیز شکننده تیمم است، و اگر تیمم گرفت و راه می‌رفت تا از اندازه شرعی کم‌تر به آب باقی ماند تیمم شکست.

مسئله 168: اگر به واسطه مرض تیمم گرفت و بعد مرض مرتفع گشت بطوری که استعمال آب مضر نبود تیمم می‌شکند.

مسئله 169: اگر به واسطه نبودن آب تیمم گرفت و بعد مریض شد به مرضی که استعمال آب ضرر داشت و آب هم میسر گشت تیممش باطل است باید مجددا تیمم بگیرد، و اگر احتیاج به غسل داشت و غسل کرد ولی کمی از بدن خشک ماند و آب تمام شد باید تیمم گیرد و هرگاه آب یافت محل خشک مانده را بشوید.

مسئله 170: اگر بدن یا لباس نجس است و احتیاج به وضوء هم دارد و آب به اندازه کافی نیست بدن یا لباس را بشوید و بجای وضوء تیمم گیرد.

بیان احکام مسح بر موزه

مسئله 171: اگر کسی وضوء بگیرد و موزه چرمی یا جورابی که چهار نقابه به چرم باشد بپوشد وقتی مجددا خواسته باشد وضوء بگیرد می‌تواند بر آن موزه یا آن جوراب منعل مسح بکشد.

مسئله 172: اگر ساق موزه کوتاه است که شتالنگ (کله) را نمی‌پوشاند یا بدون وضوء موزه را پوشیده مسح جائز نیست باید ساق موزه شتالنگ را بپوشاند، و وقتی موزه را بی‌وضوء پوشیده باید موزه را بکشد و پای خود را بشوید.

مسئله 173: مدت مسح بر موزه برای مسافر سه شبانه روز جائز است و برای مقیم یک شبانه روز، ولی این مدت از وقت بی‌وضوء شدن بعد از پوشیدن موزه بر وضوء کامل حساب می‌شود، مثلا شخص مسافر عصر وضوء گرفته و موزه را پوشیده و نماز عشاء بی‌وضوء شده حالیه از موقع نماز عشاء برایش سه شبانه روز مسح جائز است، و برای مقیم به همین ترتیب یک شبانه روز.

مسئله 174: در حالت وجوب غسل مسح کردن بر موزه جائز نیست، باید موزه کشیده شود.

مسئله 175: مسح بر موزه باید بر بالای آن مسح کشیده شود نه بر کف موزه.

مسئله 176: چگونگی مسح بر موزه این است که: انگشتان دست را با آب تر کرده از سر انگشتان پا شروع کند و بطرف بالا بکشد و کف دست را نگذارد.

مسئله 177: اگر بر پهنای (عرض) پاها مسح کرد جائز است و خلاف مستحب مرتکب شده است.

مسئله 178: مسح بر کف پا یا دو طرف آن یا عقب پا جائز نیست.

مسئله 179: اگر تمام انگشتان دست را بر موزه نگذاشت بلکه سرانگشتان را گذاشت مسح جائز نیست مگر در صورتی که از سر انگشتان آب بریزد و به اندازه یک انگشت بالای موزه خیس آب شود.

مسئله 180: به اندازه سه انگشت بر هر موزه مسح فرض است و از این کم‌تر جائز نیست.

مسئله 181: به هر چه وضوء می‌شکند مسح نیز می‌شکند، و همچنین به بیرون کردن هر دو موزه یا یکی و به تمام شدن وقت (یعنی مدت مسح).

مسئله 182: اگر وقت مسح تمام شد و وضوء باقی است موزه‌ها را کشیده هر دو پای را بشوید و اعاده وضوء لازم نیست.

مسئله 183: اگر بعد از مسح یک پا به آب افتاد و آب داخل موزه شد و همه پا یا از نصف بیشتر خیس شد مسح باطل است باید هر دو موزه کشیده شود و هر دو پا را بشوید.

مسئله 184: اگر موزه پاره باشد که هنگام رفتن به اندازه سه انگشت کوچک پا گشاد شود به آن موزه مسح جائز نیست، و اگر کم‌تر باشد جائز است.

مسئله 185: اگر کوک موزه باز شد ولی پا معلوم نمی‌شود مسح جائز است، و اگر وقت راه رفتن پا به اندازه سه انگشت کوچک معلوم می‌شود و بدون راه رفتن معلوم نمی‌گردد مسح جائز نیست.

مسئله 186: اگر از یک موزه چند موضع پاره شده بود که در صورت یکی بودن به اندازه سه انگشت می‌شود مسح جائز نیست، و اگر به این حد نرسد جائز است.

مسئله 187: اگر مقیم پیش از تمام شدن یک شبانه روز مسافر شد سه شبانه روز مسح نماید و اگر بعد از تمام وقت مسافر شده موزه‌ها را کشیده هر دو پا را بشوید.

مسئله 188: مسافر اگر قبل از یک شبانه روز مقیم شد مدت اقامت که یک شبانه روز است تمام کرده موزه را بیرون نماید.

مسئله 189: اگر بر بالای جوراب موزه پوشید بر بالای آن مسح جائز است.

مسئله 190: بر جوراب مسح جائز نیست مگر که بسیار محکم باشد که آب به آن طرف بعد از دست کشیدن سرایت نکند، یا چهار نقابه به چرم شده باشد، یا به ساق خود بایستد.

مسئله 191: بر عمامه و روبند و دستینه مسح جائز نیست.

بیان چیزهائی که غسل را واجب می‌کند

مسئله 192: چهار چیز واجب کننده غسل است:

* 1. بیرون آمدن آب منی که با جستن و خوشی باشد.
	2. ادخال اندام در اندام.
	3. بعد از قطع شدن خون حیض.
	4. ایستادن خون نفاس.

مسئله 193: اگر از خواب بلند شد و بر لباس یا بر بدن آب منی دید غسل واجب می‌شود، خواهی یادش باشد یا نه.

**تذکر لازم:** آبی که از اندام نهانی مرد یا زن بیرون می‌آید بر سه قسم است:

* 1. مذی.
	2. ودی.
	3. منی.

 مذی آبی است که وقت شوخی و دست بازی با زن بیرون می‌آید یا در فکر قرابت می‌افتد. و حکم آن این است که: غسل واجب نمی‌شود البته وضوء می‌شکند.

ودی آبی است که بعد از ادرار از سستی اعصاب بیرون می‌آید که حکم آن مثل حکم مذی است در واجب نشدن غسل.

 منی آبی است که در وقت جماع یا نظر کردن به شهوت با جستن و خوشی بیرون می‌آید حکم آن این است که: غسل را واجب می‌کند.

مسئله 194: حیض عبارت از علتی است برای زنان که هرماه خون می‌بینند، حد کم آن سه شبانه روز و حد اکثر آن ده شبانه روز است. از سه کم‌تر و از ده بیشتر حیض محسوب نمی‌شود.

مسئله 195: نفاس خونی است که بعد از زایمانی آن را زن می‌بیند حد اقل آن تعیین نیست ممکن است بعد از زایمان یک ساعت یا کم‌تر ببیند، و حد اکثر آن چهل روز است.

مسئله 196: اگز با زن صغیره جماع کرد بر زن غسل واجب نمی‌شود و بر مرد غسل واجب است.

مسئله 197: اگر در خواب دید که جماع می‌کند و بعد در بیداری هیچ اثری از آب منی ندید غسل واجب نمی‌شود، و اگر آب منی در لباس یا بدن دید غسل واجب می‌شود و اگر در خواب ندید ولی بعد از بیدار شدن آب منی را در لباس یا بدن دید غسل واجب است.

مسئله 198: اگر منی بیرون آمد و غسل کرد و بعد از غسل کردن مجددا منی بیرون آمد غسل دوباره واجب می‌شود، بشرطی که این حادثه پیش از ادرار و یا خواب شدن یا چهل قدم برداشتن پیش آید.

مسئله 199: اگر از زن بعد از غسل کردن منی شوهر بریزد مجددا غسل واجب نمی‌شود.

مسئله 200: اگر به واسطه مرض یا علت دیگری منی خارج شود و جستن و لذت نداشته باشد غسل واجب نمی‌شود البته وضوء می‌شکند.

مسئله 201: اگر مرد و زن در جای خوابیدند و بعد از بیداری بر لباس یکی منی دیده شد احتیاطا هر دو غسل کنند زیرا معلوم نیست از کدام یک است.

مسئله 202: اگر کافری مسلمان شد غسل آن مستحب است بشرطی که پیش از قبول اسلام غسل بر آن واجب نشده باشد.

مسئله 203: بر کسی که غسل واجب شده است اگر بخواهد پیش از غسل کردن چیزی بخورد یا بنوشد بهتر است که دست و دهان خود را بشوید و اگر هم نشست گناهی نیست.

مسئله 204: برکسی که غسل واجب شده خواندن قرآن و مساس آن و داخل شدن مسجد حرام است، البته نام خدا را بر زبان جاری کردن، و درود خواندن، و کلمه گفتن جائز است.

مسئله 205: مساس کردن کتب تفسیر بدون غسل و وضوء مکروه است.

بیان اقسام نجاست و طریق پاک کردن نجاست‌ها

مسئله 206: نجاست بر دو قسم است:

1. غلیظه.
2. خفیفه.

 غلیظه آن است که: نجاستی آن سخت‌تر و زیادتر است. و حکم آن این است که: وقتی به لباس یا بدن برسد باید شسته شود خواه کم باشد یا زیاد.

 و خفیفه آن است که: نجاستی آن سبک‌تر است.

مسئله 207: خون، بول، منی، شراب، بول و غایط حیوانات درنده، گوشت خوک، موی آن، استخوان آن، و مدفوع همه حیوانات و جانوران، پس افکنده مرغ خانگی و مرغابی، غاز، بول حیوانات حرام گوش، گوشت خود مرده، خام پوست خود مرده، بول بچه شیر خواره تمامی این‌ها نجاست غلیظه‌اند.

مسئله 208: پس افگنده پرندگان حرام گوشت، و بول حیوانات حلال گوشت نجاست خفیفه است.

مسئله 209: غیر از مرغ خانگی و مرغابی و اردک پس افگنده بقیه پرندگان حلال گوشت پاک است.

مسئله 210: نجاست غلیظ اگر رقیق باشد و بدن یا لباس به آن آلوده شود به اندازه کف دست و کم‌تر از این معاف است، یعنی: بدون شستن نماز جائز است ولی شستن بهتر است، و اگر به اندازه کف دست بیشتر باشد، شستن آن واجب است، و اگر جامد باشد به اندازه شش نخود معاف است، و از این بیشتر شسته شود.

مسئله 211: اگر لباس یا بدن به نجاست خفیفه آلوده شود اگر از یک چهارم آن قسمت از لباس یا بدن که آلوده است کم‌تر باشد اشکالی ندارد، و اگر یک چهارم یا بیشتر آن قسمت را قرار گرفته است شستن آن واجب است.

مسئله 212: اگر در آب نجاست غلیظ افتاد آب هم نجس غلیظ می‌گردد، و اگر نجاست خفیفه افتاد آب نجس خفیفه می‌شود، کم باشد نجاست یا زیاد.

مسئله 213: اگر لباس به روغن نجس چرب شد و کم‌تر از مقدار کف دست بود بعدا گداخته زیاد گشت تا مادامی که کم بود اشکالی نداشت و وقتی زیاد شد شستن آن واجب است.

مسئله 214: خون ماهی، مگس، پشه و ساس نجس نیست.

مسئله 215: اگر بر لباس یا بدن بول به اندازه سر سوزن ترشح شد معاف است.

مسئله 216: اگر لباس یا بدن نجس گشت دور کردن و شستن آن لازم است، خواه به یک مرتبه شستن عین آن زائل و دور گردد یا به چند مرتبه، ولی اگر عین نجاست دور گشت و اثر و رنگ آن باقی ماند اشکالی ندارد.

مسئله 217: اگر لباسی به نجاست ندیدنی نجس گشت به سه مرتبه شستن و در هر مرتبه فشردن پاک می‌شود.

مسئله 218: اگر نجاست به چیزی که فشرده نمی‌شود ریخت مثل فرش‌های بزرگ و ظروف وغیره، طریق پاک کردن آن‌ها این است که: اولا شسته شود و نگهداشته شود تا قطرات آب بایستد و تا سه مرتبه همین کار تکرار شود.

مسئله 219: هر چیز روان و پاک نجاست حقیقی را پاک می‌ کند، مثل سرکه و گلاب، غیر از روغن و شیر و دیگر چیزها که چرب است.

مسئله 220: اگر منی بر بدن یا لباس ریخت و خشک شد به مالیدن پاک می‌شود و اگر تر بود یا رقیق مثل بول بدون شستن به آن پاک نمی‌شود.

مسئله 221: اگر به کفش یا موزه نجاست چسبید و خشک شد خوب کشیده شود تا نجاست بریزد، و اثر آن دور شود پاک می‌شود و اگر نجاست نرم و نازک بود مثل بول، شراب، خون و غیره بدون شستن پاک نمی‌شود.

مسئله 222: بدن و لباس فقط به شستن پاک می‌شود نجاست هر چه باشد.

مسئله 223: اگر آئینه، کارد، چاقو و امثال این‌ها نجس گشتند چند مرتبه به زمین مالیده شوند پاک می‌گردند بشرطی که منقش نباشند.

مسئله 224: اگر زمین آلوده به نجاست بود و به واسطه تابیدن آفتاب خشک گشت و هیچ بوی و تعفنی نماند لکن اثر آن باقی است زمین پاک است و نماز جائز است و نه تیمم، و هر سنگ و خشتی که به زمین فرو رفته باشد همین حکم را دارد.

مسئله 225: سنگ و خشتی که روی زمین افتاده باشد بدون شستن پاک نمی‌شود.

مسئله 226: خاشاک تا زمانی که بعد از خشک شدن نیفتاده اگر نجاست به آن‌ها برسد و بر اثر شعاع آفتاب خشک شود پاک می‌شود.

مسئله 227: کارد و چاقوی نجس و مانند آن‌ها اگر به آتش انداخته شود پاک می‌شود.

مسئله 228: اگر خاک نجس را کوزه یا کاسه کردند بعد از بیرون آوردن از کوره پاک است.

مسئله 229: عسل، یا شیر یا روغن اگر به واسطه افتادن چیزی کثیف نجس شد، به اندازه آن آب ریخته بجوشانند تا آب تمام شود، و این کار را سه مرتبه تکرار کند پاک می‌شود.

مسئله 230: اگر پارچه یا لباس به رنگ نجس رنگ داده شد باید شسته شود تا آب خالص بیرون آید آن موقع پاک می‌شود.

مسئله 231: آتش و خاکستر و دود چیز نجس پاک است.

مسئله 232: فرش وقتی یک گوشه آن نجس شد و بقیه آن پاک به گوش‌های که نجاست نرسیده نماز خواندن جائز است.

مسئله 233: بعد از شستن پا اگر بر زمین نجس راه برود و اثر قدم آن بر زمین بماند پا نجس نمی‌شود مگر اینقدر تر شود که خاک یا گل به پای آن بچسبد.

مسئله 234: اگر بر فرش نجس خوابید و عرق کرد و بدن و لباس آن خیس شد لباس بدن آن پاک است مگر اینکه نجاست بر لباس و بدن آن دیده شود.

مسئله 235: اگر به حناء نجس دست و پای را رنگ کرد سه مرتبه دست و پا را بشوید پاک می‌شود، اگرچه اثر آن باقیماند، و اگر سرمه نجس در چشم کشید شستن آن لازم نیست مگر از چشم بیرون آید.

مسئله 236: اگر روغن نجس بر سر مالیده به سه مرتبه شستن پاک می‌شود.

مسئله 237: اگر سگ آرد را پوزه زد تا محل پوزه زده را بردارد بقیه پاک است.

مسئله 238: لعاب دهان سگ نجس است نه خود آن، لذا اگر سگی خود را به لباس یا بدن کسی کشید اگر چه خیس باشد نجس نمی‌شود مگر که نجاست ظاهری بر بدن آن باشد.

مسئله 239: بیرون شدن باد بعد از استنجاء لباس را نجس نمی‌کند اگر چه محل خشک نشده باشد.

مسئله 240: اگر لباس نجسی را فشرده در میان لباس پاک پیچید اگر به فشردن مجدد آب از آن بیرون آید لباس پاک را نجس می‌کند، و اگر به فشردن مجدد آب بیرون نیاید اشکالی ندارد، و اگر نچکد ولی دست را خیس کند در این صورت نیز لباس پاک نجس می‌شود.

مسئله 241: اگر یک طرف تخته نجس است و طرف دیگر پاک، اگر تخته اینقدر ضخیم است که از وسط دو تا می‌شود برطرف پاک نماز جائز است وإلا نه.

مسئله 242: اگر پتو یا چادر در دو لایه است و یک لای آن نجس است اگر بهم دوخته نیست بر بالای لای پاک نماز جائز است و اگر دوخته است جائز نیست.

بیان استنجاء

مسئله 243: وقتی از خواب بلند شد مادامی که دست خود را تا مچ شسته است نباید داخل ظرف کند، و طریق شستن این است: اگر ظرف دیگری موجود است با آن آب برداشته دست‌ها را بشوید، اولا دست راست و بعدا دست چپ را و اگر نیست به دست چپ، بطوری که هر چند کم‌تر دست داخل آن شود آب برداشته دست راست را بشوید و سپس به راست دست چپ را و این ترکیب برای دست شستن وقتی است که از نجاست ظاهری پاک باشد، و اگر دست‌ها آلوده به نجاست ظاهری باشد قطعا نباید داخل آب نماید بلکه به وسیله پارچه یا دستمال پاک آب برداشته و به قطرات آبی که از پارچه می‌چکد دست راست را بشوید و بعد دست چپ.

مسئله 244: بعد از بول و غایط استنجاء گرفتن سنت است.

مسئله 245: اگر نجاست از محل خود تجاوز نکند استنجاء به کلوخ و غیره جائز است ولی در بودن آب خلاف پاکی و نظافت و صفای مزاج است، و در نبودن آن استنجاء به کلوخ و غیره مجبوری است.

مسئله 246: برای استنجاء به غیر آب راه دیگر نیست و اگر نجاست ازمحل خود تجاوز نکند استنجاء به غیر آن اشکالی ندارد و اگر از محل خود تجاوز نماید به جز آب به دیگر چیزی جائز نیست.

مسئله 247: استنجاء به آب و غیره باید در محلی انجام شود که از انظار مردم دور باشد و اولا هر دو دست را تا مچ بشوید و بعد استنجاء زند تا اطمینان حاصل نماید که پاک شده، و اگر شخص وسواسی است سه مرتبه یا هفت مرتبه این کار را بنماید و با اطمینان توجه نماید.

مسئله 248: اگر احیانا محلی دور از انظار عمومی برای استنجاء زن نبود، استنجاء نگیرد و بدون استنجاء نماز بخواند.

مسئله 249: به چیزهای نجس و خوراک آدمی و استخوان و ذغال و شیشه و آجر و دست راست استنجاء نزند.

مسئله 250: در وقت قضای حاجت رو و پشت به قبله کردن ممنوع است، خواه شخص بزرگ باشد یا کوچک.

مسئله 251: وضوء گرفتن با باقیمانده آب استنجاء و بالعکس جائز است.

مسئله 252: وقتی اراده رفتن توالت را دارد جلوی در توالت بسم الله گفته، این دعا را بخواند: «أللهُمَّ إِنّي أعُوذُ بِكَ مِنَ الخُبُثِ والخبائِثِ»[[3]](#footnote-3). سر برهنه نرود، و اگر انگشتر یا چیز دیگری که نام خدا و پیغمبران بر آن نقش همراه دارد بگذارد، اولا پای چپ را گذاشته داخل توالت شود، در داخل توالت نام خدا را نبرد، و اگر عطسه آید در دل بدون اینکه به زبان جاری نماید الحمدلله بگوید، و هنگام بیرون شدن اول پای راست را بیرون گذارد و بعد از خارج شدن این دعا را بخواند: «غُفْرانَكَ، الحَمْدُ للهِ الَّذِي أَذهَبَ عَنِی الأَذَی وَعَافَانِي»[[4]](#footnote-4).

بیان نماز

در نزد خداوند جل جلاله نماز دارای رتبه و مقامی بسیار بزرگ است. نماز از هر عبادت دیگر عزیزتر و محبوب‌تر است، خداوند پنج وقت نماز را بر بندگان خود فرض گردانیده که به خواندن آن‌ها ثواب و مزد بسیار حاصل می‌شود، و ترک آن‌ها گناه کبیره است. در حدیث است که: هرکه خوب وضوء گیرد و بخاطر جمع نماز را اداء نماید روز قیامت خداوند عز اسمه گناهان صغیره‌اش را معاف فرموده و به بهشت داخلش می‌کند. و نیز فرمودند که: نماز ستون دین است، هرکس نماز را بخوبی اقامه کرد دین را مستحکم و محفوظ ساخت، و هرکس این ستون را خراب کرد دین را بر باد داد. و نیز فرمودند که: در قیامت پس از توحید از اولین چیزی که سوال شود نماز خواهد بود. در قیامت تمام اعضاء نمازگزار خواهد درخشید مانند آفتاب. و بی‌نماز از این نعمت عظمی محروم خواهد بود. و نیز پیغمبر اکرم فرمودند که: نمازگزار با انبیاء، و شهداء، و اولیاء حشر خواهد شد و بی‌نماز با فرعون، و هامان و قارون.

خواندن نماز لازم و ضروری است مگر بر دیوانه‌ها و کودکان، ولی اولاد وقتی هفت ساله شوند به پدر و مادر دستور داده شده است که آن‌ها را به خواندن نماز عادت دهند، و در سن ده سالگی اگر ترک نماز کنند آن‌ها را تادیب نمایند. و تا آنجا نسبت به نماز تاکید شده است که اگر ایستاده قدرت اداء نبود نشسته، و اگر نشسته نبود دراز کشیده با اشاره سر نماز را بخواند.

بیان اوقات نماز

مسئله 253: اول وقت نماز بامداد طلوع صبح صادق است، و آخر آن طلوع آفتاب. لازم به تذکر است که صبح صادق: عبارت از سفیدی می‌باشد که در کنار آسمان بوجود می‌آید و پراگنده به اطراف می‌شود.

مسئله 254: اول وقت ظهر زوال آفتاب است و آخر آن هنگامی که سایه هر چیز دو برابر سایه اصلی گردد.

مسئله 255: اول وقت عصر، از آخر وقت ظهر شروع شده و آخر آن غروب آفتاب است.

مسئله 256: اول وقت مغرب، غروب آفتاب است، و آخر آن گم شدن سرخی است که بعد از غروب در آسمان در سمت قبله دیده می‌شود.

مسئله 257: اول وقت عشاء (خفتن) از آخر وقت شام شروع می‌شود، و آخر آن طلوع صبح صادق است.

مسئله 258: در تابستان تاخیر نماز تا هنگامی که از شدت گرما کاسته شود مستحب است و در زمستان اول وقت.

مسئله 259: تاخیر نماز عصر تا وقتی که در آفتاب تغییری پدید نیاید مطلقا بهتر است، و تعجیل مغرب در همه زمان‌ها یعنی زمستان و تابستان اولی و افضل است، و تاخیر نماز خفتن تا ثلث شب مستحب است.

مسئله 260: در وقت بیرون آمدن خورشید و غروب آن و در وقت زوال خورشید هیچ نمازی جائز نیست فرض باشد، یا نفل یا قضائی.

مسئله 261: بعد از طلوع صبح صادق غیر از دو رکعت نماز سنت بامداد دیگر نماز نافله جائز نیست، البته نماز قضائی جائز است. و بعد از نماز عصر همین حکم را دارد یعنی بعد از نماز عصر نماز نفل جائز نیست، و قضائی تا موقعی که در نور خورشید تغییری پیدا نشده جائز است، البته عصر خود همان روز تا غروب آفتاب جائز است.

مسئله 262: اگر ترس طلوع آفتاب بود سنت بامداد را ترک کرده فرض را بخواند و سنت قضائی ندارد.

مسئله 263: اگر کسی در نماز صبح وارد مسجد شد و دید که جماعت ایستاده است باید فورا به جماعت بپیوندد و سنت را ترک کند، مگر محلی علیحده باشد که قرائت امام را نشنود و اطمینان رسیدن به جماعت را داشته باشد در این چنین محلی سنت را خوانده داخل جماعت شود.

مسئله 264: پیش از خواندن نماز خفتن خوابیدن مکروه است مگر در صورت عذر.

بیان شرط‌های نماز

مسئله 265: شرط‌های نماز نه چیز است، اول: پاک بودن از حدث اصغر و اکبر یعنی از بی‌وضوئی و جنابت، دوم: پاک بودن بدن، سوم: پاک بودن لباس، چهارم: پاک بودن محل نماز، پنجم: پوشیدن عورت، ششم: رو آوردن به طرف قبله، هفتم: نیت کردن، هشتم: تکبیر تحریمه یعنی در اول نماز الله أکبر گفتن، نهم: شناخت وقت.

مسئله 266: اگر در وقت نماز خواندن یک چهارم از عورت نمازگزار برهنه بود نماز جائز نیست.

مسئله 267: عورت مرد از زیر ناف است تا زیر زانو، یعنی خود ناف عورت نیست، و هر دو زانو عورت است، و عورت زن همه بدن اوست مگر رو و هر دو دست آن تا مچ و هر دو پای آن تا کله.

مسئله 268: دختر نابالغ اگر در وقت نماز خواندن سر آن برهنه شد نمازش جائز است.

مسئله 269: اگر بر بدن یا لباس نجاستی چسبیده و چیزی که با آن نجاست را دور کند موجود نبود نماز با آن لباس از برهنه خواندن بهتر است.

مسئله 270: اگر تمامی لباس نجس است و یا کم‌تر از یک چهارم آن پاک و بقیه نجس است در اداء نماز با آن لباس و برهنه خواندن مختار است، ولی نماز خواندن با آن لباس بهتر است، و اگر یک چهارم لباس پاک باشد نماز خواندن با آن لباس واجب است.

مسئله 271: اگر کسی در موقع نماز خواندن لباس نداشت باید نماز را نشسته بخواند و رکوع و سجده را با اشاره اداء نماید، و اگر ایستاده خواند رکوع و سجده را با اشاره اداء کرد جائز است.

مسئله 272: اگر در مسافرت به اندازه‌ای آب داشت که یا باید وضو بگیرد و یا نجاست را دور نماید در این صورت به مقدار آبی که دارد نجاست را بشوید و برای نماز تیمم بگیرد.

مسئله 273: اگر شخص نماز ظهر را اداء کرد ولی بعدا معلوم شد که وقت ظهر تمام شده و این وقت عصر بوده است، نماز ظهر را قضائی نیاورد و همین ظهر آن کامل و جائز است.

مسئله 274: اگر کسی نماز خواند و بعد معلوم شد که هنوز وقت آن نماز داخل نشده آن نماز جائز نیست باید دو مرتبه بخواند.

مسئله 275: به زبان نیت کردن لازم نیست بلکه به قلب همین قدر اراده کردن که می‌خواهم فلان نماز را بخوانم کافی است، و اگر به زبان نیت کرد اینقدر گفتن که: نیت کردم اداء نمایم چهار رکعت فرض ظهر یا عصر یا خفتن کافی است.

مسئله 276: اگر در قلب نیت ظهر را داشت و بر زبان نماز عصر (مثلا) جاری شد اشکالی ندارد و نماز صحیح است.

مسئله 277: اگر به فراموشی بجای چهار شش و بجای دو سه گفت جائز است.

مسئله 278: اگر از کسی چند نماز قضاء شد و اراده نمود که قضائی بجا آورد باید وقت را در نیت تعیین نموده اینجور نیت کند که: مثلا: نیت کردم اداء نمایم دو رکعت فرض اولین بامداد، یا چهار رکعت فرض اولین ظهر، و اگر مطلق فرض را نیت کرد جائز نیست.

مسئله 279: اگر از کسی نماز چند روزی پی در پی فوت شده می‌خواهد قضاء آورد باید وقت خواندن این چنین نیت کند: نیت کردم قضا آورم دو رکعت فرض بامداد روز شنبه، یا یکشنبه را (مثلا)، واگر نماز چند ماه یا چند سالی فوت شده همین قدر گفتن: دو رکعت فرض اولین بامداد، یا چهار رکعت فرض اولین ظهر یا عصر کافی است.

مسئله 280: در نمازهای سنت و نفل همین نیت کافی است که بگوید: دو رکعت نماز برای خدا الله أکبر، البته در نماز تراویح بهتر است که بگوید: دو رکعت نماز سنت تراویح.

بیان رو آوردن به قبله

 مسئله 281: اگر کسی قصد نماز خواندن داشت و جهت قبله برایش معلوم نبود و کسی در آنجا نبود که از آن سوال نماید، باید فکر نماید و به هر طرف قلبش گواهی داد رو آورده و نماز را ادا کند، و اگر بدون فکر نماز خواند نمازش جائز نیست، اگرچه به سوی قبله نماز خوانده باشد، و همچنین اگر کسی بود و شرم کرده از آن نپرسید و نماز خواند نمازش جائز نیست.

مسئله 282: اگر کسی نبود که سوال نماید از قبله و بعد از فکر نماز خواند سپس معلوم شد که آن طرف جهت قبله نبوده نمازش جائز است.

مسئله 283: اگر در بین نماز به نماز خواننده معلوم شد که جهت قبله آن طرف دیگر است در بین نماز دور زده رو به طرف قبله ای که برایش معلوم شده آورد، و اگر نچرخید نمازش جائز نیست.

مسئله 284: اگر کسی داخل کعبه نماز بخواند نمازش جائز است هر نمازی باشد و به هر طرف بخواهد رو آورد.

طریقه‌ی خواندن نماز

نیت نماز کرده الله أکبر بگوید، و هنگام گفتن الله أکبر دست‌ها را تا برابر گوشه بلند نماید، و در زیر ناف به این کیفیت که: دست را بر پشت دست نهاده و با انگشتان دست راست مچ دست چپ را گرفته و ببندد، و اگر زن باشد بالای سینه به کیفیت ذکر شده بگذارد، و این دعا را بخواند:

سُبْحَاَنكَ اللَّهُمَ وَبِحَمْدِكَ: خداوندا! پاكى تو را بيان می‌كنم، و تو را ستايش مى‌نمايم.

وَتَبَارَكَ اسْمُكَ، وَتَعَالَى جَدُّكَ: و با برکت است نام تو و برتر است ذات تو.

وَلاَ إِلَهَ غَيْرُكَ: و نیست خدائی جز تو.

بعد از خواندن دعا: «أَعُوْذُ بِاللهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيْمِ وَبسم الله الرحمن الرحيم» گفته، سوره مبارکه «الْحَمْدُ لِلَّهِ» را بخواند، و بعد از «وَلَا الضَّالِّينَ» آمین بگوید، و بعد سوره‌ای یا چند آیت بخواند، و بعد الله أکبر گفته به رکوع برود، و در رکوع سه مرتبه یا پنج مرتبه «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيْمِ»[[5]](#footnote-5) بگوید، و در حالت رکوع با انگشتان دست زانو را محکم بگیرد و بازوها را از پهلو جدا نگهدارد، سپس «سَمِعَ اللهُ لِمَنْ حَمِدَهُ»[[6]](#footnote-6) گفته از رکوع بلند شود و بعد از تمام شدن «سَمِعَ اللهُ لِمَنْ حَمِدَهُ» «رَبَّنَا وَلَكَ الْحَمْدُ»[[7]](#footnote-7) بگوید، و اندازه یک دقیقه ایستاده توقف نماید، اگر با جماعت نماز می‌ خواند امام «سَمِعَ اللهُ لِمَنْ حَمِدَهُ» بگوید و مقتدی «رَبَّنَا وَلَكَ الْحَمْدُ». و بعد به سجده برود و سجده را به این کیفیت بجای آورد که: اولا هر دو زانو را به زمین بنهد و سپس هر دو دست را در حالی که دست‌ها از پهلوها خوب جدا باشد و سر را میان هر دو دست نهاده بطوری که بینی و پیشانی به زمین برسد و در سجده سه مرتبه یا بیشتر ولی طاق باشد «سُبْحَانَ رَبِّيَ الأَعْلَى»[[8]](#footnote-8) بگوید، و زن دست‌ها را به پهلو بچسباند و بعد سر را از سجده برداشته اندازه‌ای که تمام اعضاء بجای خود قرار گیرد توقف نماید و سجده دومی را مثل اولی بجای بیاورد، و رکعت دومی مثل اولی با این تفاوت که در رکعت دوم «أَعُوْذُ بِاللهِ» را نخواند و نیز «سُبْحَاَنكَ اللَّهُمَ» را نخواند فقط در اول الحمد بسم الله الرحمن الرحيم را بگوید، و بعد بقعده به این ترتیب بنشیند که پای چپ را فرش کرده پای راست را نصب کند و تا سرحد امکان سر انگشتان را به سوی قبله نماید، و هر دو دست را بالای زانو بگذارد و انگشتان را بهم نچسباند بلکه بحالت طبیعی آن‌ها را داشته باشد و این دعا را بخواند:

التَّحِيَّاتُ ِللهِ، وَالصَّلَوَاتُ وَالطَّيِّبَاتُ، السَّلاَمُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكاَتُهُ، السَّلاَمُ عَلَيْنَا وَعَلَى عِبَادِ اللهِ الصَّالِحِيْنَ، أَشْهَدُ أَنْ لاَ إِلَهَ إِلاَّ اللهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَرَسُوْلُهُ.

تمام عبادات قولی و بدنی و مالی برای رضای خدا است، سلام بر تو ای پیغمبر و رحمت خدا، سلام بر ما و بر بندگان نیکوکار، گواهی می‌دهم اینکه هیچ خدائی سزاوار پرستش نیست مگر خدای یگانه و یکتا، و گواهی می‌دهم اینکه محمد بنده و فرستاده شده خداست.

وقتی که به کلمه طیبه رسید سر انگشت وسط را به بند انگشت ابهام گذاشته حلقه دهد و انگشت سبابه را در وقت «لاَ إِلَهَ»گفتن بلند کند، و در وقت «إِلاَّ اللهُ» پائین بیاورد، و با این اشاره سبابه گفته می‌شود، و اشاره سنت موکده است، و اگر نماز چهار رکعتی است بعد از خواندن التحیات فورا الله أکبر گفته بلند شود، و در دو رکعت آخر فرض فقط تنها الحمدلله را بخواند، و اگر نماز سنت می‌خواند در هر چهار رکعت بعد از حمد سوره یا چند آیه بخواند و در قعده اخیر بعد از خواندن التحیات این درود را بخواند:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ، كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى إِبْرَاهِيْمَ وَعَلى آلِ إِبْرَاهِيْمَ، إِنَّكَ حَمِيْدٌ مَجِيْدٌ، اللَّهُمَّ بَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ، كَمَا بَارَكْتَ عَلَى إِبْرَاهِيْمَ وَعَلَى آلِ إِبْرَاهِيْمَ، إِنَّكَ حَمِيْدٌ مَجِيْدٌ.

ای خدایا! درود بفرست بر محمد و آل محمد، مثلی که درود فرستادی بر حضرت ابراهیم و بر آل ابراهیم، همان تو ستوده شده و بزرگوار هستی. ای خدایا! برکت بفرست بر محمد مثلی که برکت فرستادی بر ابراهیم و آل ابراهیم، همانا تو ستوده شده و بزرگواری.

بعد این دعا را بخواند:

اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِيْ وَلِوَالِدَی وَلِأُستَاذِیَ وَلِجَمِیعِ المُؤمِنِینَ وَالمُؤمِنَاتِ وَالمُسلِمِینَ وَالمُسلِمَاتِ یَا قَاضِی الحَاجَاتِ إِنَکَ عَلی کُلِ شَئٍ قَدِیرٌ.

ای خدایا! بیامرز مرا و پدر و مادر مرا و استاد مرا و تمام مردان مؤمن و زن‌های مؤمن را و مردان مسلمان و زن‌های مسلمان را، ای برآورنده حاجت‌ها! همانا تو بر همه چیز توانا هستی.

سپس بطرف راست سلام داده بعد بطرف چپ، و در وقت سلام نیت فرشته و یا فرشته و مسلمین را داشته باشد. این بود طریق نماز ولی در آن فرائضی است که به ترک یکی از آن‌ها نماز باطل می‌شود، خواه سهوا باشد خواه قصدا، و واجباتی است که بر ترک آن‌ها قصدا نماز ناقص ادا می‌شود و سهوا به سجده سهو تدارک می‌شود. و سنت‌ها و مستحباتی است.

مسئله 285: در نماز شش چیز فرض است، اول: تکبیر تحریمه «یعنی گفتن الله أکبر در موقعی که دست‌ها را به نرمه گوش بلند می‌نمائیم». دوم: قیام، سوم: قرائت یعنی قرآن چند آیتی یا سورتی خواندن، چهارم: رکوع کردن، پنجم: هر دو سجده را بجا آوردن، ششم: در آخر نماز به اندازه‌ای که التحیات خوانده شود نشستن.

مسئله 286: در نماز هیجده چیز واجب است، اول: خواندن الحمدلله، دوم: خواندن سوره دیگر یا سه آیه کوچک و یا یک آیه بزرگ با الحمدلله، سوم: تعیین قرائت در دو رکعت اول فرض، «توضیح اینکه خواندن سوره یا چند آیه با الحمد لله در دو رکعت اول از نمازهای چهار رکعتی فرض و همه رکعت‌های وتر و نفل واجب است، و در دو رکعت آخر فرض یا در یک رکعت آخر نمازشام فقط تنها الحمدلله خوانده می‌شود». چهارم: مقدم نمودن الحمدلله بر سوره، پنجم: در موقع سجده با پیشانی بینی خود را نیز بر زمین بگذارد، ششم: در هر رکعت از نماز باید سجده دوم را پیش از اینکه انتقال بعمل دیگر از نماز پیدا کند بجا آورد، هفتم بجا آوردن هر فرض را با اطمینان و آرامش، هشتم: قعده اول، نهم: خواندن التحیات در هر دو قعده، دهم: برخاستن از قعده اول به رکعت سوم بعد از خواندن التحیات بدون تاخیر، یازدهم: در موقع سلام، السلام علیکم ورحمت الله گفتن، دوازدهم: در نماز وتر دعای قنوت را خواندن، سیزدهم: تکبیرات نماز هر دو عید، چهاردهم: تعیین کردن لفظ الله أکبر را برای شروع کردن در هر نمازی، پانزدهم: تکبیر رکعت دوم در موقع رکوع در نماز عیدین، شانزدهم: بلند خواندن امام جماعت دو رکعت اول شام و خفتن و نماز بامداد را، هفدهم: بلند خواندن امام جماعت قرائت را در نماز جمعه و عیدین و تراویح و وتر در ماه رمضان، هیجدهم: آهسته خواندن قرائت در نماز ظهر و عصر و رکعت‌های پس از دو رکعت اول نماز شام و خفتن و نمازهای نفل روز.

تذکر: شخصی که تنها می‌خواند یا شب نماز نفل می‌خواند در بلند خواندن در اوقاتی که بلند خوانده می‌شود و آهسته خواندن قرائت مخیر است.

مسئله 287: ماسوای فرائض و واجبات نماز بقیه همه یا سنت یا مستحب است.

مسئله 288: اگر کسی الحمدلله را نخوانده بلکه سوره دیگری یا چند آیت خواند یا الحمدلله را خواند و ختم سوره یا آیه ننمود، یا دو رکعت خواند و بقعده ننشست، یا نشست و التحیات را نخواند در همه این صورت‌ها اگر قصدا باشد فرض اداء شد ولی نماز بسیار ناقص است که اعاده آن واجب می‌باشد، و اگر سهوا باشد به سجده سهو نماز درست و کامل می‌گردد.

مسئله 289: اگر وقت سلام دادن لفظ: السلام وعلیکم ورحمة الله را نگفت بلکه با کسی صحبت کرد، یا برخاسته رفت یا عمل دیگری که ناقص نماز است انجام داد نیز همین حکم است یعنی نماز ناقص اداء شده.

مسئله 290: بعد از الحمدلله حد اقل باید سه آیه خوانده شود، اگر یک آیه یا دو آیه خواند اگر این یک آیه یا دو آیه به اندازه سه آیه کوچک است نماز جائز و اگر کم‌تر باشد نماز ناقص و حکم ماقبل را دارد.

مسئله 291: اگر کسی از رکوع بلند شده سمع الله را نگفت، یا در رکوع و سجده «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيْمِ وَسُبْحَانَ رَبِّيَ الأَعْلَى» را نگفت یا در قعده اخیر بعد از التحیات درود شریف را نخواند، یا دعا نکرد در همه این صورت‌ها نماز جائز و کامل است ولی ترک سنت نموده.

مسئله 292: اگر وقت تکبیر تحریمه دست‌ها را بلند نکرد نماز جائز ولی ترک سنت است.

مسئله 293: در هر رکعت بسم الله الرحمن الرحیم گفته الحمدالله را شروع نماید.

مسئله 294: در وقت سجده پیشانی و بینی هر دو به زمین گذاشته شود، و اگر پیشانی به زمین رسید و بینی نرسید نماز جائز است، و بالعکس جائز نیست مگر در صورت عذر.

مسئله 295: اگر بعد از رکوع خوب راست نشد بلکه نیم راست شده به سجده رفت اگر قصدا بود نماز را باید دو مرتبه بخواند و اگر سهوا بود سجده سهو بجای آورد.

مسئله 296: اگر از سجده سر خود را قدری برداشته و به سجده دومی رفت سجده دومی بجای نیامد و نماز قطعا جائز نیست، و اگر اینقدر بلند شد که به نشستن نزدیک بود فرض اداء شد با نقصان، اگر این کار را قصدا انجام داده بود باید نماز را دو مرتبه بخواند و اگر سهوا بود باید سجده سهو بجای آورد.

مسئله 297: اگر بر حصیر یا فرشی که از زمین حرکت کرده است نماز خواند هنگام سجده کردن سر را خوب فشار دهد تا هر چند که خوابیدنی است بخوابد، و اگر آهسته سر را گذاشت سجده جائز نیست.

مسئله 298: اگر در دو رکعت آخر فرض بعد از الحمد لله سوره خواند نماز کاملا جائز است و هیچ اشکالی ندارد.

مسئله 299: اگر در دو رکعت آخر فرض الحمدلله را نخواند بلکه سه مرتبه سبحان الله گفت یا به اندازه حمد خاموش ایستاد نماز جائز است ولی خواندن حمد بهتر است.

مسئله 300: در دو رکعت اول خواندن سوره حمد واجب است، پس اگر کسی فقط تنها حمد را خواند و ضم سوره نکرد یا الحمد را هم نخواند بلکه سبحان الله گفت، باید در دو رکعت آخر با الحمدلله سوره را هم بخواند و اگر این کار قصدا باشد اعاده نماز واجب و اگر سهوا باشد سجده سهو بجای آورد.

مسئله 301: در نمازهائی که آهسته می‌خواند باید طوری آهسته خوانده شود که شخص آواز خود را بشنود و اگر خود نمازگزار آواز خود را نشنید نماز جائز نیست.

مسئله 302: شخص نمازگزار هر سوره‌ای را بخواهد بخواند و تعیین ننماید، اگر سوره معینی را برای نماز معین مقرر کرد مکروه است.

مسئله 303: رکعت دوم نباید از اول درازتر باشد.

مسئله 304: زن‌ها نماز را تنها بخوانند، و اگر جماعت کردند امام در وسط بایستد، و اگر به جماعت مردان حاضر شدند در عقب صف زنند و در برابر مردی ایستاده نشود، و اگر زنی در برابر مردی در نماز ایستاد و امام نیت امامت زن‌ها را داشت نماز هر دو فاسد است.

مسئله 305: اگر در وسط نماز وضوء شکست وضوء گرفته نماز را مجددا بخوا ند، و اگر از همانجائی که وضوء شکسته نماز بخواند جائز است.

مسئله 306: مستحب است که در حالت قیام به سجده گاه نظر شود و در حالت رکوع بر پشت پاها، و در حالت سجده بر بینی، و در قعده بر کناره، و وقت سلام بر شانه‌های خود. و اگر خمیازه آمد تا حد امکان از آن جلوگیری کند، وإلا پشت دست بر دهان بگذارد و از سرفه نیز تا حد امکان جلوگیری نماید.

بیان خواندن قرآن

مسئله 307: خواندن قرآن مجید بطور صحیح و درست واجب است. هر حرف را از مخرج اداء نموده، فرق میان دو حرف را آشکار کند.

مسئله 308: اگر کسی حرفی را صحیح نمی‌تواند اداء کند مثلا بجای «ح»، «ه» یا بجای «ث»، «س» می‌خواند یا بجای «ص»، «س» تمرین کردن لازم است، و اگر نکرد گنهکار است. و نمازش جائز نیست البته اگر با تمرین باز هم نتوانست معذور است و اشکالی ندارد.

مسئله 309: اگر خواننده قرآن به واسطه بی‌پروائی امتیاز میان دو حرف را مراعات نکرد گنهکار و نمازش جائز نیست.

مسئله 310: اگر سوره‌ای را که در رکعت اولی خوانده در رکعت دومی نیز بخواند اشکالی ندارد ولی بدون ضرورت نباید این کار را انجام دهد.

مسئله 311: به همان ترتیبی که در قرآن نوشته شده در نماز خوانده شود و بالعکس قصدا مکروه است نه سهوا.

مسئله 312: اگر در نماز سوره‌ای را شروع کرد بدون عذر ترک آن کرد سوره‌ای دیگر شروع کرد مکروه است.

مسئله 313: اگر کسی قطعا قرآن را نمی‌داند یا جدیدا اسلام آورده در همه حالات سبحان الله بگوید فرض اداء می‌گردد، ولی برای آموختتن قرآن و نماز خوب زحمت بکشد، و اگر کوشش نکرد گنهکار است.

مسئله 314: اگر کسی با وجود قدرت امتیاز میان حروف امتیاز را ترک کرد نمازش فاسد است، و اگر ترک امتیاز به واسطه عدم قدرت بر امتیاز است نماز جائز، چنانچه حال عموم مردم است، لذا نماز عوام که قدرت امتیاز میان حروف را ندارند جائز است اگرچه به واسطه ترک کوشش و جدیت گنهکارند.

بیان شکننده‌های نماز

مسئله 315: اگر کسی به قصد یا سهو در میان نماز صحبت کرد نمازش فاسد است.

مسئله 316: اگر بین نماز آه یا اوه یا اف یا ‌های گفت، یا بلند گریه کرد نمازش باطل شد ولی اگر گریه از یاد بهشت یا خوف دوزخ باشد نماز فاسد نمی‌شود.

مسئله 317: اگر کسی بدون عذر خوش خفه (سرفه) یا گلوی را صاف کرد که به واسطه آن یک حرف یا نصف حرفی آشکار شد نمازش فاسد می‌شود، البته در صورت عذر معذور است و نمازش جائز می‌شود.

مسئله 318: اگر در بین نماز عطسه زد و گفت: «الحمد لله»، نماز فاسد می‌شود ولی نباید بگوید، و اگر دیگری عطسه زد و گفت: «الحمد لله» و این در جوابش گفت: «یرحمک الله» نماز فاسد می‌شود.

مسئله 319: اگر در بین نماز از روی قرآن قرائت خواند نماز فاسد است.

مسئله 320: اگر در بین نماز جواب سلام کسی را داد نمازش فاسد است.

مسئله 321: اگر در بین نماز با هر دو دست دکمه گریبان یا پالتو خود را بست نماز فاسد است.

مسئله 322: خوردن و نوشیدن در بین نماز مفسد نماز است مگر آنچه میان دندان‌ها باشد به شرطی که از نخودی کم‌تر باشد، و اگر به اندازه نخودی یا بیشتر باشد نماز فاسد می‌شود.

مسئله 323: اگر کسی شیرینی خورد و هنوز مزه آن در دهان موجود بود و در بین نماز به وسیله آب دهان مزه شیرینی پائین می‌رود نماز جائز است.

مسئله 324: اگر کسی در بین نماز خبر خوش شنید و گفت: الحمدلله یا خبر ناخوش شنید و گفت: «إِنَّا لله وَإِنَّا إِلَیهِ رَاجِعُونَ» نماز فاسد می‌شود.

مسئله 325: اگر در بین نماز بچه به زمین خورد و نماز خواننده گفت: بسم الله نمازش فاسد است.

مسئله 326: در بین نماز بچه آمد و از پستان مادر خود که نماز می‌خواند شیر نوشید اگر از پستان شیر بیرون آمد نماز فاسد است، و اگر شیر بیرون نیامد فاسد نمی‌شود.

مسئله 327: اگر نماز خواننده الله (أکبر) به مدالف یا (أکبار) یا رای اکبر را مد کشید نماز فاسد می‌شود.

مسئله 328: اگر نماز خواننده به کتاب یا تابلو چشم آن افتاد و به زبان نخواند ولی مطلب آن را به قلب فهمید نماز جائز است، و اگر به زبان خواند نماز فاسد است.

مسئله 329: اگر از جلوی نمازگزار شخصی یا حیوانی عبور کرد نماز جائز است. ولی شخصی عبور کننده گنهکار است و نمازگزار حتی إمکان باید در جایی نماز بخواند که محل عبور و مرور مردم نباشد، و در صورت نبودن چنین جائی چوبی به اندازه نیم متر در جلوی خود به مقابل عابرین ایستاده و به آن نزدیک شده نماز بخواند.

مسئله 330: اگر به واسطه عذر یک قدم یا دو قدم پیش و پس شد و سینه‌اش از قبله منحرف نشد نماز جائز است، و اگر سینه از طرف قبله منحرف گشت یا از سجده گاه جلوتر رفت نماز فاسد می‌شود.

بیان مکروهات و ممنوعات نماز

مسئله 331: مکروه چیزی است که به واسطه آن نماز فاسد نمی‌شود ولی از ثوابش کاسته می‌شود.

مسئله 332: بازی کردن با لباس یا بدن دور کردن سنگریزه‌ها مکروه است، ولی اگر سجده کردن امکان نداشت محل سجده را به یک دست یک مرتبه یا دو مرتبه پاک کردن جائز است.

مسئله 333: در نماز انگشتان دست و پای را شکستن و دست را در تهیگاه نهادن و گردن را بطرف راست و چپ گردانیدن و بطرف راست و چپ نگاه کردن مکروه است، البته به گوشه چشم نگریستن جائز است، و بدون ضرورت این چنین عملی را انجام ندادن بهتر است.

مسئله 334: در نماز بدون عذر لکچه زدن (مثل سگ نشستن) و یا هر دو پا را نصب کردن مکروه است.

مسئله 335: جمع کردن لباس‌های بدن و جواب سلام را با دست دادن در بین نماز مکروه است.

مسئله 336: اگر شخص نشسته صحبت می‌کند یا به کاری مشغول است دیگری پشت سر آن نماز می‌خواند اشکالی ندارد ولی نماز خواندن در چنین حالتی بهتر نیست.

مسئله 337 اگر جلو نمازگزار قرآنی یا شمشیری آویزان باشد جائز است.

مسئله 338: بر فرشی که عکس دارد نماز جائز است بشرطی که بالای صورت نماز نخواند.

مسئله 339: جانماز عکس دار و عکس را در خانه نگاهداشتن گناه است.

مسئله 340: اگر عکس ذی روح بطرف بالا یا راست و چپ نمازگزار باشد نماز مکروه است، و اگر در زیر پا باشد و یا کوچک طوری که اگر به زمین گذاشته شود دیده نمی‌شود یا سربریده است مکروه نیست.

مسئله 341: صورت و عکس درخت و منظره‌ها کراهیت ندارد.

مسئله 342: شمردن آیات یا چیز دیگری را در بین نماز با انگشتان دست مکروه است.

مسئله 343: زیاده کردن قرائت را در رکعت دوم از رکعت اول به اندازه سه آیه مکروه است.

مسئله 344: معین کردن سوره‌ای را در نماز معین که همیشه همان سوره خوانده شود و غیر آن را نخواند مکروه است.

مسئله 345: انداختن عبا و نمد و پالتو بر شانه بدون اینکه آستین‌ها کشیده شود در نماز مکروه است.

مسئله 346: لباس چرکین و کثیف پوشیدن نماز خواندن مکروه است، مگر در صورت عذر.

مسئله 347: گذاشتن چیزی در دهان که مانع خواندن قرائت نباشد مکروه است و اگر مانع قرائت بود نماز فاسد است.

مسئله 348: اگر کسی وضوء تنگ است و در همین حال نماز بخواند کراهیت دارد.

مسئله 349: وقتی بسیار گرسنه باشد و غذا آماده اولا غذا بخورد و بعد نماز بخواند، پیش از خوردن غذا نماز مکروه است مگر وقت تنگ باشد.

مسئله 350: بسته کردن چشم‌ها در نماز خوب نیست.

مسئله 351: بدون ضرورت گرفتن آب دهان و بینی مکروه است.

مسئله 352: اگر در نماز شپشی یا کیکی را گرفته بیرون انداخت اشکالی ندارد.

مسئله 353: در نماز فرض تکیه کردن به چیزی بدون عذر مکروه است.

مسئله 354: پیش از تمام شدن سوره یا آیت به رکوع رفتن و آن‌ها را در رکوع تمام کردن کراهیت دارد.

مسئله 355: اگر سجده گاه از جای قدم‌ها بلندتر است اگر یک وجب یا بیشتر باشد نماز جائز نیست و اگر کم‌تر باشد جائز است.

بیان چیزهائی که به واسطه آن‌ها شکستن نماز جائز است

مسئله 356: ماشین یا قطار حرکت نمود و در آن‌ها وسائل سفر یا زن و بچه سوار است در این صورت رها کردن نماز جائز است.

مسئله 357: از پیش روی نمازگزار مار یا دیگر گزنده می‌آید و احتمال گزیدن است رها کردن نماز جائز است.

مسئله 358: اگر هنگام نماز خواندن گرگ یا دیگر حیوان درنده دیده شد با دیدن آن ترک نماز کرده از گوسفندان و غیره حفاظت کردن جائز است.

مسئله 359: در بین نماز کفش را کسی برداشت و احتمال بردن آن در صورت مشغول بودن به نماز قوی‌تر است لذا ترک نماز برای باز پس گرفتن جائز است، و همچنین است حکم اسبابی که قیمت آن تقریبا دویست تومان باشد.

مسئله 360: در بین نماز دیگ بجوش آمد یا سماور و غیره آتش گرفت و احتمال از بین رفتن غذا یا اسباب می‌رود رها کردن نماز برای حفاظت جائز است.

مسئله 361: در بین نماز حاجت انسانی غلبه نمود ترک نماز کرده جواب حاجت را بدهد.

مسئله 362: کوری می‌رود و پیش روی آن چاهی است و ترس افتادن آن در چاه است برای نجات دادن آن ترک نماز واجب است، و اگرترک نکرد و از بین رفت گنهکار می‌شود.

مسئله 363: در بین نماز پدر، یا مادر، یا بابا بزرگ، یا مادر بزرگ به واسطه پیشامدی انسان را صدا زدند، نماز فرض را ترک کرده جواب آن‌ها را دادن واجب است.

مسئله 364: اگر بدون حادثه یا پیش آمدی پدر، مادر، بابا بزرگ یا مادربزرگ شخص را در بین نمازش صدا زدند اگر نماز فرض بود رها کردن آن جائز نیست، و اگر نماز نفل می‌خواند ترک نماز برای جواب دادن آن‌ها واجب است.

بیان نماز وتر

مسئله 365: نماز وتر واجب است و درجه واجب نزدیک به فرض است، ترک آن گناه است، و اگر اتفاقا ترک شود در اولین فرصت قضا آورده شود.

مسئله 366: نماز وتر سه رکعت است دو رکعت خوانده بنشیند و التحیات را بخواند، بعد قیام نموده الحمد و سوره را خوانده الله أکبر گفته هر دو دست را تا برابر گوش‌ها بلند نموده و بعد ببندد و دعای قنوت را بخواند، دعای قنوت این است:

«اللَّهُمَّ إِنَّا نَسْتَعِيْنُكَ، وَنَسْتَغْفِرُكَ، ونُؤْمِنُ بِكَ وَنَتَوَكَّلُ عَلَيْكَ وَنُثْنِيْ عَلَيْكَ الْخَيْرَ، وَنَشْكُرُكَ وَلاَ نَكْفُرُكَ، وَنَخْلَعُ وَنَترُکُ مَنْ يَفْجُرُكَ، اللَّهُمَّ إِيَّاكَ نَعْبُدُ، وَلَكَ نُصَلِّيْ وَنَسْجُدُ، وَإِلَيْكَ نَسْعَى وَنَحْفِدُ، وَنَرْجُوْ رَحْمَتَكَ، وَنَخْشَى عَذَابَكَ، إِنَّ عَذَابَكَ بِالْكُفَّارِ مُلْحِقٌ».

ای خدایا! به تحقیق که از تو یاری و از تو آمرزش طلب می‌کنم، و ایمان به تو داریم و بر تو توکل نموده‌ایم و بر تو نیکی را ثنا بفرستیم و تو را شکرگزاری می‌کنیم، و کفران تو را نمی‌نمائیم از بیخ بر می‌کنیم و ترک می‌کنیم کسانی را که نافرمانی تو را بنمایند، ای خدایا! فقط تو را پرستش می‌کنیم و برای تو نماز می‌خوانیم و سجده می‌ کنیم، و به سوی تو می‌شتابیم و در خدمتت ایستاده‌ایم و امیدوار رحمت تو ایم، و از عذاب تو می‌ترسیم، همانا عذاب تو به ناگرویدگان پیوست شونده است.

مسئله 367: در هر سه رکعت نماز وتر با حمد سوره بخواند.

مسئله 368: اگر در رکعت سوم خواندن دعای قنوت را فراموش کرد و به رکوع رفت و در رکوع یادش آمد برای خواندن قنوت برنگردد، بلکه در آخر سجده سهو بجا آورد، و اگر برگشت باز هم باید سجده سهو بجا آورد.

مسئله 369: اگر به فراموشی در رکعت اول یا دوم دعای قنوت را خواند آن را اعتباری نیست و باید در رکعت سوم دعای قنوت را بخواند و در آخر سجده سهو بجا آورد.

مسئله 370: اگر دعای قنوت را یاد نداشت این دعا را بخواند:

﴿رَبَّنَآ ءَاتِنَا فِي ٱلدُّنۡيَا حَسَنَةٗ وَفِي ٱلۡأٓخِرَةِ حَسَنَةٗ وَقِنَا عَذَابَ ٱلنَّارِ ٢٠١﴾[[9]](#footnote-9)**.**

و یا سه مرتبه «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِيْ» یا سه مرتبه «یَا رَبَّ» بگوید نماز جائز است، ولی لازم است سعی و کوشش کند تا دعای قنوت را یاد بگیرد.

بیان نمازهای سنت و نفل

پیش از نماز فرض صبح دو رکعت نماز سنت است. و در حدیث شریف نسبت به این دو رکعت تاکید بسیاری شده لذا هیچ موقعی نباید ترک شود، مگر وقت بامداد فقط گنجایش فرض را داشته باشد یا جماعت تشکیل شده است که در این صورت‌ها می‌تواند سنت را ترک نماید.

مسئله 372: پیش از فرض نماز ظهر چهار رکعت سنت است و بعد از آن دو رکعت، و ترک این رکعات بدون عذر و بطور مداومی گناه است.

مسئله 373: پیش از فرض عصر چهار رکعت سنت غیر مؤکده است، خواندن آن دارای ثواب و ترک آن گناه ندارد.

مسئله 374: در وقت شام بعد از فرض دو رکعت سنت مؤکده است، و حکم آن حکم سنت ظهر است.

مسئله 375: در وقت عشاء «خفتن» مستحب است که اولا چهار رکعت سنت خوانده شود «این سنت غیرمؤکده است» و بعد چهار رکعت فرض اداء گردد و بعد دو رکعت سنت مؤکده و سپس وتر سه رکعت.

مسئله 376: در ماه مبارک رمضان نماز تراویح سنت مؤکده است برای مرد و زن خواندن آن ثواب و ترک آن بدون عذر گناه است، و تعداد رکعات آن بیست است، و طریق خواندن دو رکعت به یک سلام و بعد از چهار رکعت استراحت تا اندازه‌ای و در حال استراحت خواند «سُبْحانَ اللهِ الْمَلِكِ الْقُدُّوْسِ» یا هر ذکری دیگر.

تذکر: سنت‌هائی که در خواندن آن‌ها از طرف پیغمبر اکرم سفارش بسیار شده است به آن‌ها سنت مؤکده گفته می‌شود، و در شبانه روز تعداد آن‌ها دوازده است، دو رکعت پیش از فرض صبح، چهار رکعت قبل از فرض ظهر، دو رکعت بعد از فرض ظهر، دو رکعت بعد از فرض شام، دو رکعت بعد از فرض عشاء، و نماز تراویح در ماه رمضان. و در نزد بعضی از علماء دین نماز شب از مؤکدات است.

مسئله 377: از طرف شریعت اسلام همین نمازهای بیان شده مقرر گردیده است و غیر از این‌ها همه نوافل است، و نوافل را حدی و وقتی نیست، البته در اوقات مکروهه که منع شده است و در آینده انشاء الله بیان خواهد شد نباید خوانده شود.

مسئله 378: در میان نمازهای نفل بعضی ثواب زیادی دارد که از آن جمله است: تحية الوضوء، اشراق، چاشت، اوابین، تهجد، صلواة التسبیح.

مسئله 379: نماز تحية الوضوء عبارت است: از نمازی که بعد از وضوء دو رکعت بخواند و در احادیث حضرت رسول اکرم برای این دو رکعت فضیلت زیادی آمده است.

مسئله 380: طریق نماز اشراق این است که: بعد از نماز بامداد از جای خود برنخیزد و به ذکر مشغول باشد تا وقتی که خورشید طلوع نماید وقدری آفتاب بلند شود، آن وقت دو رکعت یا چهار رکعت نماز بخواند این را نماز اشراق می‌گویند، و ثواب زیادی دارد و قدر دیگر توقف کرده سپس دو یا چهار رکعت نماز بخواند، این نماز چاشت است.

مسئله 381: بعد از فرض و سنت مغرب (شام) حد اقل خواندن شش تا بیست رکعت نماز را نماز اوابین می‌گویند.

مسئله 382: نصف شب از خواب برخاسته نماز بخواند این را نماز تهجد می‌گویند، حد اقل آن چهار رکعت و حد اکثر آن دوازده رکعت است، و اگر نصف شب نمی‌تواند برخیزد بعد از نماز عشاء (خفتن) بخواند.

مسئله 383: صلوة التسبیح: در حدیث شریف برای این نماز فضائل زیادی آمده است، حضرت پیغمبر اکرم به عموی خود حضرت عباس این نماز را تعلیم داده فرمودند: اگر بتوانید هر روز بخوانید، و اگر وقت نداشتید هفته‌ای یک مرتبه، و اگر این هم میسر نشد ماهی یک مرتبه، و در ماه اگر میسر نشد سالی یک مرتبه، و در سال اگر میسر نشد در عمر یک مرتبه بخوانید تمام گناهان شما را خداوند متعال می‌بخشد اگرچه مثل کف دریا باشد. طریق خواندن نماز این است: نیت کرده بعد از تکبیر تحریمه «سبحانک اللهم»، و «أعوذ بالله»، و «بسم الله» را مثل باقی نمازها گفته حمد و سوره را بخواند، و بعد از اتمام سوره پیش از رکوع پانزده مرتبه این کلمات را بخواند: «سُبْحَانَ اللهِ، وَالْحَمْدُ ِللهِ، وَلاَ إِلَهَ إِلاَّ اللهُ، وَاللهُ أَكْبَرُ»[[10]](#footnote-10). بعد رکوع کند و در رکوع بعد از تسبیح رکوع ده مرتبه کلمات بیان شده را بخواند، از رکوع برخاسته بعد از الحمدلله «سُبْحَانَ اللهِ، وَالْحَمْدُ ِللهِ، وَلاَ إِلَهَ إِلاَّ اللهُ، وَاللهُ أَكْبَرُ» بعد رکوع کند، و در رکوع بعد از تسبیح رکوع ده مرتبه کلمات بیان شده را بخواند، از رکوع برخاسته بعد از «سمع الله لمن حمده» نیز ده مرتبه بخواند و سجده رفته بعد از تسبیح سجده ده مرتبه و میان هر دو سجده ده مرتبه و در سجده دومی بعد از «سبحان ربي الأعلی» نیز ده مرتبه و از سجده دومی بلند شده بنشیند و ده مرتبه این کلمات را بخواند و رکعت دومی را مثل اولی بجا آورده در قعده پیش از التحیات نیز ده مرتبه این کلمات را بخواند و بهمین ترتیب هر چهار رکعت را اداء نماید و برای این نماز سوره مخصوص نیست هر سوره را که بخواهد بخواند، تعداد تسبیحات هر رکعت هفتاد و پنج و مجموعا در چهار رکعت سیصد مرتبه می‌شود.

مسئله 384: در روز اگر بخواهد دو رکعت نماز نفل نیت کنند و یا چهار و از چهار بیشتر مکروه است، و در شب شش تا هفت رکعت نماز نفل به یک سلام که در هر دو رکعت بنشیند، می‌تواند اداء نماید و بیشتر از هشت رکعت به یک سلام مکروه است.

مسئله 385: اگر چهار رکعت نیت کرده اختیار دارد که دو رکعت خوانده بنشیند التحیات و درود و دعا را خوانده سلام دهد و بعدا برای رکعت سومی برخیزد و مجددا «سبحانک اللهم» و «أعوذ بالله» و «بسم الله» را خوانده شروع نماید، و اگر بخواهد تنها التحیات خوانده برخیزد بسم الله گفته الحمد را شروع کند، و همچنین در شش رکعتی و هشت رکعتی نماز نفل شب.

مسئله 386: در نماز نفل خواندن سوره با حمد در هر رکعت واجب است.

مسئله 387: وقتی شخص نیت نماز نفل شود و شروع کرد تمام کردن آن واجب است و اگر ترک کند گنهکار است، و هر نمازی را که بشکند قضا بجا آورد ولی نفل هر دو رکعت نماز جداگانه به شمار می‌آید، لذا اگر چهار یا شش رکعت نیت کرد و آن را شکست فقط دو رکعت قضا بیاورد، و اگر چهار رکعت نیت کرد و دو رکعت خواند و سلام داد گنهکار نیست چون در دو رکعت دوم شروع ننموده است.

مسئله 388: اگر چهار رکعت نماز نفل نیت کرد و در رکعت سومی یا چهارمی نیت را شکست اگر بعدا از رکعت دومی نشسته و التحیات را خوانده فقط دو رکعت قضا بیاورد و اگر ننشسته خواه قصدا باشد خواه سهوا چهار رکعت باید قضا بیاورد.

مسئله 389: بدون عذر نفل را نشسته می‌تواند بخواند، و اگر نفل را ایستاده شروع کرد می‌تواند نشسته تمام کند و بالعکس نیز جائز است.

مسئله 390: بدون عذر در نماز نفل تکیه زدن به دیوار یا چیز دیگری جائز است.

بیان نماز استخاره

مسئله 391: وقتی شخص مسلمان اراده کاری نماید از خداوند متعال طلب خیر کند و این طلب خیر را استخاره می‌گویند، و در احادیث شریفه حضرت پیغمبر اکرم است به آن ترغیب زیادی آمده است.

مسئله 392: طریق نماز استخاره این است که: اولا دو رکعت نماز نفل بخواند و بعد متوجه به خدا شده این دعا را بخواند و دعا این است:

اللَّهُمَّ إِنِّيْ أَسْتَخِيْرُكَ بِعِلْمِكَ، وَأَسْتَقْدِرُكَ بِقُدْرَتِكَ، وَأَسْأَلُكَ مِنْ فَضْلِكَ الْعَظِيْمِ، فَإِنَّكَ تَقْدِرُ وَلاَ أَقْدِرُ، وَتَعْلَمُ وَلاَ أَعْلَمُ، وَأَنْتَ عَلاَّمُ الْغُيُوْبِ، اللَّهُمَّ إِنْ كُنْتَ تَعْلَمُ أَنَّ هَـذَا الأَمْرَ -وَيُسَمِّيْ حَاجَتَـهُ- خَيْرٌ لِيْ فِيْ دِيْنِـيْ وَمَعَاشِيْ وَعَاقِبَـةِ أَمْرِيْ -أَوْ قَالَ: عَاجِلِهِ وَآجِلِهِ- فَاقْدِرْهُ لِيْ وَيَسِّرْهُ لِيْ ثُمَّ بَارِكْ لِيْ فِيْهِ، وَإِنْ كُنْتَ تَعْلَمُ أَنَّ هَذَا الأَمْرَ شَرٌّ لِيْ فِيْ دِيْنِيْ وَمَعَاشِيْ وَعَاقِبَةِ أَمْرِيْ -أَوْ قَـالَ: عَاجِلِهِِ وَآجِلِهِ- فَاصْرِفْهُ عَنِّيْ وَاصْرِفْنِيْ عَنْهُ وَاقْدِرْ لِيْ الْخَيْرَ حَيْثُ كَانَ، ثُمَّ أَرْضِنِيْ بِهِ[[11]](#footnote-11).

وقتی که به لفظ هذا الامر رسید آن کار را بیاد آورد که برای آن استخاره می‌کند، بعد بالای رختخواب پاکیزه رو به قبله بخوابد، وقتی که از خواب بلند شد هر چیزی که در دل آن مشخص شود انجام دادن آن بهتر است.

مسئله 393: اگر در مرحله اول چیزی در قلبش مشخص نشد دو مرتبه تا هفت مرتبه این کار را بکند.

بیان نماز توبه

مسئله 394: اگر عملی خلاف انجام داده، دو رکعت نماز خوانده در پیشگاه پروردگار به سجده افتاده و از کرده خود پشیمان شده استغفار طلبد، و اراده محکم نماید که در آینده این کار را هرگز انجام ندهد به فضل و رحمت خدا گناه بخشیده می‌شود.

بیان نمازهای قضائی

مسئله 395: اگر نمازی از کسی قضا باشد هر وقت یادآورد آن را قضا بیاورد و بدون عذر تاخیر نکند و اگر امروز و فردا کرد و مرد و قضائی بجا نیاورد برای آن دو گناه است، گناه ترک قضا و گناه تاخیر آن.

مسئله 396: برای قضا آوردن نماز فوت شده وقتی معین نشده بلکه غیر از اوقات ممنوعه که عبارت از طلوع آفتاب، و موقع استوای آن، و موقع غروب آن است در همه اوقات جائز است.

مسئله 397: اگر از کسی در همه عمر فقط یک نماز قضا شده یا چند نماز ولی آن‌ها را قضائی بجا آورده و فقط یکی باقیمانده قبل از اینکه وقتی را بخواند اگر وقت گنجایش داشت اولی نماز قضائی را بخواند و بعد وقتی را و اگر چنین نکرد نمازش جائز نیست.

مسئله 398: اگر از شخص در همه عمر نماز قضا نشده یا اگر شده قضائی بجا آورده، به این شخص صاحب ترتیب می‌گویند، و شخص صاحب ترتیب اگر در وقت گنجایش بود و نمازی از آن فوت شده که به یادش بود نمی‌تواند نماز وقتی را بخواند بلکه باید اولا قضائی بخواند و بعد وقتی را اداء نماید.

مسئله 399: اگر از کسی شش نماز فوت شد، ترتیب ساقط می‌گردد، یعنی بدون قضا بجا آوردن نماز فوتی می‌تواند نماز وقتی را بخواند، و اگر از شش وقت کم‌تر باشد ترتیب ساقط نمی‌شود و پیش از بجای آوردن قضائی‌ها نمی‌تواند نماز وقتی را بخواند.

مسئله 400: اگر وتر قضا شده و بر ذمه آن قضائی دیگر نیست پیش از قضا آوردن وتر نماز صبح جائز نیست.

مسئله 401: اگر شخص که صاحب ترتیب است، نماز عشاء را خواند و خوابید موقعی که برای تهجد بلند شد وضوء گرفت و وتر را خواند در روز یادش آمد که نماز عشاء را بدون وضوء خوانده است فقط فرض عشاء را قضا آورد.

مسئله 402: نمازهای فرض و وتر قضا آورده می‌شود نه سنت و نوافل، البته اگر نماز بامداد قضا شد و می‌خواهد پیش از زوال همان روز قضا بیاورد فرض و سنت هر دو را قضا بیاورد و بعد از زوال فقط فرض را قضا بیاورد. زوال یعنی نیمروز.

مسئله 403: اگر در نماز صبح آنقدر فرصت تا طلوع خورشید باقیمانده است که فقط تنها فرض خوانده می‌شود، سنت را ترک کند و بعضی از علماء دین فرموده‌اند که: بعد از طلوع خورشید دو رکعت نماز نفل بخواند، خداوند متعال او را از ثواب سنت صبح بهره مند می‌گرداند.

 مسئله 404: اگر کسی از بی‌نمازی توبه نمود وتصمیم گرفت که در آینده نماز از او ترک نخواهد شد باید نمازهای گذشته را قضائی بجا آورد.

مسئله 405: اگر از کسی نماز قضا شد و فرصت اداء کردن قضائی را نیافت در وقت مرگ وصیت به فدیه دادن واجب است و اگر وصیت نکرد گنهکار است.

احکام سجده سهو

مسئله 406: اگر کسی همه واجبات نماز یا یکی را سهوا ترک نمود سجده سهو واجب می‌گردد، و به وسیله این سجده نماز کامل می‌شود، و اگر سجده سهو بجا نیاورد باید نماز را مجددا بخواند.

مسئله 407: اگر به فراموشی فرضی از فرائض نماز ترک شد نماز جائز نیست و باید دوباره نماز خوانده شود.

مسئله 408: طریق سجده سهو این است که: در رکعت اخیر فقط التحیات را خوانده به یک طرف سلام دهد و بعد از سلام دو سجده کند و مجددا التحیات و درودها و دعا را خوانده سلام دهد.

مسئله 409: اگر به فراموشی پیش از سلام دادن سجده سهو را بجا آورد و دو مرتبه التحیات و درودها و دعا را خوانده سلام داد و نماز را تمام کرد اشکالی ندارد و نماز جائز است.

مسئله 410: اگر خواندن الحمد را در نماز فراموش کرد یا سوره را پیش از حمد خوانده سجده سهو واجب می‌شود.

مسئله 411: اگر در دو رکعت اول ضم سوره نکرد در دور رکعت آخر ضم سوره نماید و اگر در یک رکعت ضم سوره نکرد باید سجده سهو بجا آورد و نیز در دو صورت گذشته سجده سهو بجا آورد.

مسئله 412: در تمام رکعات نماز سنت و نفل و واجب ضم سوره واجب است، و اگر در یک رکعت از این نمازهای سه گانه ضم سوره نکرد سجده سهو واجب می‌شود.

مسئله 413: اگر الحمد را خوانده فکر کرد که کدام سوره را بخواند و فکر آن اینقدر طولانی شد که از آن مدت گنجایش سه مرتبه «سبحان الله» گفتن را داشت سجده سهو واجب می‌شود.

مسئله 414: اگر در رکعت آخر بعد از التحیات مشتبه شد که سه رکعت خوانده است یا چهار رکعت؟ و در همین فکر به اندازه سه مرتبه «سبحان الله» گفتن خاموش نشست بعد یادش آمد که چهار رکعت خوانده در این صورت نیز سجده سهو لازم است.

مسئله 415: اگر خواننده نماز بعد از خواندن حمد و سوره به فکر رفت و فکر آن به اندازه سه تسبیح طولانی شد، سجده سهو واجب می‌شود و همچنین اگر در وقت خواندن قرائت یا در قعده اخیر یا میان هر دو سجده به فکر رفت سجده سهو لازم می‌شود.

مسئله 416: در نمازهای سه رکعتی یا چهار رکعتی اگر در قعده اول دو مرتبه التحیات یا درود شریف را بعد از «التحیات» تا «علی محمد» به فراموشی خواند آن وقت یادش آمد که باید برخیزد و برخاست و باید در آخر سجده سهو بجا آورد.

مسئله 417: در نمازهای نفل یا سنت اگر در قعده اول با التحیات درودها را خواند سجده سهو واجب نمی‌شود، البته تکرار التحیات موجب سجده سهو است.

مسئله 418: اگر بجای التحیات به فراموشی در قعده دعای دیگر یا حمد را خواند سجده سهو لازم می‌شود.

مسئله 419: اگر بجای «سبحانک اللهم» دعای قنوت را خواند یا در دو رکعت آخر بجای الحمد دعای قنوت را خواند سجده سهو واجب نمی‌شود.

مسئله 420: اگر در نماز چهار رکعتی در قعده اول ننشست و به سوی قیام حرکت کرد بعد یادش آمد اگر به نشستن نزدیک‌تر است بنشیند و سجده سهو هم لازم نمی‌شود، و اگر بطرف قیام نزدیک‌تر بود ننشیند بلکه ایستاده نماز را تمام کند و بعد سجده سهو بجا آورد.

مسئله 421: شخص نماز خواننده قعده اخیر را فراموش کرد و به سوی قیام حرکت کرد تا موقعی که برای رکعت پنجم سجده نکرده هرگاه سجده کرد یادش آمد یک رکعت دیگر بخواند و سجده سهو بجا آورد، هر شش رکعت نفل حساب می‌شود فرض را دوباره بخواند، و اگر در قعده آخر ننشسته و به خیال اینکه قعده اول است بلند شود تا مادامی که برای رکعت پنجم سجده نکرده هرگاه یادش آمد بنشیند و سجده سهو بجا آورد. و اگر برای رکعت پنجم سجده کرد و یادش آمد یک رکعت دیگر بخواند و در آخر سجده سهو بجا آورد چهار رکعت فرض و دو رکعت نفل محسوب می‌شود.

مسئله 422: در نماز نفل اگر قعده اول را فراموش کرد تا مادامی که برای رکعت سوم سجده نکرده برگردد، و اگر سجده کرد برای رکعت سوم رکعت چهارم را بخواند و در هر دو صورت سجده سهو واجب می‌شود.

مسئله 423: اگر در نماز شک کرد که سه رکعت خوانده یا چهار رکعت و این اولین مرتبه است که شک می‌کند نماز را رها کند و دو مرتبه بخواند و اگر بسیار برایش تاکنون شک پیش آمده فکر کند و به هر چه قلبش فتوی داد به آن عمل کند، اگر قلبش فتوای سه رکعت داد یک رکعت دیگر بخواند اگر به چهار رکعت قلبش گواهی داد نماز را تمام کند و سجده سهو لازم نیست و اگر قلبش بین سه رکعت و چهار رکعت برابر بود سه رکعت حساب کرده بنشیند و بعد یک رکعت دیگر بخواند و دراین صورت سجده سهو حتما باید بجای آورد.

مسئله 424: اگر در نماز چند سهو کرد که هر یک از آن‌ها موجب سهو بود یک سجده برای همه کافی است.

مسئله 425: اگر بعد از سجده سهو عملی کرد که به واسطه آن سجده سهو لازم می‌شد همان سجده اولی کافی است مثلا بجای التحیات الحمد را خواند.

مسئله 426: اگر سجده سهو را فراموش کرد و به هر دو طرف سلام دادن لکن هنوز همانجا نشسته است و سینه‌اش را از طرف قبله نگردانیده و با کسی هم صحبت ننمود حالیه سجده سهو را بجا آورد و اگر چه ذکر یا درود خوانده است.

مسئله 427: اگر بر کسی سجده سهو لازم بود ولی قصدا به هر دو طرف سلام داد نیت داشت که سجده سهو را بجا نیاورد و با وجود این تا وقتی که عمل منافی نماز از آن صادر نشود می‌تواند سجده سهو را بجا آورد.

مسئله 428: اگر کسی در نماز سه رکعتی یا چهار رکعتی به فراموشی در قعده اولی سلام داد بعد معلوم کرد که قعده اولی است، تا پیش از صدور عمل منافی نماز مثل صحبت کردن و چیزی را خوردن برخیزد نماز را تمام کند و سجده سهو بجا آورد.

مسئله 429: اگر کسی به فراموشی در رکعت اول یا دوم وتر دعای قنوت را خواند، این خواندن معتبر نیست و در رکعت سومی دعای قنوت را بخواند و سجده سهو در آخر بجا آورد.

مسئله 430: اگر کسی در نماز وتر شک کرد که رکعت دومی است یا سومی و هر دو طرف گمانش مساوی است در همان رکعت دعای قنوت را بخواند و بنشیند و التحیات را خوانده بلند شود یک رکعت دیگر بخواند و در آن هم دعای قنوت را بخواند و در آخر سجده سهو بجا آورد.

مسئله 431: اگر در نماز وتر بجای دعای قنوت «سُبحانَک اللهم» خواند اگر یادش آمد باید دعای قنوت را بخواند و سجده سهو واجب نمی‌شود، و همچنین اگر بعد از خواندن «سُبحانَک اللهم» دعای قنوت یادش نیامد و به رکوع رفت سجده سهو لازم نمی‌شود.

مسئله 432: اگر در دو رکعت آخر فرض بعد از حمد سوره هم خواند سجده سهو لازم نمی‌شود.

مسئله 433: اگر خواندن سوره الحمد را در دو رکعت آخر فراموش کرد سجده سهو واجب نمی‌شود.

مسئله 434: اگر در نماز خواندن «سُبحانَک اللهُم» یا تسبیحات رکوع و سجود و یا سنتی از سنت‌های نماز را به فراموشی ترک کرد سجده سهو لازم نمی‌شود.

مسئله 435: هر چیزی که به فراموش کردنش سجده سهو واجب می‌شود اگر قصدا ترک شود سجده سهو واجب نمی‌شود بلکه نماز را ناقص می‌کند و دو مرتبه خواندنش لازم است.

بیان سجده تلاوت

مسئله 436: در قرآن مجید چهارده سجده تلاوت است هر جا در کنار ورق سجده نوشته شده، آن آیت را که خواند سجده کند و این را سجده تلاوت می‌گویند.

مسئله 437: طریقه سجده تلاوت این است که: «الله أکبر» گفته بدون اینکه دست‌ها را بلند کند به سجده برود، و در سجده سه بار یا بیشتر «سُبحَانَ رَبِّيَ الأَعلَی» بگوید و بعد الله أکبر گفته بلند شود بهتر است که در حالت قیام به سجده رود و بعد از سجده نیز قیام کند و اگر نشسته بجا آورد جائز است.

مسئله 438 سجده تلاوت بر خواننده و شنونده قصد شنیدن را داشته باشد یا نه واجب می‌شود، به این واسطه در جائی که می‌داند ممکن است شنوندگان سجده را بجا نخواهند آورد بهتر است آیه سجده را آهسته بخواند تا بر دیگران واجب نشود.

مسئله 439: هر چه برای نماز شرط است برای سجده تلاوت نیز شرط است مثل وضوء داشتن، لباس پاک، مکان پاک، رو به قبله کردن و غیره.

مسئله 440: اگر در وقت خواندن آیه سجده وضوء نداشت وضوء گرفته سجده را بجا آورد.

مسئله 441: اگر بر ذمه کسی سجده تلاوت زیادی است باید به مرور اداء کند و اگر نکرد گنهکار است.

مسئله 442: اگر زن در حالت حیض یا نفاس آیه سجده را شنید سجده در آن واجب نمی‌شود، و اگر در حالت جنابت شنید واجب می‌شود و بعد از غسل کردن باید سجده نماید.

مسئله 443: اگر در حال مریضی آیه سجده را شنید و طاقت سجده کردن را نداشت با اشاره سجده نماید.

مسئله 444: اگر در نماز آیه سجده را تلاوت کرد فورا به سجده رود و بقیه را که می‌خواهد بخواند بعد از سجده بخواند، و اگر فورا به سجده نرفت بلکه چند آیت دیگر تلاوت کرده سجده کرده جائز است.

مسئله 445: اگر در نماز آیه سجده را خواند و سجده نکرد در بیرون نماز اداء نمی‌شود و برای همیشه گنهکار است و غیر از طلب مغفرت از خداوند متعال راهی دیگر نیست.

مسئله 446: اگر آیه سجده را خواند و فورا به رکوع رفت و در رکوع نیت کرد که به جای سجده تلاوت رکوع می‌کند سجده اداء می‌شود، و اگر در رکوع این نیت را نکرد هرگاه سجده کند سجده تلاوت اداء می‌شود خواه نیت کند و خواه نکند.

مسئله 447: اگر کسی در بین نماز آیه سجده را از کسی شنید در میان نماز سجده نکند بلکه بیرون نماز سجده را اداء کند.

مسئله 448: اگر یک جا نشسته چند مرتبه یک آیه سجده را خواند یک سجده واجب است، خواه در آخر سجده کند یا اینکه در مرتبه اول سجده کرد و بعدا چند مرتبه تلاوت کرد همان سجده اولی کافی است، و اگر در جاهای مختلف آیه سجده را تلاوت کرد برای هر یک مرتبه سجده لازم است.

مسئله 449: اگر در یک جا چند آیه سجده را تلاوت کرد برای هر یک سجده جداگانه لازم است.

مسئله 450: اگر کسی نشسته آیه سجده را تلاوت کرد، سپس حرکت نمود و در حالت ایستاده خواند یک سجده واجب می‌شود، و اگر چند قدمی رفت و آیه سجده را خواند دو سجده واجب می‌شود.

مسئله 451: اگر کسی نشسته آیه سجده را خواند و بعد برخاسته به عقب کاری رفت، مجددا برگشت و در همانجای اولی آیه سجده را خواند دو سجده واجب می‌شود.

مسئله 452: اگر کسی آیه سجده را تلاوت کرد و بعد در همانجا مشغول به کاری شد مثل خوردن، آشامیدن، لباس پوشیدن و غیره و بعد آیه سجده را خواند دو سجده واجب می‌شود، خلاصه اینکه مشغول شدن به کاری حکم تغییر مکان را دارد.

مسئله 453: اگر در یک گوشه خانه آیه سجده را خواند و بعد به گوشه دیگری رفته و خواند، یا به یک شاخ درخت خواند و بعد به شاخ دیگر رفته تلاوت کرد یک سجده واجب می‌شود، و اگر در محلی فراخ باشد مثل صحن منزل و از این گوشه به آن گوشه رفت و آیه سجده را تلاوت کرد، دو سجده واجب می‌شود، و گوش‌های از صحن منزل حکم جای مخصوصی دارد.

مسئله 454: مسجد در حکم محل واحد است، یعنی در هر جای که از مسجد بخواند یک سجده واجب می‌شود.

مسئله 455: اگر کسی آیه سجده را تلاوت کرد و سجده نکرد و در همانجا عقد نماز بسته همان آیه را خوانده و سجده کرد همین سجده کافی است، و اگر محل عوض شد یا بعد از تلاوت در بیرون سجده کرد بعد شروع به نماز کرد و همان آیه را خواند دو مرتبه سجده واجب می‌شود.

مسئله 456: اگر خواننده ثابت بود و شنونده تغییر جا می‌داد برخواننده یک سجده و بر شنونده چند سجده واجب می‌شود، و اگر خواننده تغییر مکان می‌داد و شنونده ثابت بر خواننده چند سجده و بر شنونده یک سجده واجب است.

مسئله 457: خواندن تمام سوره و ترک آیه سجده مکروه است، و بالعکس اشکالی ندارد ولی اگر در نماز این کار را کرد باید آیه سجده طویل باشد که به اندازه سه آیه کوچک باشد.

بیان نماز مریض

مسئله 458: در هیچ حالتی نباید ترک نماز کرد، مادامی که توانائی ایستادن را دارد ایستاده، و اگر ندارد نشسته، و اگر توانائی نشستن را ندارد دراز کشیده با اشاره سر نماز را اداء کند.

مسئله 459: برای سجده بالش یا دیگر چیزی که بر آن سجده کند نگذارد بلکه در این حالت که نمی‌تواند بطور عادی سجده کند با اشاره نماز بخواند و اشاره سر پائین تر از اشاره رکوع باشد.

مسئله 460: اگر قدرت قیام را برای نماز دارد ولی در قیام اذیت می‌شود یا ترس زیادی مرض است نشسته نماز را اداء کند.

مسئله 461: اگر ایستاده می‌تواند نماز بخواند ولی قادر به رکوع و سجود نیست، این وقت مخیر است که ایستاده با اشاره نماز بخواند یا نشسته ولی نشسته بهتر است.

مسئله 462: اگر توانائی نشستن را ندارد بر پشت دراز کشیده و متکا گذارده تکیه زده نماز را با اشاره سر اداء نماید یا بر پهلو دراز کشیده نماز را با اشاره اداء نماید.

مسئله 463: اگر مریض نمی‌تواند اشاره سرکند به چشم و ابرو اشاره نکند بلکه نماز را ترک نماید.

مسئله 464: اگر حالت مریض طوری بود که اشاره سر نمی‌تواند بکند و این حالت یک شبانه روز طولانی شد نماز قطعا از او ساقط می‌شود یعنی بعد از صحت قضائی ندارد و اگر از یک شبانه روز کم‌تر بود و سپس قدرت اشاره یافت با اشاره نماز بخواند و آنچه فوت شده قضا بیاورد، و نگوید: باشد خوب شوم، که شاید بمیرد و در این صورت گنهکار می‌میرد و حکم بی‌هوشی هم همین است.

مسئله 465: مریض اگر به واسطه شدت مرض بی‌هوش شد و بی‌هوشی آن از یک شبانه روز بیشتر شد قضا واجب نمی‌شود و اگر کم‌تر بود قضا واجب است.

مسئله 466: اگر شخص در موقع شروع نماز سالم بود و در بین نماز مریض شد به هر طوری که قدرت داشت نماز را تمام کند.

مسئله 467: اگر شخص مریض نماز را نشسته می‌خواند و در وسط نماز سالم شد، بقیه را ایستاده بخواند.

مسئله 468: اگر مریض نماز را با اشاره می‌خواند و در میان نماز سالم شد که قدرت قیام را دارد و یا می‌تواند نشسته رکوع و سجده کند نمازش باطل و از نو باید نماز بخواند.

مسئله 469: شخص مبتلا به فلج یا مرض دیگر گشته که استعمال آب برایش زیان آور است، استنجاء به کلوخ یا پارچه‌ای بزند و تیمم کرده نماز را بخواند، و اگر قدرت تیمم زدن را ندارد دیگری آن را تیمم دهد و نماز بخواند، و اگر قدرت استنجاء به کلوخ و غیره را ندارد کس دیگر بجز عیالش و عیال را شوهرش استنجا ندهد و نماز را ترک نکند.

مسئله 470: اگر کسی در حال صحت نماز را ترک کرده وقت مریضی به هر نحوه ای که می‌تواند نماز را قضا آورد.

مسئله 471: اگر ملافه و فرش مریض نجس است و در تعویض آن برایش ایجاد ناراحتی است همانطور بالای آن نمازش جائز است.

مسئله 472: اگر طبیب مریض را از نشست و برخاست منع کرد دراز کشیده با اشاره نماز را اداء کند.

بیان اقسام سفر و تعریف و آداب و احکام سفر

نیت سفر و انواع آن، سفر عادتا دو نوع می‌باشد.

1. خاص برای دین.
2. خاص برای دنیا.

 مثال اول: سفر حج، جهاد، طلب علم، زیارت علما و صلحاء و برادران دینی و خویشاوندان و دوستان و این سفر به مطابق مقصد سفر یا فرض است یا واجب یا مستحب به هر حال در هر قدم ثواب حاصل می‌شود.

 مثال دوم: سفر برای تجارت و کسب معاش یا خاص برای تفریح و خوشحالی لکن برای شخص عاقل مناسب است که در این سفر نیت دین داشته باشد چرا که همه کار و بار دنیا با اراده دین و نیت خیر عبادت محسوب می‌گردد، مثلا برای تجارت به این اراده بیرون شود که تا نان و نفقه اشخاصی که شریعت بر ذمه من واجب گردانیده ادا کرده و مازاد را در کارهای خیر صرف کنم، از عبارت نیت سفر انواع آن بخوبی دانسته می‌شود.

بیان اوقات سفر و آداب آن

مسئله 473: روز جمعه یا شنبه برای مسافرت بهتر و با برکت تر است، پیغمبر اکرم در این روزها مسافرت می‌کردند و نسبت به این سفر دعا فرمودند.

مسئله 474: روز جمعه پیش از نماز جمعه سفر کردن جائز ولی نرفتن اولی است، بعد از اذان جمعه پیش از نماز سفر حرام است.

مسئله 475: صبح زود مسافرت مبارک و در این خصوص نیز پیغمبر دعا کرده‌اند.

مسئله 476: مسافرت مناسب است با رفیق باشد بالخصوص در مسافرت‌های طولانی، و در این فوائد دنیوی و دینی است اگر رفیق یک نفر باشد کافی است و اگر بیشتر باشد بهتر است.

مسئله 477: اگر جماعتی اقدام به مسافرت نمایند مناسب است یکی را از میان خود رئیس تعیین کرده و در صورت اختلاف آراء بر دستور و فیصله آن عمل نمایند اگرچه مخالف رای دیگران باشد.

مسئله 478: پیش از سفر اسباب سفر را آماده نماید تا باعث تکلیف و اذیت دیگران نشود، در مسافرت داشتن سرمه، شانه، مسواک، مقراض سنت است.

مسئله 479: مستحب است پیش از مسافرت استخاره کند طریق استخاره در بیان نماز استخاره بیان شده است.

تذکر لازم: عادت مردم بعضی مناطق است که: در وقت اراده مسافرت از ستارگان و حیوانات فال می‌گیرند، و این عادت مردود و خلاف شریعت است، و تنها چیزی که جائز است استخاره می‌باشد، چنانچه پیغمبر فرمودند: «مَا خَابَ مَن إستَخَارَ» یعنی زیان کار نمی‌شود کسی که استخاره نماید. هنگام رفتن به سفر با رفقاء و اقرباء خداحافظی کند، و در وقت جدائی این دعا را بخواند: «أَسْتَوْدِعُ اللهَ دِيْنِي، وَأَمَانَتِي، وَخَوَاتِيْمَ عَمَلِي»[[12]](#footnote-12). بازماندگان این دعا را بخوانند: «فِي حفظِ اللهِ وَفِي کَنِفِه، زَوَّدَكَ اللهُ التَّقْوَى، وَغَفَرَ ذَنْبَكَ، وَيَسَّرَ لَكَ الخَيْرَ حَيْثُ مَا كُنْتَ»[[13]](#footnote-13).

در احادیث شریفه وارد است که بهترین محافظ و خلیفه برای بازماندگان حرمت چهار رکعت نماز است که بعد از پوشیدن لباس مسافرت اداء کند و در هر چهار رکعت بعد حمد سوره مبارکه «قل هو الله أحد» را بخواند، و بعد از ادای نماز این دعا را بخواند: ای خدا! به وسیله این رکعات طالب قرب شما می‌باشم و به طفیل آن مال و عیال من را حفاظت فرما». و عادت پیغمبر اکرم این بود: وقتی که برای مسافرت حرکت می‌کردند، این دعا را می‌خواندند: «پروردگارا به مدد تو بر می‌خیزم، و به سوی تو رو می‌آورم، و از تو قوت حاصل می‌کنم، و خاص بر تو اعتماد می‌کنم، ای خدا! تو محل اعتماد منی، و امید من خدایا کفیل باش در این کاری که کوشش می‌کنم». وقتی که از خانه بیرون شود این دعا را بخواند: «بنام خدا شروع می‌کنم، و بر خدا اعتماد دارم، و نیست قوتی بر طاعت و برگشت از معصیت مگر به کمک خداوند بزرگ، پروردگارا من به تو پناه می‌برم از اینکه گمراه شوم یا گمراه کنم، بلغزم یا بلغزانم، ستم کنم تا ستم کرده شوم، بدخلقی کنم یا با دیگران بداخلاقی کنم». وقتی که به مرکب سوار شود سه مرتبه «الله أکبر» گفته این دعا را بخواند: «پاکست آن ذاتی که تابع گردانید این مرکب را و حال اینک توانائی این را نداشتیم و به سوی پروردگار رجوع کننده‌ایم». و بعد این دعا را بخواند: «ای خدا! از تو نیکی و تقوی و آن عملی که تو از بجا آوردن آن خشنود می‌شوی طلب می‌کنم، ای خدا! آسان گردان بر من این سفر را و کوتاه گردان دوری آن را، توئی رفیق سفر و محافظ اهل و مال در وطن و خانه، پروردگارا! رفیق سفر شو مرا و محافظ اهل و عیال من». در راه وقتی که بر بلندی بالا رود الله أکبر گفته این دعا را بخواند: «اللهُمَ لَكَ الشَّرَفُ عَلی کُلِّ شَرَف وَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى كُلِّ حَالٍ». وقتی که پائین بیاید سبحان الله بگوید، و اینگونه بوده است عادت پیغمبر و صحابه کرام.

مسئله 480: با رفیق خود با نهایت لطف و اخلاق رفتار نماید اگر احیانا از رفقاء اذیت ببیند صبرنماید و اگر زیاده از احتیاج وسائل سفر داشت به رفقاء کمک نماید.

مسئله 481: در مسافرت سگ همراه نبود، در حدیث شریف آمده است که: فرشته نیکی همراه جماعتی نیست که سگ همراه داشته باشند.

مسئله 482: اگر مرکب سواری حیوانی است از قدرت آن اضافه بار کردن جائز نیست، و سر و روی آن زدن حرام است.

مسئله 483: گاهی پیاده برود و به حیوان نوبت استراحت بدهد.

مسئله 484: در حدیث است: وقتی که سواره مشغول یاد خدا باشد فرشته همراه اوست و اگر مشغول غیر یاد خدا باشد شیطان رفیق اوست.

مسئله 485: وقتی که مسافر به محلی فرود آید مستحب است دو رکعت نماز اداء کرده این دعا را بخواند: «أَعُوْذُ بِكَلِمَاتِ اللهِ التَّامَّاتِ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ»[[14]](#footnote-14). وقتی که شب شود مسافر این دعا را بخواند: «يَا أَرْضُ رَبِّي وَرَبُّكِ اللَّهُ أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ شَرِّكِ وَشَرِّ مَا فِيكِ وَشَرِّ مَا خُلِقَ فِيكِ وَمِنْ شَرِّ مَا يَدِبُّ عَلَيْكِ وَأَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ أَسَدٍ وَأَسْوَدَ وَمِنَ الْحَيَّةِ وَالْعَقْرَبِ وَمِنْ سَاكِنِ الْبَلَدِ وَمِنْ وَالِدٍ وَمَا وَلَدَ». وقتی صبح شد این دعا را خواند: «سَمَّعَ سَامِعٌ بِحَمْدِ اللهِ، وَحُسْنِ بَلاَئِهِ عَلَيْنَا. رَبَّنَا صَاحِبْنَا، وَأَفْضِلْ عَلَيْنَا عَائِذاً بِاللهِ مِنَ النَّارِ»[[15]](#footnote-15). وقتی از دور آن شهر و دیار که عازم آنجاست مشاهده شود این دعا را بخواند: «اللَّهُمَّ رَبَّ السَّمَوَاتِ السَّبْعِ وَمَا أَظْلَلْنَ، وَرَبَّ اْلأَرْضِيْنَ السَّبْعِ وَمَا أَقْلَلْنَ، وَرَبَّ الشَيَاطِيْنِ وَمَا أَضْلَلْنَ، وَرَبَّ الرِّيَاحِ وَمَا ذَرَيْنَ. أَسْأَلُكَ خَيْرَ هَذِهِ الْقَرْيَةِ وَخَيْرَ أَهْلِهَا، وَخَيْرَ مَا فِيْهَا، وَأَعُوْذُ بِكَ مِنْ شَرِّهَا، وَشَرِّ أَهْلِهَا، وَشَرِّ مَا فِيْهَا»[[16]](#footnote-16). وقتی وارد آن محل شود به اندازه وسع لباس خوب بپوشد، هنگام برگشتن از سفر برای اهل و عیال و دوستان تحفه و هدایا آوردن مستحب است. و در حدیث تا این حد تاکید شده که اگر چیزی نبود حداقل ساک خود را پر از ریگ یا سنگ آن محل کرده بیاورد. یا مراد تاکید است، یا سنگی که لازم خانه است، وقتی که برگشت همان دعاها را در هبوط و صعود تکرار کند، یعنی بالا رفتن و پائین آمدن و نیز این دعا را بخواند: «لاَ إِلَهَ إِلاَّ اللهُ وَحْدَهُ لاَ شَرِيْكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ، وَلَهُ الْحَمْدُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ، آيِبُوْنَ، تَائِبُوْنَ، عَابِدُوْنَ، لِرَبِّنَا حَامِدُوْنَ، صَدَقَ اللهُ وَعْدَهُ، وَنَصَرَ عَبْدَهُ، وَهَزَمَ اْلأَحْزَابَ وَحْدَهُ»[[17]](#footnote-17). وقتی که نظر مسافر به شهر آن افتاد این دعا را بخواند: «أللهُمَ أجعَل لَنَا بِهَا قَرَاراً وَرِزقًا حَسَناً».

مسئله 486: در حدیث است که پیغمبر منع کردند از ناگهان داخل شدن به خانه بعد از مسافرت طولانی البته اگر قبل از آمدن اطلاع داده یا سفر طولانی نیست آمدن ناگهانی تابعی ندارد.

مسئله 487: وقتی مسافر از سفر وارد شهر یا ده محل سکونت خود گردید اولا به مسجد رفته دو رکعت نماز بخواند.

مسئله 488: وقتی داخل منزل خود گردید این دعا را بخواند: «تَوْبًا تَوْبًا، لِرَبِّنَا أَوْبًا، لا يُغَادِرُ عَلَيْنَا حُوبًا».

مسئله 489: با مستقبلین مصافحه و معانقه مستحب است.

بیان سفر شرعی

مسئله 490: سفر شرعی بر سه شرط موقوف است.

 اول) حداقل اینقدر دور باشد که پیاده رونده در ظرف سه روز به آسانی آن راه را طی کند اگرچه به واسطه وسائل امروزی در ظرف چند دقیقه پیموده شود، و مقدار آن به حساب کیلومتر تقریبا نود و شش کیلومتر است.

دوم) از اول مسافرت قصد و اراده این مقدار مسافت را داشته باشد، و اگر از این کم‌تر باشد سفر گفته نمی‌شود.

 سوم) که قصد سفر کرده از محل سکونت بیرون شود، به مجرد قصد بدون بیرون شدن مسافر گفته نمی‌شود، و از محل خود که بیرون شد احکام بر آن جاری می‌گردد اگر چه در باغات یا ایستگاه قطار و فرودگاه باشد.

احکام مخصوص سفر شرعی

کسی که اراده سفر کرد و از خانه بیرون شد شرعا مسافر گفته می‌شود، و بر آن واجب است که نماز ظهر و عصر و خفتن را بجای چهار رکعت دو رکعت بخواند، و اگر قصدا چهار رکعت خواند و در قعده اول نشست و در آخر سجده بجا آورد نماز آن اداء می‌شود ولی گنهکار است، و اگر در قعده اول ننشیند نماز آن فاسد است، نبی کریم و اصحاب بزرگوار همین گونه دستور می‌دادند.

مسئله 492: اگر ابتدا وقت مقیم بود و پیش از اداء نماز شروع به مسافرت کرد این نماز را مسافرانه بخواند، همچنین اگر در اول وقت مسافر بود و پیش از اداء مقیم شد نماز را مقیمانه بخواند.

مسئله 493: مسافر در ایستگاه قطار یا فرودگاه شهر خود بشرط بیرون بودن آن‌ها از شهر از رفتن و برگشتن نماز را مسافرانه اداء نماید. از حضرت علی کرم الله وجهه روایت است که: وقتی از بصره به وطن خود کوفه تشریف می‌آوردند و این قدر نزدیک بودند که مکانات و محلات بنظر می‌آمد ولی نماز را مسافرانه می‌خواندند.

مسئله 494: مسافر اگر بجائی مطمئن باشد سنت‌های مؤکده را بخواند، و اگر شتاب دارد یا از قطار و ماشین و یا از رفقاء می‌ماند می‌تواند سنت‌ها را ترک کند.

مسئله 495: برای مقیم امامت مسافر و بالعکس جائز است ولی وقتی مسافر امام بود پیش از شروع نماز اطلاع دهد که من مسافرم و شما بقیه نماز خود را بخوانید، و متقدین مقیم دو رکعت آخر را اینطور بخوانند که: در قیام به اندازه حمد توقف نمایند و سوره الحمد را نخوانند.

مسئله 496: مسافر شرعی مختار است که روزه ماه مبارک رمضان را بگیرد یا بخورد، و در صورت خوردن در برگشت به شرط یافتن مهلت قضائی بجای بیاورد.

مسئله 497: اگر مسافر بعد از مسافرت وقت قضاء آوردن را نیافت و فوت کرده روزه معاف است.

مسئله 498: اگر در سفر به واسطه روزه گرفتن ضعف و مشقت پیش می‌آید خوردن روزه بهتر است، و اگر روزه گرفتن موجب مشقت و ناراحتی زیاد نبود گرفتنش بهتر است.

مسئله 499: مسافر به چهار چیز مقیم می‌شود،

1. نیت اقامت پانزده روز را در جائی که قابل اقامت باشد نمودن.
2. نیت اقامت به طریق تابعیت یعنی اقامت شوهر یا آقا یا فرمانده لشگر که به واسطه نیت آن‌ها زن، غلام، و سربازان مقیم می‌شوند اگر چه خود آن‌ها نیت اقامت ننمایند.
3. داخل شدن به وطن اصلی.
4. اراده برگشتن از محلی که به مقدار سفر نرسیده است. مثلا قصد محلی را داشت که از وطنش تا آنجا شانزده فرسخ است از هشت فرسنگی برگشت.

مسئله 500: نیت اقامت از چهار جزء مرکب است.

1. نیت اقامت، و بدون نیت هیچ مسافری مقیم نمی‌شود اگرچه تمام را در یکجا بماند، مثلا اگر شخص وارد شهری شد و هر روز قصد بیرون رفتن از آن شهر را دارد ولی به واسطه پیشامدی نتوانست بیرون رود و بهمین حال چندین ماه یا سال در شهر باقی ماند مسافر است و مقیم نمی‌شود.
2. مدت اقامت که مدت آن پانزده روز است، اگر از این کم‌تر باشد مقیم گفته نمی‌شود.
3. در یک جا ماندن پانزده روز را اراده کند، اگر اراده توقف پانزده روز در دهات مختلف را داشت مقیم نمی‌شود ولی نواحی مختلف شهر در حکم واحد است، و به ماندن پانزده روز در نواحی مختلف یک شهر مقیم گفته می‌شود.
4. نیت اقامت در جائی که قابل اقامت عادتا و عرفا باشد، لذا نیت اقامت در بیابان و جنگل و کشتی و طیاره جائز نیست و با این نیت مسافر مقیم نمی‌شود.

مسئله 501: خانه بدوشان، خیمه‌ها و خانه‌های کرائی آن‌ها جای اقامت محسوب می‌شوند، و همیشه نماز را کامل بخوانند، چرا که به نیت مسافرت سفر نمی‌کند بلکه از یک چشمه آب به چشمه دیگر و از یک دره به دره دیگر و از یک ده به ده دیگر می‌روند، ولی اگر به نیت مسافرت عازم سفر شوند مسافر گفته می‌شوند و احکام سفر بر آن‌ها لازم می‌گردد.

مسئله 502: اشخاصی که به تابعیت مقیم می‌شوند مثل سربازها و عیال وقتی مقیم می‌شوند که از نیت فرمانده و شوهر خود اطلاع حاصل کرده باشند، و پیش از آگاهی مسافرند.

مسئله 503: مسافر به مجردی که وارد وطن اصلی خود شد مقیم می‌شود اگرچه مدت اقامتش در آن شهر کم باشد.

بیان اقسام سه‌گانه وطن و احکام آن‌ها

مسئله 504: وطن سه قسم است.

1. وطن اصلی.
2. وطن اقامت.
3. وطن سکنی.

وطن اصلی آن است که: انسان با اهل و عیال خود آنجا بوده و هست و در همانجا زندگی می‌کند.

مسئله 505: وطن اصلی متعدد می‌شود، مثلا یک نفر چند زن در شهر‌های مختلف دارد و در همان شهرها زندگی می‌کنند و مقیم‌اند، و همه این شهرها برای شوهر وطن اصلی گفته می‌شود و به مجرد داخل شدن به یکی از آن‌ها مقیم گفته می‌شود.

مسئله 506: اگر پدر و مادر و خویشاوندان شخص در شهری است و اهل و عیال آن در شهر دیگر وطن اصلی آن شهری است که عیال و بچه‌های آن در آنجا است.

مسئله 507: وطن اقامت عبارت از: محلی است که مسافر نیت اقامت پانزده روز یا بیشتر را در آنجا بنماید به شرطی که آنجا عادتا قابل اقامت باشد.

مسئله 508: وطن سکنی عبارت از محلی است که مسافر اراده اقامت کم‌تر از پانزده روز را بنماید.

مسئله 509: آن شهرهائی که ایستگاه قطار یا فرودگاه طیاره یا گاراژها در وسط شهر قرار گرفته‌اند اگر ساکنین این شهرها بخواهند از این جاها عبور نمایند به مجرد داخل شدن به این محل‌ها مقیم می‌شوند، و اگر از این جاها قصد طی کردن مسافت سفر را داشته باشند به مجرد بیرون شدن از این شهر مجددا مسافر گفته می‌شوند.

مسئله 510: اگر نماز قضا شده سفر را بعد از اقامت می‌خواهد قضا بیاورد دو رکعت بخواند، و اگر در سفر نماز قضائی خانه را می‌خواهد بخواند چهار رکعت بخواند.

مسئله 511: وطن اصلی به واسطه سفر باطل نمی‌شود، مثلا اگر تمام عمر در مسافرت باشد و برای مدت کوتاهی داخل وطن سابق اصلی شود باید نماز را کامل اداء نماید.

مسئله 512: صورت تبدیل شدن وطن اصلی این است که: شخص با اهل و عیال ترک آنجا نموده و بجای دیگر رفته و بقیه عمر را می‌خواهد آنجا بگذراند، لذا این محل وطن اصلی اوست.

مسئله 513: حکم وطن اقامت این است که: مادامی که آنجا مقیم است نماز را کامل بخواند و همینکه برای طی کردن مسافت سفر از آن جا بیرون شد مسافر گفته می‌شود و نماز را مسافرانه بخواند، و اگر مجددا داخل وطن اقامت شد تا موقعی که نیت اقامت نکند مقیم نمی‌شود، و خلاصه کلام اینکه وطن اقامت هر چند طولانی باشد وقتی نیت سفر کرد و از آن بیرون شد وطن اقامت باطل و باید نماز را کامل بخواند.

مسئله 514: حکم وطن سکنی این است که: با وجود قیام در آن مسافر است و نماز را مسافرانه بخواند مگر وقتی که اراده توقف حداقل پانزده روز را بنماید.

مسئله 515: اگر شخص اراده توقف ده روز را در یک شهر نمود و بعد از گذشتن شش روز مجددا اراده توقف ده روز دیگر را نمود این شخص مسافر است.

بیان احکام و مسائل تیمم مسافر

مسئله 516: اگر کسی به واسطه نبودن آب طبق دستور تیمم گرفت و سوار ماشین یا قطار شد و در طول راه بارها چشمش بجوی آب افتاد تیمم آن نمی‌شکند چون قادر بر استعمال آب نیست.

مسئله 517: اگر در ایستگاه قطار توقف نمود و آب موجود بود تیمم می‌شکند، و اگر وضوء نگرفت و سوار قطار شد و در قطار آب نبود باید مجددا تیمم گیرد.

مسئله 518: اگر ظرفی آب برای وضوء تهیه نمود و زیر صندلی گذاشت و فراموش نمود تیمم گرفت و نماز خواند بعد یادش آمد اعاده نماز واجب نیست اگرچه وقت باقی باشد، اگر ظرف آب بالای صندلی مقابلش گذاشته بود و فراموش کرد و با تیمم نماز خواند باید نماز را اعاده نماید.

مسئله 519: اگر در ظرفی به اندازه وضو آب موجود بود ولی به گمان اینکه آب در ظرف نیست تیمم گرفت و نماز خواند بعدا معلوم شد که آب در ظرف موجود است واجب است نماز را دوباره بخواند خواه وقت باقی باشد یا نباشد.

مسئله 520: اگر آب تقسیم کننده قطار یا ماشین غیر مسلم باشد و طبعا شخص مسلمان از آن کراهیت دارد تیمم جائز نیست بلکه آب از آن گرفته وضوء بگیرد.

مسئله 521: اگر در قطار گمان غالب این است که در ایستگاه آب بدست می‌آید و وقت هم گنجایش دارد با وجود این تیمم گرفت و نماز خواند جائز است، ولی بهتر اینست که به آب برسد.

مسئله 522: اگر در قطار تیمم گرفت و شروع به نماز کرد و پیش از اتمام نماز قطار به ایستگاه رسید اگر آنجا توقف نکرد یا توقف کرد و آب نیافت نمازش جائز، و اگر آب بود و قدرت بر استعمال آن را داشت نماز جائز نیست وضوء گرفته دوباره نماز بخواند.

مسئله 523: اگر در مسافرت آب مجانی نبود بلکه به قیمت میسر بود، در صورتی که از قیمت متعارفه گران‌تر فروش نمی‌کرد آب را خریده وضوء بگیرد، بشرط داشتن قیمت و در غیر اینصورت تیمم جائز است.

مسئله 524: آبی که در توالت‌های قطار و غسلخانه آن موجود است پاک می‌باشد وضوء و غسل با آن‌ها جائز است.

مسئله 525: در مسافرت اگر شخص ترس این را داشت که اگر به عقب تهیه آب وضوء برود ممکن است اثاثیه‌اش از بین برود و کسی هم نیست که به مزد آب بیاورد تیمم جائز است.

مسئله 526: بر گرد و غباری که بر صندلی‌های قطار نشسته است تیمم جائز است.

مسئله 527: قطار وقتی که در حرکت است نماز جائز است حتی الوسع، بهتر این است کوشش شود همینکه قطار در ایستگاه بایستد پیاده شود و نماز را با اطمینان بخواند.

مسئله 528: در حال حرکت قطار بدون عذر نشسته نماز را خواندن جائز نیست.

مسئله 529: روی آوردن به قبله در میان قطار چه قطار در حالت حرکت باشد و چه ایستاده لازم است.

بیان احکام درآمد و بلیط ماشین و قطار و غیره

مسئله 530: هر اندازه اثاثیه بدون کرایه از طرف شرکت تعیین شده از آن زیادتر بدون کرایه حمل کردن حرام است.

مسئله 531: رشوت دادن برای کم نوشتن وزن بار حرام است.

مسئله 532: اگر ظلما از شما کرایه بیشتر گرفته شد شرعا اجازه دارید که به اندازه اجحاف در حق شما اسباب و بار بدون کرایه حمل کنید تا حق خود را بگیرید، به شرطی که با آن شرکت این معامله را نمائید که این ظلم را نموده است.

مسئله 533: اگر اتفاقا بدون بلیط سوار ماشین یا قطار شدید یا از حد معین بیشتر بار وزن کرایه حمل کردید و حالیه می‌خواهید جبران کنید، صورت آن این است که: از آن شرکت بلیط به مقصد جای اولی گرفته و سپس از آن استفاده ننمائید.

مسئله 534: اگر با کارمندان قطار یا شرکت بستگی دارید و آن‌ها شما را بدون کرایه سوار کردند در صورتی که به آن‌ها از طرف موسسه این اختیار داده نشده جائز نیست.

مسئله 535: در صورت مسافرت با قطار در همان درجه که بلیط آن را گرفته اید می‌توانید مسافرت کنید و از آن بالاتر جائز نیست.

مسئله 536: از ایستگاه قطار یا فرودگاه طیاره یا دیگر کارخانجات تحت قوانین که برای بازدید آن‌ها مقرر شده است می‌توانید دیدن کنید و تخلف از قوانین مقرره جائز نیست.

مسئله 537: وقتی مسافری به واسطه ضرورتی از صندلی خود بلند شده است تصرف کردن صندلی آن بدون اجازه آن جائز نیست.

مسئله 538: اسباب و اثاثیه‌ای که در میان ماشین یا قطار از کسی بجا مانده به این اراده آن را برداشته که به مصرف خود درآورد جائز نیست، بلکه باید حتی إمکان به صاحب آن داده شود، و اگر از صاحب آن مایوس شد خیرات نماید، و اگر خود آن فقیر باشد بعد از مایوسی از پیدا شدن صاحبش می‌تواند مصرف نماید.

مسئله 539: اگر قرآن یا کتابی در قطار و ماشین جا مانده و این اندیشه است که اگر شما برندارید دیگران به آن بی‌حرمتی می‌کنند در اینصورت آن را برداشته و در محل عموم برای استفاده عموم بگذارید.

مسئله 540: اگر در ایستگاه قطار یا گاراژ در حالی که سوار ماشین یا قطار هستید چیزی را خریدید و پیش از اینکه قیمت آن را بدهد ماشین یا قطار حرکت کرد استعمال آن جائز است، و حتی الوسع قیمت آن را به صاحبش در سفرهای بعدی بپردازید، و اگر با وجود کوشش صاحب آن را نیافتید خیرات نمائید، و اگر بعد از خیرات دادن صاحب آن پیدا شد و مطالبه پول خود را نمود باید بپردازید.

مسئله 541: اگر فروشنده سیب یا پرتغال و غیره را عددا دانه یک ریال یا بیشتر می‌فروخت و شما قیمت آن را گذاشته چند دانه برداشتید و چیزی به زبان نگفتید استعمال آن جائز است.

مسئله 542: اگر قیمت جنس را پیش از گفتن جنس دادید و هنوز آن را نگرفتید که وسیله حرکت کرد و فروشنده آن را بطرف شما انداخت اگر داخل ماشین و غیره افتاد که مقصد حاصل وإلا پول شما بر ذمه آن باقی است، و می‌توانید وصول نمائید، و اگر گذشت نمائید بهتر است.

مسئله 543: در ایستگاه یا گاراژ چیزی خوردنی خریداری نمودید یا در ساک خود داشتید در حضور اشخاص محتاج و فقیر آن را مصرف نکنید مگر مقداری به آن‌ها هم بدهید.

مسئله 544: اگر به حمال باری را دادید و مزد حمل طی نشد وقتی که به محل مقرر رسید باید مزد معروف که در بین مردم عرف است بپردازید.

احکام سفر دریائی

مسئله 545: مسافرت دریائی که به وسیله کشتی انجام می‌گیرد احکام آن همان احکام سفر خشکی است مگر در چند مورد که بیان می‌شود.

مسئله 546: در مسافرت زمینی سه روز مسافرت به شانزده فرسنگ (96 کیلومتر) تعیین و اندازه گیری شده است([[18]](#footnote-18)). ولی در سفر دریا و کوه این مسافت اعتبار ندارد بلکه بلیط دیده شود که کشتی متوسط ظرف سه شبانه روز چه اندازه مسافت را طی می‌کند همان مسافت قصر است، و همچنین در مسافرت کوه آدم متوسط‌القوة ظرف سه شبانه روز چه اندازه مسافت را طی می‌کند در اینجا نیز همین مسافت حکم قصر به آن داده می‌شود.

مسئله 547: در کشتی بدون عذر نماز را نشسته اداء نمودن جائز نیست، و در صورت عذر می‌ تواند نشسته نماز را اداء نماید، و در هر حال رو به طرف قبله آوردن لازم است.

مسئله 548: اگر به واسطه عذر نمی‌تواند نشسته نماز را بخواند دراز کشیده با اشاره سر نماز را اداء نماید.

بیان احکام سفر هوائی

مسئله 549: احکام سفر هوائی همان احکام سفر زمینی است البته تفصیل اداء نماز در طیاره این است که: تا موقعی طیاره در باند فرودگاه قرار دارد مانند قطار است و بالاتفاق نماز در آن جائز است، و وقتی که پرواز نمود بنا به قول أصح به واسطه عذر نیز نماز در آن جائز است.

مسئله 550: اگر در طیاره ایستاده می‌تواند نماز بخواند بهتر است، وإلا نشسته نماز را اداء نماید.

مسئله 551: اگر در طیاره آب موجود بود باید وضوء گرفته شود و اگر چنانچه آب نبود تیمم جائز است، به شرطی که خوف فوت شدن وقت نماز پیش از رسیدن به مقصد باشد.

مسئله 552: همانگونه که در قطار و کشتی استقبال قبله لازم بود در اینجا نیز لازم است، و اگر جهت قبله برای آن و دیگران معلوم نبود از فکر کار بگیرد.

نماز جمعه

بیان فضائل روز جمعه

مسئله 553: پیغمبر اکرم فرموده‌اند: از همه روزها روز جمعه بهتر است. در همین روز آدم پیدا گشت، و در همین روز داخل بهشت گردید، و در همین روز از بهشت بیرون آورده شده، و وقوع قیامت در همین روز خواهد بود.

مسئله 554: امام احمد بن حنبل: می‌فرماید: از بعضی وجوهات مرتبه و درجه شب جمعه از لیلة القدر بیشتر است، چرا که در همین شب سرور دو عالم نبی اکرم در رحم مادر جلوه افروز شدند، و این کرامت باعث اینقدر خیر و برکت است که آن‌ها را حسابی نیست.

مسئله 555: پیغمبر اکرم فرموده‌اند که: در روز جمعه ساعتی است که هر دعائی در آن اجابت می‌شود، ولی این ساعت تعیین نگردیده تا شخص مسلمان تمام ساعات این روز را متوجه بخدا باشد. فضائل روز جمعه در کتب احادیث بسیار است.

بیان آداب جمعه

مسئله 556:

1. از روز پنجشنبه فکر ادای نماز جمعه را داشتن.
2. در روز جمعه غسل نموده موی سر و غیره تراشیدن.
3. بعد از غسل بهترین لباس را که در اختیار دارد پوشیدن.
4. عطر خوشبوئی استعمال کردن.
5. ناخن گرفتن.
6. اول وقت به مسجد جامع رفتن.

بیان فضائل نماز جمعه

مسئله 557: نماز جمعه فرض عین است از قرآن مجید و احادیث متواتره و اجماع امت ثابت است و از اعظم شعائر اسلام است منکر آن کافر و بدون عذر تارک آن فاسق است.

قول تعالی: ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَوٰةِ مِن يَوۡمِ ٱلۡجُمُعَةِ فَٱسۡعَوۡاْ إِلَىٰ ذِكۡرِ ٱللَّهِ وَذَرُواْ ٱلۡبَيۡعَۚ ذَٰلِكُمۡ خَيۡرٞ لَّكُمۡ إِن كُنتُمۡ تَعۡلَمُونَ ٩﴾ [الجمعة: 9].

یعنی: «ای کسانی که ایمان آورده اید وقتی که ندا در داده شد برای نماز در روز جمعه بشتابید به سوی ذکر خدا و معامله را ترک کنید این بهتر است برای شما اگر بدانید».

پیغمبر اکرم فرموده‌اند: هر که روز جمعه غسل کند بعد خوشبوئی و عطر استعمال نماید و به سوی مسجد جامع برود و بعد از ورود بدون اینکه بر گردن مردم قدم بگذارد و هر اندازه نماز نفل بتواند بخواند، وقتی که امام برای خطبه خواندن بلند شد سکوت کند و خطبه را استماع نماید، از جمعه گذشته تا اکنون همه گناهان آن معاف می‌گردد.

نماز جمعه بر چه اشخاصی واجب است

1. مقیم بودن. لذا بر مسافر جمعه فرض نیست.
2. صحیح و سالم بودن، بر مریض جمعه واجب نیست، مقصود مرضی است که مانع باشد از پیاده رفتن مریض تا مسجد جامع هر چه باشد، لذا بر شخص پیر منحنی، و کور، و شل جمعه واجب نیست.
3. مرد بودن، بر زن جمعه فرض نیست.
4. آزاد بودن، بر غلام نماز جمعه واجب نیست.
5. نبودن عذرهائی که به واسطه آن‌ها ترک جماعت جائز است، مثلا باران بشدت ببارد و یا از مریض پرستاری کردن، ترس از دشمن در رفتن به سوی مسجد جامع و غیره.
6. بالغ بودن.
7. عاقل بودن.
8. مسلمان بودن.

مسئله 558: اگر کسی با وجود نبودن این شرایط نماز جمعه را خواند نمازش جائز و فرض ظهر از ذمه‌اش ساقط می‌شود.

بیان شرط‌های صحت جمعه

1. در شهر و قصبه و دهات بزرگ نماز جمعه جائز است.
2. در وقت نماز ظهر پیش از وقت ظهر یا بعد از آن نماز جمعه جائز نیست.
3. خواندن خطبه پیش از نماز در جلوی مردم اگرچه به گفتن «سُبحَانَ الله» و «الحَمدُ لله» اکتفاء شود، و اگر خطبه بعد از نماز خوانده شود نماز جائز نیست.
4. در وقت ظهر خواندن، اگر پیش از وقت ظهر یا بعد از آن خوانده شود جائز نیست.
5. جماعت یعنی سه نفر غیر از امام از شروع خطبه تا سجده رکعت اول حاضر باشند، به شرطی که این سه نفر امامت باشند، یعنی امامت آن‌ها شرعا جائز باشد.
6. با اجازه امام علی الاشتهار نماز جمعه را خواندن، لذا در یک جای خاص پنهان شده نماز را خواندن جائز نیست و همچنین در جائی که به عموم اجازه ورود داده نشود.

بیان مسائل خطبه

مسئله 559: وقتی مردم جمع شدند امام بر منبر بنشیند و مؤذن روبروی امام ایستاده اذان دهد بعد از اذان فورا امام ایستاده شود و خطبه شروع نماید.

مسئله 560: در خطبه دوازده چیز سنت است.

1. ایستاده خطبه را خواندن.
2. دو خطبه خواندن.
3. در میان دو خطبه به اندازه‌ای که سه مرتبه «سبحان الله» گفته شود نشستن.
4. پاک بودن خطیب یعنی وضوء کامل داشتن.
5. در وقت خواندن خطبه به طرف مردم روآوردن.
6. پیش از شروع خطبه آهسته «أَعُوذُ بِاللهِ مِنَ الشَّیطَانِ الرَّجِیمِ» گفتن.
7. خطبه را طوری خواند که مردم بشنوند.
8. در خطبه تقریبا هشت مضمون بیان کردن.

1- شکر خدا. 2- تعریف ذات پروردگاری. 3- بیان چگونگی و یکتائی خدا. 4- بیان رسالت محمد الرسول الله. 5- درود فرستادن بر پیغمبر. 6- پند و اندرزهای لازم. 7- نصیحت. 8- خواندن مقداری از قرآن عظیم الشان. در خطبه دومی بجای وعظ برای مسلمانان دعا کردن.

1. دراز نکردن خطبه.
2. بر منبر خواندن خطبه و اگر منبر نباشد به چیزی دیگر تکیه کردن خطبه را خواندن.
3. هر دو خطبه را به زبان عربی خواندن و در موارد لزوم به زبانی دیگر تفسیر کردن اشکالی ندارد.
4. سامعین خطبه رو به طرف قبله نشستن.

مسئله 561: در خطبه دومی برای آل و اصحاب و ازواج مطهرات خصوصا خلفاء راشدین رضوان الله علیهم اجمعین دعا کردن مستحب است، و همچنین دعا کردن برای پیشوا و رهبر کشور اسلامی جائز است.

مسئله 562: وقتی امام برای خطبه ایستاده شد نماز خواندن، با همدیگر صحبت کردن مکروه است.

مسئله 563: وقتی خطبه شروع شود بر تمام حاضرین استماع واجب است، خواه با امام نزدیک باشد یا دور و دیگر کارها ناجائز است.

مسئله 564: اگر کسی سنت می‌خواند خطبه شروع شد اگر مؤکده است تمام کند، و اگر مؤکده نیست دو رکعت خوانده سلام دهد.

مسئله 565: در میان دو خطبه وقتی امام می‌نشیند، دست بلند کردن برای دعا مکروه است، البته به قلب دعا کردن بدون اینکه دست بلند شود یا به زبان چیزی گفته شود جائز است.

مسئله 566: خطبه را از روی نوشته خواندن جائز است.

مسئله 567: در وقت ذکر نام پیغمبر اگر مقتدیین به قلب خود درود بفرستد جائز است.

بیان مسائل نماز جمعه

مسئله 568: بهتر این است که هر که خطبه را می‌خواند نماز را همان بخواند و اگر کسی دیگر بخواند جائز است.

مسئله 569: بعد از تمام شدن خطبه فورا نماز شروع شود و در میان نماز و خطبه انجام دادن کار دنیائی مکروه است، البته اگر امر دینی باشد اشکالی ندارد.

مسئله 570: نماز جمعه را اینطور نیت کند: «نَوَیتُ أَن أَصَلِّي رَکعَتَيِ الفَرضِ صَلوةَ الجُمعَةِ» یعنی اراده کردم که دو رکعت فرض جمعه را بخوانم.

مسئله 571: بهتر است که نماز جمعه در یک شهر یکجا خوانده شود.

مسئله 572: اگر کسی در قعده آخر یا بعد از سجده سهو داخل جماعت جمعه شد شرکت آن جائز است و نماز جمعه را بخواند نه ظهر را.

مسئله 573: بعد از نماز جمعه بعضی اشخاصی ظهر احتیاطی می‌خوانند این کار مطلقا جائز نیست.

بیان نماز عیدین

مسئله 574: تاریخ اول ماه شوال را عید فطر می‌گویند، و تاریخ دهم ذی الحجة را عید اضحی می‌نامند، این دو روز در اسلام روز عید و خوشی است، و بعنوان شکرانه دو رکعت نماز در این دو روز واجب است، همه آن شرایط که برای صحت و وجوب نماز جمعه ذکر شد برای صحت و وجوب عیدین شرط است، غیر از خطبه که در جمعه خطبه فرض و شرط است و پیش از نماز خوانده می‌شود و در عیدین خطبه شرط نیست بلکه سنت است و بعد از نماز خوانده می‌شود، البته شنیدن این خطبه مثل خطبه جمعه واجب است و در وقت خواندن غیر از استماع هیچ کاری دیگر جائز نیست.

سنت‌های روز عید فطر

مسئله 575: در روز عید فطر سیزده چیز سنت است.

1. مطابق شریعت اصلاح کردن.
2. غسل نمودن.
3. مسواک زدن.
4. بهترین لباسی را که در اختیار دارد پوشیدن.
5. عطر استعمال کردن.
6. صبح زود بلند شدن.
7. به عیدگاه زود رفتن.
8. پیش از رفتن به عیدگاه صدقه فطر را اداء کردن.
9. پیش از رفتن به عیدگاه خوردن شیرینی یا هر چیزی که باشد.
10. نماز عید را در عیدگاه خواندن.
11. از راهی که به عیدگاه رفته از غیر آن برگشتن.
12. پیاده به عیدگاه رفتن.
13. در راه آهسته تکبیر را گفتن.

مسئله 576: طریقه ادای نماز عید فطر این است که این چنین نیت کند: «نیت کردم بخوانم دو رکعت نماز عید فطر که واجب این وقت است با تکبیراتش اقتدا کردم به امام حاضر». بعد از نیت الله أکبر گفته دست‌ها را بلند کرده به نرمه دو گوش برساند، و بعد دست‌ها را ببندد و «سُبحَانَکَ اللهُمَّ» را بخواند، بعد سه مرتبه تکبیر گفته دست‌ها را بلند کند و بعد از گفتن سه تکبیر دست را ببندد و سوره مبارکه فاتحه و مقداری از قرآن مجید را خوانده رکوع و سجده را انجام دهد، و در رکعت دوم بعد از خواندن الحمد و سوره پیش از رکوع سه مرتبه تکبیر بگوید، و دست‌ها را بلند نماید و بعد از تکبیر سوم دست‌ها را نبندد بلکه به پهلو اندازد و تکبیر چهارم را گفته به رکوع برود.

مسئله 577: در رکعت اول هر نماز پیش از خواندن الحمد گفتن «أَعُوذُ بِاللهِ مِنَ الشَّیطَانِ الرَّجِیمِ» و «بِسمِ اللهِ الرَّحمنِ الرَّحِیمِ» و در رکعت‌های دیگر پیش از خواندن الحمدلله «بِسمِ اللهِ الرِحمنِ الرَّحِیمِ» سنت است.

مسئله 578: بعد از اداء نماز عید امام بر منبر ایستاده دو خطبه بخواند و در میان دو خطبه مثل خطبه نماز جمعه به اندازه سه تسبیح بنشیند.

مسئله 579: بعد از نماز عید اگر چه از پیغمبر اکرم و صحابه و تابعین دعا روایت نشده ولی چونکه عموما بعد از هر نماز دعا کردن سنت است، لذا بعد از نماز عید دعا کردن مسنون خواهد بود.

مسئله 580: طریق خواندن نماز عید اضحی (قربانی) مثل عید فطر است با این فرق که در عید فطر قبل از رفتن به عیدگاه خوردن شیرینی سنت است، و در عید اضحی نخوردن، و در راه عید فطر تکبیر آهسته بگوید، و در راه عیدگاه در روز عید قربان تکبیر بلند گفته شود.

مسئله 581: در عیدگاه غیر از نماز عید نماز دیگری قبل از اداء نماز عید و بعد از ادای نماز عید مکروه است.

مسئله 582: بر کسانی که نماز عید واجب نیست برای آن‌ها هم خواندن نماز نفل پیش از اداء نماز مکروه است.

مسئله 583: در خطبه عید فطر احکام صدقه فطر را و در خطبه عید اضحی احکام قربانی را به مردم تعلیم دهد.

مسئله 584: بعد از اداء نماز فرض صبح روز بعد تا اداء عصر روز سیزدهم گفتن تکبیر تشریق بر هر نمازگزار واجب است، زن باشد یا مرد، به جماعت نماز بخواند یا تنها، البته زن‌ها تکبیر را آهسته بگویند و بعد از نماز فرض فورا گفته شود.

مسئله 585: اگر امام تکبیر گفتن را فراموش کرد مقتدیین به آواز بلندی تکبیر را بگویند.

مسئله 586: بعد از نماز عید نیز گفتن تکبیر واجب است.

مسئله 587: نماز عید در مساجد متعدد بالاتفاق جائز است.

مسئله 588: اگر کسی به جماعت نرسید نمی‌تواند تنها نماز عید را بخواند و همچنین اگر کسی شریک جماعت بود و نمازش فاسد گردید نمی‌تواند قضا بجا آورد و قضا هم واجب نمی‌شود، البته اگر چند نفر دیگر پیدا شدند می‌تواند با آن‌ها نماز را بخواند.

مسئله 589: اگر به واسطه عذری در روز اول نماز خوانده نشد در تاریخ یازدهم و اگر در یازدهم نیز خوانده نشد در تاریخ دوازدهم نماز عید قربان را بخواند.

مسئله 590: بدون عذر تاخیر نماز عید قربان تا روز دوازدهم ذی الحجة جائز است، ولی کراهیت دارد و بدون عذر تاخیر نماز عید فطر جائز نیست، صورت‌های عذر متعدد است، منجمله: باریدن باران به شدت، عدم تحقق ماه و غیره.

مسئله 591: اگر کسی بعد از فارغ شدن امام از تکبیرات داخل نماز شد، اگر در حالت قیام است بعد از نیت کردن فورا تکبیرات را بگوید اگر چه امام قرائت می‌خواند و اگر در حالت رکوع امام را دریافت در صورتی که گمان غالب است که بعد از گفتن تکبیرات امام را در رکوع در می‌یابد و در رکوع بجای تسبیحات رکوع تکبیرات را بگوید، و اگر پیش از تمام شدن تکبیرات امام از رکوع بلند شد همراه امام بلند شود و بقیه تکبیرات از آن معاف است.

مسئله 592: اگر کسی بعد از خواندن یک رکعت داخل جماعت شد در وقت خواندن این رکعت اول قرائت بخواند و بعد تکبیرات را بگوید.

مسئله 593: اگر امام گفتن تکبیرات را فراموش کرد و به رکوع رفت در حالت رکوع تکبیرات را بگوید و به قیام برنگردد، و اگر برگشت و تکبیرات را گفت نماز جائز است، و در هر صورت به واسطه ازدحام سجده سهو واجب نمی‌شود.

احکام اذان و اقامه

مسئله 594: اذان و اقامت سنت مؤکده می‌باشد، فقط برای نمازهای فرض، اگر چه تنهاگزار باشد، و یا نماز وقتی یا قضائی را بخواند، و یا مسافر و یا مقیم باشد.

مسئله 595: اذان و اقامت برای مردان سنت است و برای زنان مکروه است.

مسئله 596: اذان پانزده جمله می‌باشد: «اللهُ أَكْبَرُ» چهار مرتبه، یعنی خدای تعالی بزرگ‌تر از آن است که او را وصف کند، «أَشْهَدُ أَنْ لاَ إِلَهَ إِلاَّ اللهُ» دو مرتبه یعنی شهادت می‌دهم اینکه هیچ معبودی سزاوار پرستش نیست غیر از خدای یگانه و یکتا، «أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدَ رَسُوْلُ اللهِ» دو مرتبه یعنی شهادت می‌دهم اینکه محمد فرستاده شده خداست، «حَيَّ عَلَى الصَّلاةِ»دو مرتبه یعنی بشتاب برای نماز، «حَيَّ عَلَى الفَلاَحِ» دو مرتبه یعنی بشتاب برای رستگاری، «اللهُ أَكْبَرُ» دو مرتبه یعنی خداوند بزرگوارتر است از آنچه که او را وصف نمایند، «لاَ إِلَهَ إِلاَّ اللهُ» یک مرتبه یعنی خدائی سزاوار پرستش نیست مگر خدائی یکتا و بی‌همتا است.

مسئله 597: در اذان صبح بعد از «حَيَّ عَلَى الفَلاَحِ» دو مرتبه «الصَّلاةُ خَیرٌ مِنَ النَّومِ» گفته شود، یعنی نماز بهتر است از خواب، و در اقامت بعد از «حَيَّ عَلَى الفَلاَحِ» دو مرتبه «قَد قَامَتِ الصَّلاةُ» گفته شود یعنی به تحقیق که نماز اقامه شد.

مسئله 598: در اذان بعد از گفتن هر کلمه به اندازه‌ای که شنونده او را اجابت نماید درنگ کند و در گفتن اقامت تعجیل نماید.

مسئله 599: اذان به فارسی جائز نیست، اگرچه دانسته شود که این اذان است.

مسئله 600: پنج چیز برای مؤذن مستحب است.

1. اینکه اذان دهنده شخص پرهیزگار باشد.
2. دانا به دستورات شریعت باشد و اوقات نماز را خوب بشناسد.
3. با وضوء متوجه به طرف قبه اذان دهد.
4. در موقع اذان دست‌ها را در گوش‌های خود بنماید.
5. در موقع گفتن «حَيَّ عَلَى الصَّلاةِ»روی خود را بطرف راست و در موقع «حَيَّ عَلَى الفَلاَحِ» بطرف چپ بگرداند.

مسئله 601: باید آنقدر فاصله بین اذان و اقامه باشد که مقتدیین حاضر گردند ولی با مراعات کردن وقت مستحب نماز.

مسئله 602: در اذان مغرب فاصله بین اذان و اقامه به اندازه قرائت سه آیه مستحب است.

مسئله 603: خوش آوازی که منجر به تغییر کلمات گردد در اذان مکروه است.

مسئله 604: اذان دادن واقامه گفتن بی‌وضوء، و جنب، و کودک هنوز عقل ندارد، و دیوانه و مست، و زن، و فاسق، و نشستن مکروه است.

مسئله 605: صحبت کردن در بین اذان و اقامه مکروه است، اگر مؤذن در بین اذان صحبت کرد مستحب است که اذان اعاده شود.

مسئله 606: در روز جمعه اگر در مسجدی غیر از مسجد جامع برای ادای نماز ظهر اذان داده شود مکروه است.

مسئله 607: برای نمازهای قضائی اذان و اقامه سنت است و اگر چه نماز فوتی را می‌خواست قضائی بجا آورد برای اولین وقت قضائی اذان و اقامه سنت است، و برای باقی مخیر است می‌خواهد اذان و اقامه بگوید، و می‌خواهد تنها اقامه بگوید.

مسئله 608: کسانی که اذان را می‌شنوند باید سکوت نمایند و مؤذن را اجابت نمایند مثل مؤذن آن‌ها هم آهسته کلمات را بگویند، و موقعی که مؤذن «حَيَّ عَلَى الصَّلاةِ»و «حَيَّ عَلَى الفَلاَحِ» می‌گویند، شنوندگان «لاَ حَوْلَ وَلاَ قُوَّةَ إِلاَّ بِاللهِ العَلِيِّ العَظِيمِ» بگویند، یعنی نیست گردیدن از معصیت و نیست قدرت بر طاعت مگر به کمک خدای بلند و بزرگ. و در اذان صبح بعد از گفتن مؤذن «الصَّلاةُ خَیرٌ مِنَ النَّومِ» کلمه «صَدَقتَ وَبَرَرتَ» را بگویند، یعنی راست گفتی و نیک نمودی.

مسئله 609: بعد از اذان سنت است که خود اذان دهنده و شنوندگان این دعا را بخوانند:

«اللَّهُمَّ رَبَّ هَذِِهِ الدَّعْوَةِ التَّامَّةِ، وَالصَّلاَةِ القَائِمَةِ، آتِ مُحَمَّداً الْوَسِيْلَةَ وَالْفَضِيْلَةَ، وَابْعَثْهُ مَقَاماً مَحْمُوْداً الَّذِيْ وَعَدْتَهُ، إِنَّكَ لاَ تُخْلِفُ الْمِيْعَادَ»[[19]](#footnote-19).

احکام امامت

مسئله 610: امامت به معنی پیشوا بودن، و در عرف امامت اطلاق بر پیشنمازی می‌شود، شغل پیشنمازی از اذان مهمتر است چون در حیات رسول اکرم و خلفاء راشدین این شغل مختص به خود آنان بود، پیغمبر اکرم به این مضمون دعا فرمودند: «اللَّهُمَّ أَرْشِدِ الأَئِمَّةَ، وَاغْفِرْ لِلْمُؤَذِّنِينَ». یعنی: ای خدایا هدایت فرما پیشنمازان را و مغفرت فرما مؤذنین را.

مسئله 611: نماز خواندن با جماعت سنت مؤکده است برای مردان آزاد که عذر نداشته باشند. در آینده إن شاء الله عذرها بیان می‌شود.

شرایط صحت پیشنمازی

مسئله 612: شرایط صحیح بودن پیشنمازی شش چیز است.

1. اسلام.
2. بلوغ.
3. عقل.
4. مذکر بودن پیشنمازی زن جائز نیست.
5. قدرت بر خواندن قرآن.
6. سالم بودن پیشنماز از عذرها، مثل اینکه پیشنماز نباید خون بینی همیشگی داشته باشد یا سلس البول باشد یا نیمه گنگ باشد.

شرط‌های صحت اقتداء

مسئله 613: شرط‌های صحیح بودن اقتداء کنندگان به پیشنماز چهارده چیز است.

1. نیت اقتدا کننده پیروی امام را و این نیت باید پیوست با تکبیر تحریمه باشد.
2. نیت مرد پیشنمازی را برای زن‌هائی که به آن اقتداء می‌نمایند، اگر پیشنماز نیت امامت را برای زن‌ها نداشت نماز زن‌ها جائز نیست.
3. مقدم بودن پیشنماز بر مقتدیین.
4. اینکه حال امام دون حال مقتدی نباشد، مثل اینکه امام نماز نفل بخواند و مقتدی فرض دیگری را این اقتداء صحیح نیست.
5. اینکه امام مقیم نباشد و مقتدی مسافر بعد از وقت در نمازهای چهار رکعتی و نیز پیشنماز برای مقتدی مسافر شخص نباشد که در اول نماز نبوده.
6. اینکه بین امام و مقتدیین صفی زن‌ها نباشد.
7. اینکه فاصله بین امام و مقتدیین نهری آب که زورق در حرکت باشد وجود نداشته باشد.
8. باید بین امام و مقتدیین جاده فاصله نباشد.
9. فاصله بین امام و مقتدیین دیواری که حالت امام را بر مقتدیین بپوشاند نباشد.
10. اینکه باید امام سواره نباشد و مقتدی پیاده یا برعکس.
11. اینکه مقتدی نباید سواره مرکب غیر مرکب امام خود باشد.
12. نباید امام در کشتی باشد و مقتدیین در کشتی دیگر که دو کشتی با هم پیوست نباشند.
13. اینکه مقتدی نداند از امام خود آنچه مفسد نماز است اگر فهمید که امامش کاری انجام داده در وضوء یا در نماز که مطابق مذهبش مفسد نماز است در این صورت اقتدا صحیح نیست.

مسئله 614: اقتداء وضو دارنده به تیمم گیرنده و اقتداء کسی که اعضاء خود را شسته به پیشنمازی که مسح کشیده بر شکسته بندی عضو خود و همچنین مقتدی که قیام را می‌تواند اداء نماید با امامی که نشست نماز می‌خواند جائز است.

مسئله 615: امامت شخص که کوزه پشت است جائز است.

مسئله 616: اقتداء کسی که به اشاره نماز می‌خواند به پیشنمازی که آن نیز با اشاره نماز می‌خواند جائز است.

مسئله 617: اقتداء کسی که نماز نفل می‌خواند به پیشنمازی که فرض می‌خواند جائز است.

مسئله 618: اگرپیشنماز بعد از پیشنمازی متوجه شد که نمازش به واسطه اینکه وضوء نداشته یا لباسش کثیف بوده جائز نبوده لازم است تا حد مقرر مقتدیین را آگاه سازد که نمازهای خود را اعاده نمایند و خودش نیز نماز خود را اعاده نماید.

احکام اسقاط حضور جماعت

مسئله 619: حاضر شدن جماعت به یکی از هیجده چیز آینده ساقط می‌شود.

1. باران شدید که راه مسجد را صعب العبور نموده.
2. سردی شدید.
3. ترس بر جان خود یا عیال و اولاد و مال اگر به جماعت حاضر شود.
4. تاریکی شدید.
5. زندان بودن.
6. کوری.
7. فلج.
8. قطع بودن دست و پا.
9. مریض.
10. خانه نشین شده بر اثر مرضی که به عضوی از اعضایش سرایت نموده.
11. لجن بودن کوچه‌ها.
12. جا مانده.
13. پیرمردی.
14. تکرار کردن مسائل فقهی.
15. حاضرشدن طعام در موقع گرسنگی زیاد.
16. اراده سفر و آمادگی برای آن.
17. پرستاری از مریض.
18. باد و طوفان شدید در شب.

بیان اشخاصی که برای پیشنمازی مقدمند

مسئله 620: در بین یک عده از مسلمین سزاوارتر به امامت شخص اعلم بهتر می‌تواند با تجوید بخواند امامت دهد، و اگر در قرائت مساوی بودند باید مسن‌تر یعنی شخصی که مسن‌تر است امامت دهد می‌باشد امامت دهد. و اگر در ورع مساوی بودند باید از همه پرهیزگارتر امامت دهد، و اگر در سن مساوی بودند هر یک از جهت اخلاق نیک ترند پیشنمازی دهد، و بعدا اشخاصی که قیافه و شکلشان بهتر است مقدم می‌باشند، و بعد کسانی که از لحاظ اصل و نسب با شرافت می‌باشند مقدم خواهند بود، و بعد کسانی که آواز خوب و بهتری دارند مقدم می‌باشند، و سپس کسانی که از لحاظ وضع لباس پاکیزه پوش و مقیدتر در این مورد هستند مقدم می‌باشند، و اگر در همه این اخلاق مساوی بودند اختیار برای مقتدیین می‌باشد هرکس را که اکثریت تعیین نماید آن مقدم خواهد بود.

مسئله 621: اگر مردم روی اغراض شخصی غیر آن اشخاصی که شریعت بیان فرموده است پیشنماز نمودند همه گنهکار می‌باشند.

مسئله 622: امامت، 1) غلام، 2) کور، 3) بادیه نشین، 4) ولدالزناء جاهل، 5) فاسق، یعنی کسی که کارهای خلاف شریعت را علانیه انجام می‌دهد، 6) متبدع یعنی کسی که کارهای خلاف در مذهب رواج می‌دهد، 7) کسی که نماز را بسیار طویل می‌خواند مکروه است.

مسئله 623: اگر دو نفر می‌خواستند جماعت تشکیل بدهند باید یک نفر مقتدی بطرف راست امام ایستاده شود، و اگر مقتدیین از یک نفر بیشتر بودند سپس پشت امام ایستاده شوند.

مسئله 624: در ترتیب صفوف نماز اول باید مردان صف زنند، و بعدا کودکان، و سپس خنثی‌ها و در آخر زنان.

احکام آنچه مقتدی باید بعد از فراغت امام انجام دهد و انجام ندهد

مسئله 625: اگر امام قبل از اینکه مقتدی التحیات را تمام نماید سلام داد مقتدی التحیات را تمام کند و سلام دهد چون تمام کردن التحیات از واجبات است.

مسئله 626: اگر امام در رکوع و سجده قبل از اینکه مقتدی سه تسبیح را بگوید سر خود را برداشت لازم نیست مقتدی سه مرتبه را تکمیل نماید بلکه متابعت امام نموده سر خود را بردارد.

مسئله 627: اگر امام یک سجده ای را در نماز زیاد نمود یا بعد از قعده آخر به فراموشی حرکت نمود نباید مقتدی متابعت امام را بنماید بلکه فتحه دهد تا امام متوجه شده برگردد، و اگر امام به قیام خود ادامه داد تا اینکه رکعت پنجم را مقید به سجده نمود مقتدی تنها سلام دهد.

مسئله 628: اگر امام پیش از قعده آخر به فراموشی بطرف قیام حرکت کرد مقتدی حرکت ننماید و امام را فتحه دهد که برگردد، و اگر در این صورت پیش از اینکه امام رکعت پنجم را مقید به سجده نماید مقتدی سلام داد نمازش فاسد است.

مسئله 629: اگر مقتدی بعد از اینکه امام التحیات را خواند پیش از سلام دادن امام سلام داد مکروه است.

بیان حالات بعد از نماز

مسئله 630: حرکت نمودن برای ادای سنت بعد از ادای فرض و خواندن دعای مسنونه: «اللَّهُمَّ أَنْتَ السَّلاَمُ وَمِنْكَ السَّلاَمُ وَإِلَیکَ یَرجِعُ السَّلامُ»[[20]](#footnote-20). عادت بزرگان دین و مسلمین گذشته می‌باشد.

مسئله 631: مستحب است اینکه امام بعد از سلام دادن بطرف چپ محراب برای خواندن نماز سنت که بعد از ادای فرض ظهر و شام و مغرب است مایل شود، و بعد از ادای سنت رو به طرف مردم نماید و کلمه استغفار را بگوید، و آیة الکرسی را بخوانند، و هر یک از جمله‌های متبرکه «سُبحَانَ اللهِ، والحَمدُلِلهِ، واللهُ أَکبَر» را سی و سه مرتبه امام و مقتدیین بگویند، و یک مرتبه جمله مبارکه «لاَ إِلَهَ إِلاَّ اللهُ وَحْدَهُ لاَ شَرِيْكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ»[[21]](#footnote-21). را بگویند درحالی که دست‌ها را به درگاه کبریائی بلند نموده و برای خود و مسلمین دعا نمایند. چون از رسول اکرم روایت است که: بعد از فرض موقع اجابت دعاها است.

احکام جنایز

احکام محتضر

مسئله 632: مسلمانی را که محتضر است یعنی در حال جان دادن می‌باشد زن باشد یا مرد شخص مزبور را بر پشت دراز کرده و هر دو پایش را بطرف قبله کنند، و در زیر سرش بالش و غیره بنهند تا روی آن به سوی قبله شود و به اطرافش نشسته کلمه طیبه را بلند بخوانند تا بشنود و بگوید، و به آن دستور گفتن داده نشود زیرا وقت بسیار نازکی است و معلوم نیست چه از دهانش بیرون آید.

مسئله 633: هرگاه یک مرتبه کلمه جاری کرد خاموش شده دورش بنشینند و کوشش کنند که مرتبا کلمه بگوید، چون مقصود که در این لحظات کلمه بگوید حاصل شد، البته اگر بعد از کلمه جاری کردن سخن دنیوی زده مجددا بلند کلمه بگویند تا آن هم کلمه جاری کند.

مسئله 634: وقتی نفس تند برود و پاها سست شود و بینی زرد و کج گردد، مرگ نزدیک رسیده و در این وقت مرتبا به آواز بلند کلمه طیبه را بخوانند.

مسئله 635: از خواندن سوره مبارکه یاسین در شدائد مرگ تخفیف می‌شود، لذا بالای سر آن نشسته تلاوت گردد.

مسئله 636: در این وقت صحبت دنیائی که دلش به سوی دنیا تمایل کند گفته نشود، زیرا که وقت جدائی از دنیا و رسیدن به پیشگاه پروردگار است لذا کلماتی گفته شود که رغبت به سوی خدا بیشتر و از دنیا متنفر و بیزار گردد.

مسئله 637: در وقت مرگ اگر کلمات کفریه از دهانش بیرون آید به آن توجهی نباید کرد، زیرا به واسطه سختی مرگ عقل را از دست داده بدون قصد و اراده کلمات از زبانش بیرون می‌آید و در این حال هرچه بگوید معاف است.

مسئله 638: بعد از بیرون شدن روح از بدن همه اعضایش درست کرده شود چشم‌هایش به مالیدن انگشت بسته و پارچه‌ای از زیر زنخدانش برده بر سرش گره زنند تا دهانش باز نماند و هر دو انگشت بزرگ پاها را بهم ببندند وچادری بالای آن کشیده در فکر غسل و تکفین بر آیند، و در وقت بستن دهان ودیگر اعضاء این دعا را بخوانند: «بِسْمِ اللهِ وَعَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللهِ».

مسئله 639: بعد از مردن محل معطر گردانیده شود و زنان حائضه و نفساء و اشخاصی که احتیاجی به غسل دارند نزد میت ننشینند.

بیان غسل میت

مسئله 640: وقتی وسائل غسل و کفن و قبر آماده شد اولا هفت مرتبه تخته ای که میت بالای آن برای غسل دادن گذاشته می‌شود به خوشبوئی شسته شود، و بعد میت را بالای آن گذاشته لباس میت را درآورند و از ناف تا زانوها که عورت است بپوشانند.

مسئله 641: طریق غسل دادن این است که: اولا میت را استنجاء دهند، به این ترتیب که غسال بدست خود پارچه یا پنبه پیچیده و دست را از زیر لنگ داخل کرده استنجاء دهد، و سپس وضوء دهد بدون مضمضه و استنشاق، بعد آن را بر پهلوی چپ خوابانیده و پهلوی راست را سه مرتبه بشوید و چنان آب بریزد که آب از زیرش جاری گردد، بعد بر پهلوی راست خوابانیده و پهلوی چپ را مثل پهلوی راست بشوید.

مسئله 642: آب باید با اشنان و صابون گرم کرده شود، و اگر این دو موجود نبودند آب تنها کافی است.

مسئله 643: بعد از تمام شدن غسل، غسال میت را بخود تکیه دهد و آهسته شکم آن را دست کشد، و اگر چیزی بیرون آمد آن را شسته و غسل را اعاده نکند و بعد آن را در لنگ پاکی خشک کرده بالای کفن بگذارند. و اگر یک مرتبه تمام بدن میت شسته شود فرض اداء می‌شود.

مسئله 644: در وقت غسل دادن گوش‌ها و بینی را با پنبه و غیره ببندد تا آب داخل نشود.

مسئله 645: اگر میت جنب مرده بود یا زن حائض یا نفاس بود داخل کردن آب در دهان و بینی آن لازم است، و به وسیله پنبه یا پارچه آب را از دهانش بیرون کند.

مسئله 646: وقتی میت را بالای کفن گذاشته بر آن عطر بزنند، و اگر مرد باشد ریش آن را معطرگردانند سپس پیشانی و بینی و کف دو دست و هر دو زانو و کف هر دو پای میت را کافور یا خوشبوی دیگری بزنند.

مسئله 647: موهای میت و ناخن‌های آن کوتاه کرده نشود بلکه بر حال باقی گذاشته شود.

648: اگر مردی فوت کرد و در میان مردان کسی پیدا نشد که آن را غسل دهد زنی که محرم آن باشد آن را غسل دهد، و اگر زن محرمه نبود آن را تیمم دهد، و اگر تیمم دهنده نامحرم باشد دست خود را با پارچه‌ای پیچیده تیمم دهد.

مسئله 649: اگر شوهر زن فوت کرد زن می‌تواند آن را غسل دهد و کفن کند، و اگر زن بمیرد شوهر نمی‌تواند آن را مساس کند، البته نظر کردن و از بالای کفن گرفتن جنازه‌اش را جائز است.

مسئله 650: زن در حالت حیض و نفاس نمی‌تواند میت را غسل دهد.

مسئله 651: برای شستن زن، زنی که از خویشاوندان نزدیک باشد بهتر است، و اگر نبود هر عیال دیندار و متقیه باشد جائز است.

مسئله 652: اگر در وقت شستن میت عیبی را مشاهده کرد، یا صورت آن دگرگون شد به کسی اظهار نکند.

مسئله 653: اگر کسی در دریا غرق شده و فوت کرد هرگاه بیرون آورده شود غسل دادن آن لازم است، و غرق در آب جای غسل را نمی‌گیرد، البته اگر وقت بیرون آوردن به نیت غسل آن را در آب حرکت داد غسل اداء می‌شود، و همین حکم را دارد باریدن باران بر میت.

مسئله 654: اگر تنها سر کسی پیدا شد غسل داده نشود بلکه همانطور دفن شود، و اگر نصف بیشتر بدن پیدا شد خواه با سر باشد خواه بدون سر غسل دادن آن واجب است، و اگر نصف بدن پیدا شد خواه با سر باشد خواه بدون سر غسل دادن آن واجب است، و اگر نصف بدن پیدا شد اگر با سر است غسل واجب و بدون سر غسل واجب نیست،[[22]](#footnote-22) و اگر از نصف کم‌تر است خواه سر باشد خواه نباشد غسل داده نشود.

مسئله 655: اگر میتی دیده شد و معلوم نیست که مسلمان است یا کافر در دارالاسلام، هم غسل داده شود هم کفن و نماز خوانده شود.

مسئله 656: اگر جسد مسلمان‌ها و کفار با هم مخلوط شود در صورت عدم تمیز و شناخت همه غسل داده شوند، و در صورت تمیز و شناخت مسلم از غیر مسلم فقط جنازه مسلمانان غسل داده شود.

مسئله 657: اگر خویشاوند مسلمان کافر بود وفوت نمود جنازه‌اش را بهم مسلک آن بدهند، و اگر هم مسلک نبود یا قبول نکرد به واسطه اقربای مسلمان آن را غسل دهند، نه بطریق سنت بلکه به مثل شیی نجس اگرچه کافر از شستن پاک نمی‌شود.

مسئله 658: بر اشخاص یاغی و دزد که هنگام درگیری با سربازان اسلام کشته می‌شوند غسل داده نشود.

مسئله 659: مرتد اگر بمیرد غسل داده نشود و بهم مذهب آن نیز داده نشود.

مسئله 660: اگر به واسطه نبودن آب میت را تیمم دادند و بعد آب پیدا شد باید غسل داده شود.

احکام کفن

مسئله 661: مرد را در سه پارچه کفن کردن سنت است.

1. لفافه.
2. ازار.
3. پیراهن. و زن را در پنج پارچه سه از آن ذکر شد و دو دیگر عبارت است از:

 1) سربند، 2) سینه بند، مشروح کفن برابر نقشه زیر است:

|  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- |
| نام | طول  | عرض | اندازه لازم |
|  لفافه  | 2 متر  | یک متر و 10 سانت | از سر تا پا و قدری اضافه |
| ازار  | 2 متر | یک متر و 10 سانت | از سر تا پا بدون اضافه |
| قمیص | 2متر | یک متر و 10 سانت | از شانه تا نصف ساق |
| سربند یا چادر | 1متر | تقریبا 30 سانت | موی سر دو حصه کرده در آن پیچیده یک حصه به طرف راست سینه و یک حصه به طرف چپ سینه |
| سینه بند | 1متر و نیم  | تقریبا 7سانت | از زیر بغل تا ناف |

مسئله 662: اگر زن را در پنج پارچه نکردند بلکه به سه پارچه اکتفا نمودند که عبارت از: لفافه، و ازار، و سربند باشد جائز است، و از این کم‌تر مکروه است مگر در صورت عذر.

مسئله 663: کفن سنت برای مرد سه پارچه می‌باشد، اگر به دو پارچه که عبارت از لفافه و ازار کفایت شد جائز است، از این کم‌تر مکروه مگر در صورت عذر.

مسئله 664: کفن را سه تا پنج مرتبه معطر گردانیده بعدا میت را بالای آن بگذارند.

مسئله 665: طریق کفن کردن میت این است که: اول لفافه پهن شود و بالای آن ازار و در بالای ازار پیراهن، و بعد میت بالای آن گذاشته شود، و اگر میت زن باشد موی آن دو حصه کرده یک حصه به طرف راست بالای پیراهن و حصه دیگر به طرف چپ بالای پیراهن و سربند را بالای سر و موها بگذارند و نبندد، بعد طرف چپ ازار را بالای آن پیچیده سپس طرف راست را بعد سینه بند را ببندد، و بعد از بستن سینه بند لفافه اول طرف چپ و بعد طرف راست بر جنازه گردانیده شود.

مسئله 666: بعد از کفن کردن سنت است که فورا برای نماز و دفن بیرون برده شود.

مسئله 667: در بالای کفن عهد نامه یا شجره یا دعائی را گذاشتن جائز نیست.

همچنین نوشتن کلمه طیبه بر سینه و یا نوشتن دعای دیگر جائز نیست.

مسئله 668: اگر حمل ساقط شد باید توجه شود، اگر اعضاء آن درست شده حکم آن حکم بچه مرده است، و اگر درست نشده در پارچه پیچیده شود دفن گردد.

مسئله 669: اگر سر بچه بیرون آمد و زنده بود بعدا مرد حکم بچه مرده را دارد، و اگر اکثر آن بیرون آمده و زنده بود بعدا مرد حکم زنده بر آن جاری می‌شود.

مسئله 670: دختر نزدیک به بلوغ حکم زن را دارد که باید در پنج پارچه کفن شود، و دختر کوچک در پنج پارچه بهتر و در دو پارچه که عبارت از لفافه و ازار است جائز است.

مسئله 671: میت در هر شهر و محلی که فوت نماید همانجا دفن شود، و انتقال بجای دیگر خوب نیست مگر در صورت عذر.

مسئله 672: اگر عضوی از اعضاء یا نصف جسد بدون سر پیدا شد، با پارچه پیچیده دفن شود، و اگر با نصف جسد سر باشد یا از نصف بیشتر پیدا شود کفن مسنون کرده دفن شود.

مسئله 673: اگر قبری بیرون یافته شد و نعش بدون کفن بیرون آمد، کفن کردن آن به طریق سنت واجب است.

احکام نماز جنازه

نماز جنازه در حقیقت دعا است برای میت در پیشگاه «أَرحَمُ الرَّاحِمِینَ».

مسئله 674: شرایئط نماز جنازه همان شرایط نماز است و به اضافه این که خبر مرگ به آن برسد، و اگر کسی از فوت جنازه اطلاع پیدا نکرد معذور است و بر آن نماز جنازه واجب نیست.

مسئله 675: برای صحت نماز جنازه دو قسم شرط است: یکی تعلق به نمازگزار دارد، ودیگری تعلق به میت.

شروطی که در نماز جنازه تعلق به نماز خواننده دارد

1. طهارت.
2. ستر عورت.
3. استقبال قبله.
4. نیت.

شروطی که در نماز جنازه تعلق به میت دارد

میت مسلمان باشد اگرچه فاسق، البته بر یاغی و دزد و قاتل والدین نماز جنازه خوانده نشود بشرطی که یاغی و دزد در حالت جنگ و درگیری کشته شوند.

مسئله 676: اگر پدر یا مادر بچه مسلمان است بر بچه نماز خوانده شود.

مسئله 677: میت عبارت از کسی است که: زنده باشد و بمیرد، اگر مرده بدنیا بیاید میت نیست و نماز بر آن خوانده نشود.

2) بدن و کفن میت از نجاست حقیقه و حکمیه پاک باشد، البته اگر نجاست حقیقه از خود آن بیرون آمده باشد و دور کردن آن باعث حرج است نماز جائز است.

مسئله 678: اگر میت از نجاست حکمیه پاک نباشد یعنی آن را غسل یا تیمم نداده باشند نماز جائز نیست، مگر اینکه بدون غسل دفن شده باشد که بر قبر آن نماز جائز است، و اگر بدون غسل یا تیمم نماز خواندن دفن کرده‌اند باید مجددا بر قبر آن نماز خوانده شود و نماز اولی جائز نیست.

مسئله 679: اگر بدون نماز دفن شده تا سه شبانه روز بر قبر آن نماز خواندن جائز است.

مسئله 680: طهارت مکان برای گذاشتن میت شرط نیست، لذا اگر زمین یا تخته یا تابوت کثیف باشند طوری که کفن نجس نشود و میت بر آن گذاشته نماز خوانده شود نماز جائز است.

3) عورت میت پوشیده باشد و اگر میت کاملا برهنه باشد نماز جائز نیست.

4) میت جلو نمازگزاران گذاشته شود، و اگر در عقب باشد نماز جائز نیست.

5) میت یا آنچه میت بالای آن است بر زمین باشد اگر بالای دست مردمان یا ماشین و غیره باشد نماز جائز نیست.

6) موجود بودن میت و اگر میت موجود نباشد نماز جائز نیست.

مسئله 681: درنماز جنازه دو چیز فرض است:

1. چهار مرتبه تکبیر گفتن.
2. قیام. و بدون عذر ترک قیام جائز نیست، و در این نماز رکوع و سجده و قعده نیست.

مسئله 682: در نماز جنازه سه چیز سنت است:

1. حمد خدا.
2. درود بر حضرت محمد مصطفی.
3. دعا برای میت.

مسئله 683: جماعت در نماز جنازه شرط نیست، لذا اگر یک نفر نماز جنازه را بخواند فرض اداء می‌شود، مرد باشد یا زن، بالغ باشد یا صغیر، البته این نماز با جماعت بهتر است.

مسئله 684: طریق مسنون نماز جنازه این است که: میت جلو گذاشته، امام در مقابل سینه آن ایستاده شود و همه این را نیت بنمایند: نماز می‌خوانیم برای خدا، ثواب برای میت اقتداء کردم به امام حاضر، بعد از نیت الله أکبر گفته هر دو دست را بلند کرده ببندد، و بعد «سُبحَانَکَ اللهُمَّ» را تا آخر بخواند، سپس تکبیر دوم را گفته دست‌ها را بلند نکند، و همان درودی که درنماز خوانده می‌شود بخواند، و بعد از خواندن درودها تکبیر سوم را بگوید بدون اینکه دست‌ها را بلند نماید، و اگر میت بالغ باشد خواه زن این دعا را بخواند: «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِحَيِّنَا وَمَيِّتِنَا، وَشَاهِدِنَا، وَغَائِبِنَا وَصَغِيْرِنَا وَكَبِيْرِنَا، وَذَكَرِنَا وَأُنْثَانَا. اللَّهُمَّ مَنْ أَحْيَيْتَهُ مِنَّا فَأَحْيِهِ عَلَى اْلإِسْلاَمِ، وَمَنْ تَوَفَّيْتَهُ مِنَّا فَتَوَفَّهُ عَلَى اْلإِيْمَانِ».

ترجمه: ای خدایا بیامرز برای زنده ما و مرده ما، و حاضر ما و غائب ما و کوچک و بزرگ ما، و مرد و زن ما. ای خدایا کسی را که تو او را زنده نگهداری از ما او را بر اسلام زنده دار و کسی را که بمیرانی از ما او را بر ایمان بمیران.

و اگر میت پسر صغیر باشد این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ لَنَا فَرَطًا، وَاجْعَلْهُ لَنَا أَجْرًا وَذُخْرًا، وَاجْعَلْهُ لَنَا شَافِعًا مُشَفَّعًا».

ترجمه: ای خدایا، بگردان این را برای ما پیش رو در بهشت، و بگردان این را برای ما مزد و ذخیره عاقبت، و بگردان او را برای ما شفاعت کننده و شفاعت او را در حق ما قبول کرده شده.

و اگر میت دختر صغیره باشد بجای اجعله [اجعلها] و بجای شافعا [شافعة] و بجای مشفعا [مشفعة] بگوید. بعد از این دعا تکبیر چهارم را گفته بدون اینکه دست‌ها را بلند کند به دو طرف سلام دهد.

مسئله 675: در خواندن دعاها و غیره در نماز جنازه امام و مقتدی برابرند، فقط اینقدر فرق دارد که امام تکبیر و سلام را بلند می‌گوید و مقتدی آهسته.

مسئله 686: مستحب است که مردم سه صف گردند حتی اگر هفت نفر باشند، یک نفر امام، سه نفر صف اول، دو نفر صف دوم، و یک نفر صف سوم را تشکیل دهند.

مسئله 687: هر چه مفسد نماز بود مفسد نماز جنازه نیز هست، البته در نماز جنازه خنده قهقهه وضوء را فاسد نمی‌کند، و اگر با زنی از لحاظ صف مقابل شود فاسد کننده نماز نیست در صورتی که این مقابله در نماز فرض نماز مرد را فاسد می‌کند، و نیز خنده قهقهه در نماز فرض وضوء را باطل می‌کند.

مسئله 688: خواندن نماز جنازه در مساجدی که نمازهای پنجگانه و جمعه و عیدین خوانده می‌شود مکروه است چه میت داخل مسجد باشد و چه خارج مسجد.

مسئله 689: تاخیر نماز جنازه برای ازدیاد جماعت مکروه است.

مسئله 690: خواندن نماز جنازه نشسته بدون عذر مکروه است.

مسئله 691: اگرچند جنازه باشد به هر یکی علیحده نماز خواندن بهتر است و اگر همه پهلوی هم گذاشته شود و بر همه یک نماز خوانده شود نیز جائز است.

مسئله 692: اگر میت‌ها از اصناف مختلف باشند، اول مردها دوم پسرها، سوم زن‌ها، و چهارم دخترها گذاشته شوند.

مسئله 693: اگر کسی بعد از این که امام چند تکبیر را گفته رسید فورا تکبیر نگوید، بلکه انتظار بکشد وقتی امام تکبیر گفت تکبیر بگوید و داخل جماعت گردد و همینکه امام سلام داد بقیه تکبیرات را بدون اینکه چیزی بخواند بگوید، و اگر وقتی رسید که امام تکبیر چهارم را گفته فورا تکبیر بگوید و داخل نماز شود و بعد از سلام دادن امام تکبیرات را بگوید.

مسئله 694: اگر کسی در اول جماعت مستعد و آماده برای شرکت در جماعت بود ولی به واسطه غفلت داخل نماز نشد هنوز که امام بعد از تکبیر مشغول خواندن «سُبحَانَکَ اللهُمَّ» می‌باشد فورا تکبیر اول را بگوید و شریک نماز شود، و اعاده آن تکبیر به شرطی که پیش از اینکه امام تکبیر دوم را بگوید شریک جماعت گردد لازم نیست.

مسئله 695: برای امامت مقدم‌تر از هرکس رئیس جمهور یا پادشاه اسلام وقت است، و اگر نبود حاکم شهر، و بعد قاضی، و بعد نائب قاضی. و اگر نائب نبود امام مسجدی که میت در آن نماز می‌خوانده یا ولی و یا کسی که ولی به آن اجازه میدهد.

مسئله 696: اگر بدون اجازه ولی کسی که مستحق امامت نبود نماز خواند ولی میت می‌تواند نماز را اعاده کند و اگر مستحق بود نمی‌تواند.

احکام دفن میت

مسئله 697: دفن کردن میت مانند غسل و نماز خواندن بر آن فرض کفایه است.

مسئله 698: بعد از نماز فورا میت را به سوی قبرستان بردن مستحب است.

مسئله 699: اگر میت بچه کوچک است دست به دست بردن آن مستحب است، و اگر بزرگ است به تابوت گذاشته چهارپایه آن را چهار نفر گرفته ببرند، و بدون عذر بالای ماشین و غیره یا یک نفر آن را نبرد.

مسئله 700: بردن میت را بسرعت نه به اندازه‌ای که جنازه حرکت کند سنت است.

مسئله 701: همراهان جنازه پیش از گذاشتن میت به زمین نباید بنشینند، و اگر عذری باشد نشستن مکروه نیست.

مسئله 702: رفتن مردم در عقب جنازه مستحب است، اگر بعضی از جنازه جلو بروند باکی نیست ولی همه مردم نباید از جنازه جلوتر بروند.

مسئله 703: ذکر کردن همراهان جنازه به آواز بلند یا دیگر چیزی خواندن مکروه است.

مسئله 704: قبر به اندازه نصف قدی حفر شود و از قدی بیشتر نشود.

مسئله 705: لحد کندن از صندوق گذاشتن و یا شق نمودن یعنی در وسط قبر لحد را کندن بهتر است، مگر زمین ریزش داشته باشد که در این صورت گذاشتن میت را به صندوق جائز است.

مسئله 706: وقتی که قبر آماده شد از طرف قبله میت را داخل قبر کنند و طاق یا جفت بودن نفرات سنت نیست، و در وقت گذاشتن میت به قبر گفتن این کلمات مستحب است: «بِسْمِ اللهِ وَعَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللهِ».

مسئله 707: میت را در لحد رو به قبله گذاشتن سنت است، و گره‌های نخ‌هائی که بر کفن بسته شده باز گردد.

مسئله 708: لحد به خشت خام یا گل بسته شود نه آجر و چوب مگر در صورت عذر.

مسئله 709: در وقت گذاشتن زن در قبر پوشیدن قبر مستحب است.

مسئله 710: ریختن خاکی که از قبر بیرون آمده مجددا ریخته شود و بیشتر از آن جائز نیست.

مسئله 711: در وقت ریختن خاک مستحب است که از طرف سر شروع شود و مردم به دست‌ها خاک برداشته بریزند، و در مرتبه اول: ﴿۞مِنۡهَا خَلَقۡنَٰكُمۡ﴾ و در مرتبه دوم بگویند: ﴿وَفِيهَا نُعِيدُكُمۡ﴾ و در مرتبه سوم بگویند: ﴿ وَمِنۡهَا نُخۡرِجُكُمۡ تَارَةً أُخۡرَىٰ ٥٥﴾ [طه: 55].

مسئله 712: بعد از دفن مقداری بر سر قبر ایستادن و برای میت دعا کردن مستحب است.

مسئله 713: روی خاک‌ها پاشیدن آب مستحب است.

مسئله 714: هیچ میتی را در خانه یا بناء مخصوصه نباید دفن نمایند، زیرا این خاصه انبیاء است.

مسئله 715: مربع کردن قبر مکروه است، بلکه مستحب است صورت قبر مثل کوهان شتر به اندازه بیست سانت بلند کرده شود، و از این بیشتر بلند کردن مکروه تحریمی است.

مسئله 716: بعد از دفن بر قبر ساختن عمارت به قصد زینت حرام و بعنوان حفاظت مکروه است، بلکه باید بهمان حالی که قبلا بوده گذاشته شود.

بیان مسائل متفرقه جنازه

مسئله 717: اگر در قبر به فراموشی روی میت را بطرف قبله نکردند و بعد یاد آمد اگر خاک ریخته شده یا لحد بسته گردیده باز کردن جائز نیست.

مسئله 718: رفتن زن‌ها با جنازه مکروه است.

مسئله 719: رفتن زن‌ها نوحه کننده همراه جنازه حرام و ممنوع است.

مسئله 720: موقع گذاشتن میت در لحد و بدین مناسبت اذان دادن مکروه است.

مسئله 721: اگر امام از چهار تکبیر بیشتر بگوید مقتدی از امام پیروی نکند.

مسئله 722: اگر شخص در میان کشتی فوت کرد و بندر دور است و ممکن است جسد متعفن گردد جنازه را غسل و کفن نموده و نماز خوانده شود، و بعد به دریا انداخته شود، و اگر خوف تعفن نیست یا به وسیله سردخانه کشتی می‌شود نگهداری نمود انداختن به دریا جائز نیست.

مسئله 723: اگر شخص دعا نماز جنازه را یاد نداشت، «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ» کافی است، و اگر این دعا را هم یاد نداشت فقط گفتن چهار تکبیر کافی است.

مسئله 724: بعد از دفن بیرون کردن جنازه بدون عذر جائز نیست.

مسئله 725: اگر زنی فوت کرد و بچه در شکمش زنده است پهلوی آن را شکافته بچه بیرون آورده شود، و همچنین اگر میت مال کسی را خورده و در شکم آن موجود است شکم آن را چاک کرده شود و مال را بیرون آورند.

مسئله 726: تعریف میت به شعر و سخن گفتن جائز بشرطی که مبالغه نشود.

مسئله 727: تسلیت دادن نزدیکان میت و شنوانیدن فضائل و ثواب صبر و دعا برای میت و ترغیب دادن آن‌ها را به صبر و شکیبائی جائز است، و این را تعزیه می‌گویند، و تعزیه بیش از سه روز مکروه است، مگر یکی از اقرباء نزدیک میت در سفر باشد در اینصورت بعد از آمدن آن تعزیه جائز است اگرچه بعد از چند روز باشد.

مسئله 728: آماده نمودن کفن از پیش برای خود اشکالی ندارد ولی آماده نمودن قبر مکروه است.

مسئله 729: اگر از قبری درختی بیرون آمد وسبز بود قطع کردن آن مکروه است.

مسئله 730: در یک قبر پیش از یک میت دفن نشود مگر در صورت ضرورت، اگر همه میت‌ها مرد باشند اول علماء و بقیه را عقب، و اگر مرد و زن باشند اول مردها گذاشته شوند و بعد زن‌ها.

مسئله 731: رفتن به گورستان برای مردها مستحب است، و بهتر است که روز جمعه باشد، و همچنین زیارت قبر بزرگان دین بشرطی که عمل خلاف شریعت از آن صادر نشود مستحب است.

احکام شهید

مسئله 732: شخص مسلمان عاقل و بالغ که از جنابت و حیض و نفاس پاک باشد، و به وسیله آلت زخم کننده بدون جرم و گناهی به قتل رسیده باشد، و از طرف شریعت دستور عوض صادر نشود، بلکه قصاص واجب گردد، و بعد از زخم شدن تمتعی حاصل نکند، و اندازه یک وقت نماز بعد از زخم خوردن بهوش خود نباشد، و از محل معرکه بدون عذر منتقل نشده باشد شهید است، و حکم شهید بر آن جائز می‌گردد.

مسئله 733: شهید به معنی شهود، شهود به معنی حاضر شده در پیشگاه عدل الهی و در جنت در احادیث پیغمبر اکرم وارد شده است که: به مجرد شهادت شهید خداوند متعال روح مبارکه شهید را احضار می‌کند و می‌فرماید: هرچه می‌خواهی بخواه، شهید در پیشگاه خداوند متعال عرض می‌کند که: وسیله‌ای فراهم گردد که بر گردم و دو مرتبه در راه رضای تو شهید گردم، خداوند متعال می‌فرماید که: این ممکن نیست و پیام تو را به بندگان خود، خودم می‌رسانم.

 مسئله 734: شهید غسل داده نشود، و خون بدن آن شسته نگردد، و لباس آن بیرون آورده نشود مگر لباس اضافه و اسلحه و پوتین، دیگر احکام شهید مثل باقی مردگان می‌باشد از قبیل نماز و دفن و غیره.

احکام و مسائل حیض و نفاس

مسئله 735: خونی که زن‌ها در هر ماه از محل مخصوصی می‌بینند حیض است.

مسئله 736: حداقل مدت حیض سه شبانه روز و اکثر مدت آن ده شبانه روز است، از سه کم‌تر از ده بیشتر حیض نیست بلکه مستحاضه است که بعلت مرضی می‌بینند.

مسئله 737: اگر سه روز خون دید نه سه شب مثلا از صبح جمعه شروع و بعد از غروب شب یکشنبه قطع شد حیض گفته نمی‌شود.

مسئله 738: در مدت ایام حیض خون هر رنگ غیر از سفیدی که داشته باشد حیض گفته می‌شود.

مسئله 739: از نه سال کم‌تر و از پنجاه و پنج (55) سال بالاتر حیض نمی‌شود، لذا اگر دختری که عمرش به نه سال نرسیده خون ببیند حیض نیست، و از پنجاه و پنج سال بالاتر اگر خون ببیند هم حیض حساب نمی‌شود بلکه استحاضه می‌باشد.

مسئله 740: اگر عادت یک زن این بود که: چهار یا پنج روز خون می‌دیده و در این ماه از عادت خود بیشتر دید اگر از ده روز زیادتر نشد تمامی حیض گفته می‌شود، و اگر از ده بیشتر است به اندازه عادت قبلی حیض و بقیه استحاضه است.

مسئله 741: اگر عادت زنی چهار روز بود و در این ماه پنج روز دید و در ماه بعد پانزده روز از هر ماه پنج روز حیض و بقیه استحاضه می‌باشد، و عادت قبلی آن اعتبار ندارد.

مسئله 742: اگر یک زن عادت معینه نداشت بلکه در یک ماه سه روز و در ماه دیگر هفت روز خون دید، تمام مدت هفت روز حیض است، و اگر در یک ماه بیشتر از ده روز خون دید باید معلوم شود که در ماه گذشته چند روز خون دیده برابر آن ماه حیض حساب می‌شود و باقی استحاضه می‌باشد.

مسئله 743: زنی که تازه بالغ شده تمام مدت یک ماه را خون دید، ده روز حیض حساب نماید و باقی را استحاضه.

مسئله 744: مدت پاکی میان دو حیض حداقل پانزده روز است و اکثر آن را مدتی نیست، لذا اگر مدتهای مدید خون ندید پاک محسوب می‌گردد.

مسئله 745: اگر زنی سه شبانه روز خون دید و پانزده شبانه روز پاک بود و بعد سه روز خون دید سه روز اول و سه روز آخر حیض، و پانزده روز وسط که خون ندید پاک حساب می‌شود.

مسئله 746: اگر یک روز یا دو روز خون دید و پانزده روز پاک بود بعد یک روز یا دو روز خون دید، پانزده روز وسط پاک، و اول و آخر مستحاضه می‌باشد.

مسئله 747: اگر یک روز یا دو روز خون دید و چهارده یا دوازده روز پاک بود و بعد خون دید، این چنین حکم کرده می‌شود که تمام مدت خون جاری بوده، لذا طبق عادت قبلی حیض و بقیه استحاضه می‌باشد.

مسئله 748: اگر زنی حامله خون دید حیض نیست بلکه استحاضه می‌باشد.

مسئله 749: خونی که پیش از ولادت در هنگام درد زایمان دیده می‌شود استحاضه می‌باشد و تا بیرون آمدن نصف بچه همین حکم را دارد.

مسئله 750: در ایام حیض نماز خواندن و روزه گرفتن حرام است، ولی فرق این است که نماز قطعا از ذمه‌اش ساقط می‌شود، و بعد از پاکی قضائی ندارد لکن روزه را باید در ایام پاکی قضائی بجا آورد.

مسئله 751: اگر در بین نماز فرض خون حیض جاری شد آن نماز از ذمه‌اش ساقط می‌شود، و اگر در بین نماز نافله حیض شد باید آن نماز را قضائی بجا آورد.

مسئله 752: اگر در بین روز در ماه رمضان خون حیض جاری گردید روز می‌شکند و باید قضائی آن روزه را بجا آورد.

مسئله 753: در ایام حیض مقاربت با زن حرام است ولی بوسیدن و بغل خوابی اگر شخص بر خود ایمن بود جائز است.

مسئله 754: اگر زنی عادت آن از ده روز کم‌تر بود بعد از پاک شدن از عادت معینه پیش از غسل یا گذشتن وقت نمازی مقاربت با آن جائز نیست.

مسئله 755: اگر عادت یک زن پنج روز بود و چهار روز خون دید و پاک شد باید غسل کند و نماز خواند ولی پیش از تمام شدن عادت مقاربت جائز نیست.

مسئله 756: اگر بعد از ده روز خون ایستاد پیش از غسل کردن مقاربت جائز است.

مسئله 757: اگر بعد از یک روز یا دو روز خون ایستاد غسل واجب نمی‌شود بلکه وضوء گرفته نماز خواند ولی مقاربت جائز نیست، اگر پیش از پانزده روز مجددا خون دید معلوم شد که این وقت زمان حیض است لذا به اندازه عادت قبلی حیض حساب کرده غسل کند و نماز خواند، و اگر پانزده روز گذشت و خون ندید معلوم شد که استحاضه بوده یک یا دو روز که به واسطه آن نماز را ترک کرده قضا آورد.

مسئله 758: اگرعادت یک زن سه روز بود و در این ماه بیشتر خون دید باید صبر کند اگر ده روز یا کم‌تر خون دید حیض حساب می‌شود و عادت آن عوض شده، و اگر از ده روز بیشتر خون دید اندازه عادت قبلی حیض و باقی استحاضه است، و نماز آن روزها را قضائی بجا آورد.

مسئله 759: اگر از ده روز کم‌تر خون ایستاد ولی وقت نماز خیلی تنگ است ملاحظه شود که: آیا این وقت کم گنجایش غسل کردن و گفتن تکبیر تحریمه را دارد یا نه، اگر دارد نماز آن وقت را باید قضائی بجا آورد و اگر ندارد نماز آن وقت معاف است.

مسئله 760: اگر بعد از ده روز خون قطع شد و وقت فقط گنجایش گفتن «الله أکبر» را دارد باید همان وقت را قضائی بجا آورد.

مسئله 761: اگر در ماه رمضان در بین روز پاک شد بقیه آن روز را از خوردن و نوشیدن خودداری کند، ولی روزه حساب نمی‌شود و آن روز را قضائی بجا آورد.

مسئله 762: اگر خون بعد از ده شبانه روز در شب قطع شد روزه روز بعدی واجب می‌شود، اگرچه از شب به اندازه گفتن تکبیر تحریمه باقی نمانده است، و اگر از ده شبانه روز کم‌تر خون دیده و در شب قطع شد اگراز شب به اندازه‌ای که غسل باقی است ولی «الله أکبر» گفته نمی‌شود روزه واجب است، و اگر این اندازه وقت بود و غسل نکرد نیت روزه را بنماید و صبح غسل کند، و اگر این اندازه وقت باقی نبود روزه واجب نمی‌شود ولی از خوردن و آشامیدن باز ایستد.

مسئله 763: وقتی خون به فرج خارج رسید از آن موقع مدت حیض حساب می‌شود.

احکام استحاضه

مسئله 764: حکم استحاضه مثل خون دائمی است که از بینی یا زخم بیرون می‌آید، این چنین زنی باید نماز بخواند و روزه بگیرد و مقاربت با آن جائز است.

**تذکرلازم**: احکام استحاضه مثل احکام معذور است که باید برای هر وقت نماز یک وضوء بگیرد و حکم معذور در گذشته بیان گردید.

احکام نفاس

مسئله 765: نفاس خونی است که پس از زایمان خارج می‌گردد.

مسئله 766: جنین که قبل از موعد مقرر ساقط شود و بعضی از خلقت آن مرتب شده باشد خونی که بعد از آن زن بیند نفاس محسوب می‌شود.

مسئله 767: نفاس حداقل ندارد ممکن است بعد از زایمان یک ساعت یا کم‌تر خون ببیند و پاک گردد و حداکثر آن چهل روز است و زیاده بر چهل استحاضه می‌باشد.

مسئله 768: اگر خون از چهل روز تجاوز نمود و قبلا هم این زن بچه آورده و عادت معینه دارد مثلا در بقیه بچه‌ها بیست روز خون پس از زایمان می‌دیده در این بچه هم نفاسش بیست روز حساب می‌شود. و اگر عادتی معین نداشته و از چهل روز خون متجاوز شد نفاس چهل روز حساب می‌گردد.

مسئله 769: اگر زنی دو بچه آورد نفاسش از بچه اول محسوب می‌گردد اگرچه بین دو بچه چهل روز فاصله باشد.

مسئله 770: برای زن حائض و زنی که در حالت نفاس است و کسی که بر آن غسل واجب شده داخل شدن در مسجد و طواف خانع کعبه و خواندن قرآن و مساس کردن آن حرام است، البته اگر قرآن مجید در پارچه‌ای یا پلاستیک پیچیده باشد مساس کردن آن برای اشخاص مذکور جائز است.

مسئله 771: برای شخص بی‌وضوء مساس کردن قرآن جائز نیست، البته خواندن قرآن از حفظ برای شخص بی‌وضوء جائز است.

روزه

در بیان فضیلت روزه

پیغمبر اکرم فرمودند که: هرکس روزه ماه رمضان را خاص برای خشنودی و رضای پروردگار به اراده ثواب بگیرد تمام گناهان پیشین آن بخشیده می‌شود.

و نیز فرموده‌اند که: بوی دهان روزه دار در قیامت از مشک و عنبر محبوب‌تر است در پیشگاه پروردگار.

و در روایت دیگر آمده که: در روز قیامت برای روزه داران سفره ای پهن می‌شود و آن‌ها از آن می‌خورند و می‌نوشند و حال اینکه اشخاصی در انتظار حساب و کتاب خواهند بود، و خواهند گفت که: این‌ها کیستند که می‌خورند و می‌نوشند و ما در انتظار بسر می‌بریم؟ جواب می‌شنوند که: این‌ها برای خدا روزه گرفتند و شما روزه را خوردید. روزه یکی از ارکان دین مبین اسلام و ترک آن گناه کبیره می‌باشد.

مسئله 772: روزه ماه رمضان بر هر مسلمان عاقل و بالغ فرض است و بدون عذر اداء می‌شود.

مسئله 773: اگر کسی نذر کرد که روزه ماه رمضان را بگیرد به واسطه نذر روزه فرض اداء می‌شود.

مسئله 774: روزه ماه رمضان و روزه قضائی و کفاره فرض است. و غیر این‌ها نفل که گرفتن آن باعث ثواب و ترک آن گناه نیست، البته در سال پنج روز روزه گرفتن حرام است.

1. روز عید رمضان.
2. روزعید قربان.
3. روز یازده.
4. روز دوازده.
5. روز سیزده ذی الحجة، یعنی سه روز بعد از عید قربان.

مسئله 775: روزه اصطلاحا به معنی ترک خوردن و نوشیدن و جماع کردن از طلوع صبح صادق تا غروب آفتاب با نیت روزه می‌باشد.

مسئله 776: به زبان نیت کردن یا چیزی گفتن لازم نیست بلکه در دل نیت روزه را داشته باشد کافی است، و اگر به زبان نیت کند بهتر است تا زبان و دل موافق گردند.

مسئله 777: اگر کسی همه روز از خوردن و نوشیدن و جماع باز ایستاد لکن نیت روزه نداشت روزه دار گفته نمی‌شود.

مسئله 778: در شریعت وقت روزه از طلوع صبح صادق شروع می‌شود، لذا پیش از طلوع همه کارها جائز است اگرچه نیت و قصد روزه کرده باشد.

مسائل و احکام روزه‌ی ماه رمضان

مسئله 779: روزه ماه رمضان را از شب نیت کند جائز است، و اگردر شب نیت نکرد روز تا پیش از زوال (نیمه روز) نیت کردن جائز است.

مسئله 780: در ماه رمضان اینقدر برای نیت کافی است که به زبان یا قلب تصمیم بگیرد و بگوید که: فردا روزه می‌گیرم اگر چه اسمی از فرض یا رمضان به زبان نیاورد.

مسئله 781: کسی نذر کرد که: اگر فلان کارم درست شود دو روز برای خدا روزه خواهم گرفت، بعد از درست شدن کارش در ماه رمضان نیت روزه نذری می‌کند روزه رمضان اداء می‌شود نه آنچه نیت کرده.

مسئله 782: درتاریخ 29 شعبان اگر ماه رمضان دیده شد فبها وإلا روزه گرفتن آن روز مکروه است مگر برابر به عادت هر ماهه آن باشد.

مسئله 783: اگر به واسطه ابری بودن آسمان در تاریخ 29 شعبان ماه دیده نشد روز تا پیش از زوال چیزی نخورده و ننوشد، اگر از جائی خبر دادن ماه رسید نیت روزه کند وإلا نه.

مسئله 784: اگر در تاریخ 29 شعبان ماه رمضان دیده نشد کسی این چنین فکر نکند: حال که ماه دیده نشد روزه قضائی یا نذر می‌گیرم، زیرا که در این روز روزه قضائی و نذر هم مکروه است، و اگر با وجود این نیت قضائی یا نذر را کرد بعدا خبر دیدن ماه از منابع معتبر رسید روزه رمضان حساب می‌شود قضائی یا نذر را در وقت دیگری بگیرد.

احکام دیدن ماه

مسئله 785: اگر آسمان ابری است که به واسطه آن ماه دیده نمی‌شود در این حالت یک نفر مسلمان پرهیزگار گواهی داد که: من ماه را دیده‌ام، گواهی‌اش معتبر و ماه ثابت می‌شود، مرد باشد یا زن.

مسئله 786: اگر به واسطه ابر و غیره ماه عید دیده نشد شهادت یک نفر هر که باشد جائز نیست، بلکه شهادت دو مرد با اوصاف ذکر شده یا یک مرد و دو زن معتبر است.

مسئله 787: کسی که پایبند دین نیست و واضح و علناً گناه می‌کند، مثلا نماز نمی‌خواند، و روزه نمی‌گیرد، دروغ می‌گوید سخن آن را هیچ اعتباری نیست اگر چه قسم یاد کند و چند نفر هم باشند.

مسئله 788: این گفته مشهوره بین عوام الناس که: روز چهارم ماه رجب روز اول ماه رمضان است اعتباری ندارد.

 مسئله 789: اگر آسمان صاف باشد به شهادت دو یا چهار نفر ماه ثابت نمی‌شود بلکه باید جماعت بزرگی باشد که امکان دروغ گفتن همه آن‌ها نباشد، آنگاه دیدن ماه ثابت می‌شود.

مسئله 790: اگر در تمام شهر مشهور شد که شب ماه دیده شد و بسیاری ماه را دیده‌اند، ولی با وجود تلاش کسی یافت نشد که بگوید: من ماه را دیده‌ام، این چنین شایعه هیچ اعتباری ندارد.

مسئله 791: اگر شخص تنها ماه را دید و بس، بر آن لازم است که روزه بگیرد نه بر دیگران، و اگر سی روز تمام شد و ماه دیده نشد، سی و یکمین روز را باید روزه بگیرد، و با دیگران عید کند.

مسئله 792: اگر شخص ماه عید را دید و غیر آن هیچکس ندید دیدنش اعتبار ندارد و باید روزه بگیرد.

مسئله 793: اگر در یک شهری ماه دیده شد برای تمام شهرها ماه ثابت است اگرچه بین این شهر و بقیه شهرها فاصله زیادی باشد.

مسئله 794: اگر به شهادت دو نفر واجد الشرایط ماه ثابت شد و به همان حساب سی روز روزه گرفتند، و ماه دیده نشد خواه آسمان صاف باشد خواه نه، در روز سی و یکمین افطار کنند و آن روز روز اول شوال دانسته شود.

مسئله 795: اگر در روز سی‌ام ماه دیده شد، ماه از شب آینده حساب می‌شود خواه پیش از زوال باشد یا بعد از زوال.

مسئله 796: خبر دیدن ماه به وسیله نامه، یا رادیو، یا تلفن بی‌سیم، و تقویم از لحاظ شرعی معتبر نیست مگر علامت دیگری که مؤید و مفید یقین باشد به آن بپیوندد که در این صورت معتبر خواهد بود.

احکام روزه نذر

مسئله 797: اگر کسی نذر کرد وفا به نذر واجب و ترک آن گناه است.

مسئله 798: نذر بر دو قسم است: اول که: تاریخ مقرر و معین کند به این طور که بگوید: یا الله! اگر فلان کار من انجام گیرد فردا برای رضای تو روزه می‌گیرم، یا مثلا روز جمعه آینده را، در این چنین نذری اگر از شب نیت کند جائز است، و اگر از شب نیت نکند ولی تا یک ساعت پیش از زوال (نیمه روز) نیت نماید نیز جائز است و نذر اداء می‌شود.

مسئله 799: اگر کسی روزه گرفتن روز جمعه را نذر کرد و چون جمعه آمد همینقدر گفت که: امروز روزه می‌گیرم، و تعیین نکرد و یا نیت نفل کرد در هر دو صورت نذر اداء می‌شود، اگر نیت قضائی کرد قضائی محسوب می‌شود، و نذر را باید روز دیگر بگیرد.

مسئله 800: قسم دوم از نذر این است که: تاریخ معین نکند بلکه بگوید: اگر فلان کارم انجام گرفت یک یا چند روز روزه خواهم گرفت، در این قسم نذر نیت برای روزه از شب شرط است.

احکام روزه نفل

مسئله 801: روزه نفلی را معین کرده بگیرد به اینطور که بگوید: روزه نفلی می‌گیرم هم جائز است، و اگر معین نکند بلکه بگوید: روزه می‌گیرم نیز جائز است.

مسئله 802: اگر شخص پیش از زوال نیت روزه نفلی بنماید بشرطی که از طلوع صبح صادق عملی خلاف روزه انجام نداده جائز است.

مسئله 803: به غیر از ماه رمضان و پنج روز ممنوعه در همه روزها می‌تواند شخص روزه نفلی بگیرد.

مسئله 804 اگر کسی روزه روز عید را نذر کرد باید روز عید را بخورد و روز دیگر عوض آن را بگیرد.

مسئله 805: اگر کسی نذر کرد که تمام سال را روزه بگیرد همان پنج روز ممنوعه را بخورد و بقیه همه سال را بگیرد و آن پنج روز را قضا بجا آورد.

مسئله 806: روزه نفلی به نیت واجب می‌شود، لذا اگر کسی نیت روزه کرد وبعد خورد باید قضائی بگیرد.

مسئله 807: اگر کسی شب نیت کرد که: فردا روزه بگیرد ولی پیش از طلوع صبح نیت خود را عوض کرد و روزه نگرفت قضا واجب نمی‌شود.

مسئله 808: بدون اجازه شوهر زن نمی‌تواند روزه نفلی بگیرد، و اگر بدون اجازه روزه نفلی گرفت به دستور شوهر باید بشکند و هرگاه فرصت داشت قضا بگیرد.

مسئله 809: اگر برای شخص مهمان آمد یا کسی دعوت کرد او را، و اگر نرود ناراحتی پیش می‌آید به این دو واسطه شکستن روزه نفلی جائز است.

مسئله 810: روز دهم محرم روزه گرفتن مستحب است، و در حدیث آمده که: به حرمت روزه روز دهم محرم خداوند متعال گناهان صغیره یکساله را معاف می‌فرماید، و همچنین روزه روز نهم ذی الحجة مستحب است، و اگر از اول ذی الحجة تا نهم بگیرد بهتر است.

مسئله 811: روز پانزدهم شعبان و شش روز بعد از عید رمضان روزه نفلی از دیگر نوافل بهتر است.

مسئله 812: روز سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم هرماه ایام بیض نامیده می‌شوند، در این سه روز روزه گرفتتن فضیلت بسیار دارد که در احادیث بیان شده است.

مسئله 813: روزه روزهای دوشنبه و پنجشنبه دارای ثواب زیادی است.

بیان چیزهائی که شکننده روزه نیست و یا هست، کفاره و قضا، یا قضای لازم می‌آید

مسئله 814: اگر شخص روزه دار به فراموشی چیزی خورد یا نوشید یا جماع کرد روزه فاسد نمی‌شود اگر چه مکررا این اعمال را انجام دهد.

مسئله 815: اگر کسی را دید که به فراموشی می‌خورد یا می‌نوشد اگر آن شخص قوی الجثة می‌باشد بیاد آوردنش واجب است، و اگر ضعیف است که به واسطه روزه گرفتن اذیت می‌شود بیادش نیاورد و بگذارد که بخورد.

مسئله 816: در روزه استعمال سرمه و روغن به سر و صورت و بوئیدن خوشبوئی‌ها جائز است، اگرچه بعد از استعمال رنگ سرمه از آب و اخلاط که از حلق بیرون می‌آید مشاهده شود.

مسئله 817: اگر به حلق روزه دار مگس، یا دود و غبار رفت روزه فاسد نمی‌شود، و اگر قصد اینکار را بنماید فاسد می‌شود.

مسئله 818: عنبر و غیره را دود کرد و در نزد خود گذاشت از بوئیدن آن روزه فاسد می‌شود و همچنین از کشیدن قلیان و انداختن نسوار.

مسئله 819: اگر روزه دار دندان‌ها را خلال کرده آنچه میان دندان‌ها است بدون بیرون کردن از دهان فرو برد اگر اندازه نخودی یا بیشتر باشد روزه فاسد می‌شود، و اگر کم‌تر باشد فاسد نمی‌شود، و اگر از دهان بیرون آورد و بعدا فرو برد روزه فاسد می‌شود و هر اندازه که باشد.

مسئله 820: از فرو بردن آب دهان روزه فاسد نمی‌شود هر اندازه باشد.

مسئله 821: از پائین دادن خلط و آب بینی روزه فاسد نمی‌شود.

مسئله 822: در وقت غرغره کردن آب پائین رفت و روزه هم در یاد بود روزه فاسد می‌شود، ولی در این مورد قضا واجب است نه کفاره.

مسئله 823: اگر برای شخص روزه دار بخود قی آورد روزه فاسد نمی‌شود کم باشد یا زیاد، و اگر قصدا قی کرد در این صورت اگر کم باشد روزه فاسد نمی‌شود، و اگر اندازه پری دهان باشد روزه فاسد می‌شود و قضا لازم است نه کفاره.

مسئله 824: اگر روزه دار پاره ای آهن یا شن یا چیزهائی که معمولا خورده نمی‌شود بعنوان دوا هم استعمال نمی‌گردد خورد روزه فاسد می‌شود، و آن روزه قضائی دارد و کفاره لازم نمی‌گردد.

مسئله 825: کفاره فقط به شکستن روزه ماه رمضان واجب می‌شود.

مسئله 826: اگر کسی در حالت روزه ناس ریخت، یا در گوش روغن بادام نمود، یا در مقعد شیاف نهاد، در همه صورت‌ها روزه فاسد می‌شود ولی قضاء لازم است نه کفاره، و اگر در گوش آب ریخت روزه فاسد نمی‌شود.

مسئله 827: اگر دهان خونی شد و با آب دهان فرو برد اگر خون غالب است و مزه آن را معلوم کرد روزه فاسد است، و باید قضائی بجا آورد، و اگر خون غالب نبود و مزه آن را معلوم نکرد روزه فاسد نمی‌شود.

مسئله 828: چشیدن غذا بدون فرو بردن روزه را فاسد نمی‌کند، البته بدون ضرورت نکردنش بهتر است.

مسئله 829: نرم کردن غذا برای بچه به وسیله دهان در صورت عذر جائز است، و بدون عذر مکروه است.

مسئله 830: مسواک کردن با مسواک طبیعی جائز است اگرچه تلخی آن معلوم شود و با مسواک مصنوعی مکروه است، و اگر از خمیر چیزی به حلق پائین رود روزه فاسد است و قضا لازم می‌آید.

مسئله 831: اگر روزه دار به فراموشی خورد و خیال کرد که روزه‌اش فاسد شده بعد قصدا خورد قضا واجب است نه کفاره.

مسئله 832: اگر قی کرد و گمان کرد که روزه فاسد گشته لذا قصدا می‌خورد یا می‌نوشد قضا واجب می‌شود نه کفاره.

مسئله 833: اگر روزه دار سر مه به چشم کشید، یا رگ زد، یا روغن به سر و صورت مالید و گمان کرد که روزه فاسد گشته لذا قصدا خورد و یا نوشید قضا و کفاره هر دو لازم می‌گردد.

مسئله 834: در ماه رمضان اگر اتفاقا روزه فاسد شد بقیه روز را نباید بخورد یا بنوشد.

مسئله 835: اگر کسی در ماه رمضان نیت روزه نکرد و خورد فقط قضا واجب می‌شود.

مسئله 839: اگر به زور با زنی جماع کرد یا در حالت خواب، یا دیوانگی روزه زن فاسد می‌شود و بر آن قضا لازم است نه کفاره، و اگر مرد روزه دار باشد قضا و کفاره لازم می‌گردد.

مسئله 840: شخصی روزه دار که جماع یا لواط نماید به محض اینکه تا محل ختنه سورگاه داخل شود چه منی خارج شود و چه نشود قضا و کفاره لازم می‌گردد.

مسئله 841: کسی که به قلیان عادت داشت و یا برای فائده قلیان کشید روزه فاسد و قضا و کفاره لازم می‌شود.

مسئله 842: اگر در حالت خواب احتلام شد، یا به واسطه نظر کردن به زن و یا به واسطه خیال و فکر منی خارج شد روزه فاسد نمی‌شود.

مسئله 843: اگر به واسطه فراموش کردن روزه یا بخیال اینکه هنوز شب باقی است جماع شروع کرد بعد از یاد آمدن یا طلوع کردن صبح فورا جدا شد روزه فاسد نمی‌شود و اگر چه منی بعدا خارج شود.

مسئله 844: بوسه زدن زن و در بغل گرفتن آن در حالت روزه اگر خوف این است که: ممکن است نتواند خود را نگهداری نماید و جماع خواهد کرد مکروه است، و اگر بر خویشتن داری خود اعتماد داشت مکروه نیست.

مسئله 845: گاز گرفتن و گزیدن لب زن به دهان و کشیدن آلت برهنه خود را به فرج برهنه زن در حالت ایمن بودن در نفس خود و غیر ایمن بودن مکروه است.

مسئله 846: اگر شخص مقیم بعد از نیت روزه مسافر شد و بعد از مقداری رفتن به واسطه فراموش کردن اسبابی به خانه برگشت و در خانه روزه را خورد قضا و کفاره هر دو لازم می‌شود.

مسئله 847: اگر به واسطه دیگری غیر از جماع کفاره بر روزه دار واجب شود هنوز کفاره را اداء نکرده کفاره دیگری واجب شد یک کفاره کافی است اگرچه در دو رمضان این اتفاق افتد، و اگر به واسطه جماع چند کفاره لازم آید اگر در یک رمضان است یک کفاره کافی است، و اگر در دو رمضان است یک کفاره کفایت نمی‌کند باید دو کفاره اداء شود.

احکام تزریق آمپول در ماه رمضان

مسئله 848: هر چیزی که مفید اصلاح بدن باشد و از راه اصلی که عبارت از حلق و بینی است وارد معده، یا شکم، و مغز شود مفسد روزه است، لذا دواهائی که وسیله آمپول در بدن تزریق می‌شود اگر چه مفید اصلاح بدن است ولی چون به واسطه عروق یا گوشت بدن وارد بدن می‌شود اولا داخل معده یا مغز نمی‌شود، و اگر بشود چون از منفذ اصلی وارد نشده بلکه به واسطه عروق گشته مفسد روزه نیست. و عده ای از علما معتقدند که تزریق آمپول مفسد روزه می‌باشد. و الله اعلم.

احکام قضا بجای آوردن روزه

مسئله 849: روزه ماه رمضان بعد از قضا شدن هرچه زودتر قضا گرفته شود و در قضا بجای آوردن تاخیر نکند بلکه بدون عذر تاخیر کردن گناه است.

مسئله 850: برای قضائی گرفتن تاریخ معلومی نیست بلکه هرچه زودتر بهتر، البته اگر از دو ماه رمضان قضا بر ذمه‌اش می‌باشد تعیین سال و ماه لازمی است.

مسئله 851: در روزه قضائی نیت از شب لازمی است، و اگر بعد از طلوع صبح نیت کند نفل محسوب می‌شود و کفاره را نیز همین حکم است.

مسئله 852: اگرچند روز قضا کرده مخیر است پی در پی متصلا بگیرد یا بدون اتصال.

مسئله 853: اگر روزه‌های قضائی را نگرفت و رمضان دومی آمد، اول روزه ادائی را بگیرد وبعد قضائی را.

مسئله 854: اگر کسی در ماه رمضان نیت کرد بی‌هوش شد و از سه روز بیشتر این حالت ادامه پیدا کرد دو روز را باید قضائی بگیرد، و اگر در شب بی‌هوش شد نیز دو روز قضا بگیرد مگر که در شب نیت روزه نکرده باشد یا صبح دواء به حلقش ریخته باشند در این صورت هر سه روز را قضائی بگیرد.

مسئله 855: اگر تمام ماه را بی‌هوش ماند باید همه ماه را قضائی بگیرد، البته اگر دیوانه شد مدت دیوانگی هر چند باشد قضائی ندارد.

**تذکر**: زن‌هائی که در ماه رمضان قرص‌های ضد حاملگی می‌خورند و در تمام ماه رمضان حیض نمی‌شوند روزه همه روز آن‌ها جائز است، و قضائی بر ذمه آنان نیست.

احکام کفاره

مسئله 856: کفاره روزه رمضان این است که: اگر کسی یک روز به قصد، بدون مرض و عذرهای شرعی روزه را بخورد باید دو ماه پیاپی روزه بگیرد، و اگر در بین یک یا دو روز خورد باید دوماه را مجددا روزه بگیرد، البته روزهای حیض برای زنان معاف است.

مسئله 857: به واسطه نفاس از پیاپی گرفتن بازماند بعد از پاکی باید مجددا پیاپی دو ماه را بگیرد.

مسئله 858: اگر بعد از چند روزی که برای کفاره روزه گرفته ماه رمضان پیش آمد آن‌ها برای کفاره حساب نمی‌شود، باید بعد از ماه رمضان مجددا دو ماه را پیاپی روزه بگیرد.

مسئله 859: اگر طاقت روزه گرفتن را نداشت شصت مسکین را صبح و شام طعام بدهد تا خوب سیر شوند، و اگر در بین شصت مسکین بچه کوچک بود به تعداد آن‌ها باید بزرگ را طعام دهد.

مسئله 860: در کفاره اگر نان گندم خالی باشد کافی است، و غیر نان گندم باید با خورش باشد.

مسئله 861: اگر به شصت مسکین عوض طعام گندم داد جائز است، و به هر یکی مقدار صدقه فطر که تقریبا دو کیلو می‌باشد داده شود، و همچنین قیمت گندم و خرما و غیره جائز است.

مسئله 862: اگر کسی را وکیل نمود که از طرفش کفاره بدهد و کفیل هم داد جائز است، و بدون وکالت اگر کسی بدهد جائز نیست.

مسئله 863: اگر یک نفر مسکین را شصت روز طعام بدهد جائز است.

مسئله 864: پی در پی بودن در غذا شرط نیست، لذا اگر مسکینی را چند روز طعام داد و چند ر وز تعطیل کرد ولی شصت روز را کامل کرد جائز است.

مسئله 865: اگر مقدار کفاره یا قیمت آن را یک مرتبه به مسکین بدهد جائز نیست.

مسئله 866: اگر از مقدار صدقه فطر کم‌تر بدهد جائز نیست.

بیان فضائل سحری

مسئله 867: سحری خوردن سنت است، و اگر اشتهاء به غذا نبود چند دانه خرما یا میوه یا چیزی دیگر یا قدری آب بنوشد تا از ثواب سحری محروم نماند.

مسئله 868: اگر کسی سحری نخورد بلکه چند استکان چای نوشید ثواب سحری حاصل شد.

مسئله 869: سحری هر چه دیرتر میل گردد بهتر است، ولی اینقدر تاخیر نکند که وقت صبح پیش آید و در روزه‌اش اشتباه پیدا شود.

مسئله 870: اگر کسی بخواب ماند وقتی بیدار شد که فجر طلوع کرده خوردن روزه جائز نیست.

مسئله 871: تا وقتی که صبح صادق طلوع نکرده سحری جائز است.

مسئله 872: اگر خیال کرد هنوز شب است مشغول سحری خوردن شده بعدا معلوم شد که صبح است، یا خیال کرد که غروب کرده افطار کرد سپس معلوم شد که آفتاب غروب نکرده، در هر دو صورت به مثل روزه داران از خوردن و نوشیدن خودداری کند و قضا واجب است نه کفاره.

مسئله 873: خوردن و نوشیدن در موقع اشتباه طلوع یا غروب مکروه است.

مسئله 874: مستحب است به مجرد غروب کردن آفتاب روزه را بگشاید، و تاخیر مکروه است.

مسئله 875: افطار کردن به خرما سنت است، و اگر خرما نباشد به دیگر شیرینی با آب.

بیان چیزهائی که به واسطه آن‌ها شکستن روزه جائز است

مسئله 876: اگر کسی ناگهان مریض شد که اگر نخورد و ننوشد ترس هلاکت، یا ازدیاد مرض، و یا تاخیر در صحت می‌باشد شکستن روزه جائز است.

مسئله 877: اگر تشنگی غلبه پیدا کرد که اگر آب ننوشد بمیرد شکستن روزه جائز است.

مسئله 878: زن حامله وقتی که خوف هلاک شدن خود یا بچه را مشاهده کند خوردن روزه برایش جائز است.

بیان صورت‌هائی که به واسطه آن‌ها روزه نگرفتن جائز است

مسئله 879: مریض که به واسطه روزه گرفتن احتمال ازدیاد مرض یا تاخیر صحت باشد می‌تواند روزه نگیرد، لکن به محض تخمین و خیال این کار جائز نیست، بلکه باید دکتر حاذق مسلمان با دیانت بگوید که: روزه باعث ازدیاد مرض یا تاخیر صحت می‌شود، و اگر طبیب حاذق مسلمان با دیانت نباشد سخن آن معتبر نیست.

مسئله 880: اگر طبیب چیزی نگوید ولی به تجربه و علائم معلوم می‌کند که به واسطه روزه مرض شدت پیدا می‌کند، و یا در صحت تاخیر می‌افتد، در این صورت جائز است که روزه نگیرد.

مسئله 881: اگر مریض سالم شده ولی ضعف دارد و غالب گمان این است که اگر روزه بگیرد مجددا مریض می‌شود روزه نگیرد.

مسئله 882: اگر مسافر است اختیار دارد که روزه را بخورد یا بگیرد، و در صورت خوردن قضا بیاورد.

مسئله 883: در مسافرت اگر اذیت و مشقت پیش نمی‌آید و وسائل آسایش فراهم است در این صورت روزه گرفتن بهتر، و برعکس آن خوردن بهتر است.

مسئله 884: اگر شخص مریض و مسافر در حالت مرض و سفر فوت کرد آنچه را خورده در آخرت به آن مواخذه نخواهد شد.

مسئله 885: اگر شخصی ده روز مریض بود و پنج روز خوب شد ولی قضائی نگرفت و بعد فوت کرد پنج روز معاف است، و برای پنج روز مواخذه نخواهد شد.

مسئله 886: اگر در مسافرت روزه را نگرفت و بعد از برگشت به خانه فوت شد به اندازه‌ای که در خانه بوده و در مقابل آن مواخذه می‌شود، و مناسب است که وصیت نماید تا ورثه فدیه پرداخت نمایند، و فدیه برای هر روز دو کیلو گندم است که باید به فقراء داده شود.

مسئله 887: مسافر اگر در سفر نیت اقامت کرد خوردن روزه برایش جائز نیست، و اگر از مدت اقامت که پانزده روز می‌باشد کم‌تر نیت کند مختار است که روزه بگیرد یا نگیرد.

مسئله 888: زن حامله و شیردهنده وقتی از خود یا بچه می‌ترسید روزه را بخورد و قضا بیاورد، و اگر شوهر زن ثروتمند باشد و در محل زن شیردهنده، یا غذایی که مناسب بچه است پیدا شود در این صورت زن حق خوردن روزه ندارد، مگر که بچه پستان غیر را نگیرد.

مسئله 889: اگر کافری در بین روز مسلمان شد، یا صغیر بالغ، بقیه روز را از خوردن و نوشیدن خودداری کند، و اگر خوردند قضائی بر آن‌ها لازم نیست.

مسئله 890: اگر کسی در مسافرت نیت نگرفتن روزه را داشت ولی یک ساعت به بعد به خانه برگشت و مقیم شد، یا در این وقت نیت اقامت کرد و تاکنون چیزی نخورده و ننوشیده حال نیت روزه می‌تواند بنماید.

مسئله 891: شخص پیر و منحنی که طاقت روزه گرفتن را ندارد و مریض که از سلامتی آن تا آخر عمر امیدی نیست روزه نگیرند، بلکه فدیه بدهند برای هر روز دو کیلوگرم گندم، یا قیمت آن، یا یک فقیر را صبح و شام طعام بخوراند، و اگر فدیه یک روز را به چند مسکین بدهد جائز است.

مسئله 892: اگر شخصی پیر و ضعیف قوی و نیرومند شد، یا بیمار جواب داده شده از طرف دکترها سلامتی خود را بازیافت، باید روزه را قضائی بجای آورند و در این صورت‌ها فدیه جائز نیست.

مسئله 893: اگر بر ذمه کسی چند روز قضائی بود و در وقت مردن وصیت کرد وصیت بعد از کفن و دفن از یک سوم مال آن نافذ و جاری می‌گردد، و اگر وصیت نکرد بلکه در حیات خود فدیه روزه را داد امید است خداوند متعال به کرم خود قبول فرماید، و بدون وصیت از مال خودش فدیه دادن جائز نیست.

مسئله 894: اگر فدیه از یک سوم مال میت زیادتر بود با وجود وصیت بدون رضای وارثین دادن فدیه از مال آن جائز نیست، و در صورت رضایت رضای صغیر معتبر نیست حق صغیر را کاملا باید اداء کند.

مسئله 895: اگر وصیت کرد که: بر ذمه من چند وقت نماز است فدیه آن را بدهد، حکم آن نیز همین است.

مسئله 896: اگر بر ذمه کسی زکات بود و در وقت مردن وصیت به دادن آن نمود، بر وارثین واجب است که بعد از کفن و دفن و ادای قرض از یک سوم مال آن زکات را اداء نمایند.

مسئله 897: اگر کسی از طرف میت نماز خواند یا روزه گرفت جائز نیست، و از ذمه‌اش ساقط نمی‌شود.

مسئله 898: بدون عذر روزه ماه مبارک رمضان را خوردن گناه کبیره می‌باشد، این فکر را نباید کرد که: می‌خورم و روزی روزه قضا می‌گیرم، چرا که در حدیث است: اگر تمام عمر را روزه بگیرد برابر یک روز ماه رمضان نمی‌شود.

مسئله 899: اشخاص مسافر و مریض‌ها در انظار مردم روزه را نخورند، و این سخن عوام الناس که هرچه از خدا پنهان نیست از مخلوق هم پوشیده نباشد لغو و بیهوده و پوچ است.

مسئله 900: اگر بچه ای که هنوز به حد تکلیف نرسیده روزه گرفت و بعدا خورد قضائی ندارد، و اگر نیت نماز کرد و شکست باید نماز را دو مرتبه بخواند.

احکام اعتکاف

مسئله 901: اعتکاف در لغت به معنی درنگ کردن، و اصطلاحا به معنی اقامت گزیدن در مسجدی که نماز پنجگانه با جماعت در آن خوانده می‌شود با نیت و پاک بودن از حیض و نفاس و جنابت.

مسئله 902: از بیان فوق دانسته شد که: برای اعتکاف سه چیز لازم است:

1. در مسجد جماعت نشستن.
2. به نیت اعتکاف در مسجد درنگ کردن و نشستن، لذا بدون اراده و نیت معتکف گفته نمی‌شود، و برای صحت نیت اسلام و عقل شرط است.
3. از حیض و نفاس و جنابت پاک بودن، لهذا زن در حالت حیض و نفاس و جنابت و مرد در حالت جنابت نمی‌تواند به اعتکاف بنشیند.

مسئله 903: اعتکاف بر سه قسم است:

1. واجب.
2. سنت.
3. مستحب.

واجب عبارت از اعتکافی است که نذر کند، خواه معلق به شرط باشد مثل اینکه: نذر کند که اگر برادرم به سلامت از مسافرت آمد ده روز برای خدا اعتکاف می‌نشینم، یا غیر معلق به شرط، مثل اینکه نذر کند که برای خدا ده روز به اعتکاف می‌نشینم.

سنت مؤکده ده روز آخر ماه مبارک رمضان است، پیغمبر اکرم این ده روز را بالالتزام به اعتکاف می‌نشستند، ولی به ادای بعضی از ذمه دیگران ساقط می‌شود.

مستحب غیر از ده روز آخر ماه رمضان خواه در روز اول ماه باشد یا وسط یا در ماه‌های دیگر.

مسئله 905: برای اعتکاف واجب روزه شرط است، لذا اگر کسی به اعتکاف بنشیند روزه باید بگیرد اگرچه نیت نگرفتن روزه را بکند، به همین جهت اگر نیت اعتکاف شب را کرد لغو است، و اگر نیت اعتکاف روز را نمود شب بالتبع داخل است، و باید شب‌ها را به اعتکاف بنشیند.

مسئله 906: اگر کسی فقط نیت یک روز اعتکاف نمود شب داخل نمی‌شود.

مسئله 907: در اعتکاف مسنون روزه هست، لذا شرط کردن روزه لازم نیست، البته در اعتکاف مستحب احتیاط شرط روزه است.

مسئله 908: اعتکاف واجب حداقل باید یک روز باشد و بیشتر آن را حدی نیست، و اعتکاف سنت مؤکده ده روز آخر ماه رمضان است، و برای اعتکاف مستحب مقداری تعیین نیست یک روز، نصف روز، یک ساعت و یا کم‌تر باشد.

مسئله 909: در حالت اعتکاف دو قسم کار حرام است، یعنی از ارتکاب آن واجب و سنت فاسد می‌شود، و باید قضائی گرفته شود، و اعتکاف مستحب خاتمه می‌یابد:

1. از محل اعتکاف بدون ضرورت بیرون شدن.
2. مقاربت با زن نمودن و بس و بازی کردن.

مسئله 910: ضرورت‌هائی که معتکف می‌تواند برای آن‌ها از محل اعتکاف بیرون شود و اعتکاف فاسد نمی‌شود بر دو قسم است:

1. طبعی، مثلا 1- توالت رفتن، 2- غسل از جنابت نمودن، 3- تهیه نمودن غذا در صورتی که کسی نباشد که برایش تهیه نماید.
2. ضرورت شرعی مثل اداء نماز جمعه.

مسئله 911: بعد از اداء ضرورت شخص معتکف باید فورا به مسجد محل اعتکاف خود برگردد، و اگر امام اعتکاف را در مسجد جامع گذرانید با کراهیت جائز است.

مسئله 912: اگر به فراموشی محل اعتکاف خود را ترک نمود اعتکاف فاسد است.

مسئله 913: ترک کردن محل اعتکاف به واسطه عذری که بسیار واقع نمی‌شود منافی اعتکاف است، مثلا بعیادت مریض رفتن یا برای نجات دادن غرق شونده، یا خاموش کردن آتش، یا از ترس افتادن سقف مسجد بیرون شدن در تمام این صورت‌ها بیرون شد گناه نیست، بلکه به واسطه حفاظت جان لازم است ولی اعتکاف فاسد می‌شود.

مسئله 914: اگر شخص معتکف برای رفع و دفع ضرورت طبعی یا شرعی بیرون شد و قبل یا بعد از آن از مریض عیادت کرد یا به نماز جنازه رفت اشکالی ندارد.

مسئله 915: برای اداء نماز جمعه طوری برود که تحية المسجد و سنت را آنجا بخواند و بعد از اداء فرض برای خواندن سنت می‌تواند تعریف کند.

مسئله 916: اگر بطور اجبار از محل اعتکاف بیرون کرده شد اعتکاف فاسد می‌شود، مثلا به واسطه جرم به حکم دادگاه دستگیر و به زندان برده شد.

مسئله 917: اگر برای عذری شرعی یا طبعی از محل اعتکاف بیرون شد بعدا مریض شد یا دیگر پیشامدی کرد و در رفتن به محل اعتکاف تاخیر پیش آمد اعتکاف فاسد می‌شود.

مسئله 918: در حالت اعتکاف مشغول شده به کارهای دنیوی برای ضرورت مکروه است، مثل تجارت و غیره، و با ضرورت جائز است، البته کالائی که فروخته می‌شود به مسجد آورده نشود.

مسئله 919: در حالت اعتکاف بطور کلی خاموش نشستن مکروه تحریمی است.

البته از سخنان زشت باید قطعا پرهیز نماید، و اوقات خود را صرف قرآن خواندن، ذکر نمودن، نماز خواندن بنماید.

احکام زکات

کسی که ثروتمند باشد و زکات آن را اداء نکند در نزد خدا سخت گنهکار است، و در قیامت معذب خواهد شد.

پیغمبر اکرم فرموده‌اند: هر که دارای طلا و نقره باشد و زکات آن را ندهد آن طلا و نقره به آتش جهنم سرخ گردانیده می‌شود، و به وسیله آن‌ها پیشانی، و پهلو هر دو شانه‌اش داغ کرده می‌شود، و هرگاه سرد گردد مجددا این عمل تکرار خواهد شد.

و نیز جناب رسول اکرم می‌فرمایند: به هر که خدا مال داد و زکات آن را اداء ننمود در قیامت مال آن به شکل ماری می‌گردد بسیار بد زهر و به گردن آن پیچیده هر دو لبش را می‌گزد و می‌گوید: من مال تو ام و خزینه تو‌ام، و آن را بدین صورت نکوهش می‌نماید.

مسئله 920: زکات بر مال اشخاص:

1. آزاد.
2. مسلمان.
3. عاقل.
4. بالغ.
5. مالک مقدار نصاب که در آینده بیان می‌شود.
6. فارغ از قرض.
7. فارغ از احتیاجات اصلی مثل لباس و منزل سکونت و غیره.
8. نامی، یعنی قابل ازدیاد باشد فرض است، بنا بر شرط اخیر بر مال گم شده زکات فرض نیست.

مسئله 921: بر تمام مال‌هائی که زکات بر آن‌ها واجب می‌شود خواه طلا و نقره باشد خواه گوسفند و گاو و شتر سال کرد شدن شرط است، و تا وقتی که سال تمام نشود بر مقدار نصاب زکات واجب نمی‌شود.

مسئله 922: در گوسفند و گاو و شتر برای وجوب زکات سائمه بودن شرط است، و سائمه به حیوانی گفته می‌شود که: در آن دوشرط یافته شود:

1) بیشتر سال را در بیابان چرا کند، و اگر نصف سال یا از نصف سال آخوربند باشد سائمه گفته نمی‌شود.

2) مقصود از نگهداری شیر و نسل و فربهی باشد، و اگر مقصود گوشت یا سواری باشد سائمه گفته نمی‌شود، و در آن زکات واجب نمی‌گردد.

مسئله 923: در اهلی بودن حیوانات و نا اهلی بودن آن مادر معتبر است، اگر مادر حیوان اهلی است آن هم اهلی، و اگر مادر غیر اهلی است آن هم غیر اهلی محسوب می‌گردد.

مسئله 924: اگر حیوان سائمه باشد (یعنی بیشتر سال را در بیابان چرا کند) و در وسط سال به نیت تجارت صاحب آن آن‌ها را بفروشد زکات آن سال واجب نمی‌شود، بلکه از هنگام بیع وقتی که سال تمام شد زکات از قیمت آن داده شود.

مسئله 925: بر بره‌ها، و بزغاله‌ها، و گوساله‌ها واجب نمی‌شود مگر که با آن‌ها بزرگی باشد، و باید همان بزرگ زکات داده شود، و اگر بعد از تمام شدن سال آن بزرگ بمیرد زکات ساقط می‌شود.

مسئله 926: بر گاو و شتر و گوسفندهائی که وقف گردانیده شود زکات واجب نمی‌شود.

مسئله 927: اسب‌ها وقتی که نر و ماده مخلوط باشد بر آن‌ها زکات واجب می‌شود، باید قیمت کرده شوند و از چهل تومان یک تومان زکات داده شود.

مسئله 928: بر الاغ و قاطر اگر برای تجارت نباشد زکات نیست، و اگر برای تجارت است در قیمت آن‌ها مثل اسب زکات واجب می‌شود.

بیان زکات گوسفند

مسئله 929: بز و میش دمدار باشد یا بی‌دم یکسانند.

مسئله 930: گوسفند از چهل کم‌تر زکات ندارد و چون تعداد آن‌ها به چهل رسید و سائمه بودند یک گوسفند که عمر آن از سال کم‌تر نباشد نه اعلی ونه ادنی بلکه متوسط واجب می‌شود.

مسئله 931: اگر در مقابل گوسفند متوسط یک گوسفند اعلی زکات داد و اضافه قیمت را از فقیر گرفت، و یا گوسفند پستی داد و اضافه قیمت را پرداخت کرد جائز است.

مسئله 932: از چهل تا صد و بیست همین حکم است، یعنی یک گوسفند زکات دارند و در یک صد و بیست و یک دو گوسفند زکات داده شود تا دویست و شصت، و همینکه دویست و شصت یکی شد سه گوسفند زکات بدهد تا چهارصد، و همینکه به چهار صد رسید چهار گوسفند، و از آن به بعد بر هر یک صد یکی واجب می‌شود.

مسئله 933: مستفاد، یعنی استفاده کرده شده با اصل حساب می‌شود و مقدار نیز بالا می‌رود، بره و بزغاله از جمله استفاده می‌باشند، مثلا اگر کسی هشتاد گوسفند داشت و هفتاد آن زائیده، بره‌ها و بزغاله‌ای کوچک با کلان‌ها حساب می‌شود، درصورت هشتاد یکی واجب بوده و در این صورت کوچک‌ها حساب گشته دو گوسفند واجب می‌شود، البته در اداء کردن زکات کوچک‌ها معتبر نیست باید از بزرگ‌ها داده شود.

احکام زکات شتر

مسئله 934: بر کم‌تر از پنج شتر زکات واجب نیست، و بر پنج شتر یک گوسفند، و بر ده دو، و بر پانزده سه، و بر بیست، چهار گوسفند فرض است، تا بیست و چهار همین مقدار است، و بر بیست و پنج یک ماده شتری که سال اول آن تمام شده و در سال دوم قدم نهاده باشد لازم می‌گردد تا سی و پنج، و بر سی و شش یک شتر ماده که سال سوم آن شروع شده باشد لازم است که زکات داده شود تا چهل و پنج، و بر چهل و شش یک ماده شتری که سال چهارم آن شروع شده باشد لازم است تا شصت، و بر شصت و یک، ماده شتری که سال پنجم آن شروع گشته است لازم می‌گردد تا هفتاد و پنج، و بر هفتاد و شش، دو ماده شتر که سال سوم آن‌ها شروع شده باشد زکات لازم است که داده شود تا نود، و بر نود و یک، دو ماده شتر که سال چهارم آن‌ها شروع شده باشد لازم است که زکات داده شود تا یکصد و بیست.

مسئله 935: بعد از یکصد و بیست، بر هر پنج شتر یک گوسفند تا تعداد کل آن‌ها به صد و چهل و پنج برسد، و بر یکصد و چهل و پنج دو شتر حقه، و یک شتر بنت مخاص لازم است که زکات داده شود تا یکصدو چهل و نه، و بر یکصد و پنجاه، سه حقه واجب می‌شود، یعنی شتری که سال چهارم آن شروع شده باشد.

**تبصره**: بر این مقدار از زکات شتر اختصار شد و در صورت لزوم برای بیشتر از این از علماء سوال گردد.

مسئله 936: در زکات شتر ماده باشد داده شود، و اگر شتر مذکر داد که قیمت آن مساوی قیمت ماده باشد جائز است.

مسئله 937: شتر عربی و غیر عربی در مسئله زکات فرقی ندارند.

احکام زکات گاو

مسئله 938: گاو، گاومیش در مسائل زکات فرقی ندارند و همچنین نر و ماده.

مسئله 939: بر سی گاو، یک گاو که سال دوم آن شروع شده باشد واجب می‌شود، و بر چهل گاو، یک گاو که سال سوم آن شروع شده باشد تا شصت، و بر شصت گاو، دو گوساله که سال دوم آن شروع شده تا هفتاد، و بر هفتاد یک مسنه و یک تبیع واجب می‌شود تا هشتاد، و بر هشتاد دو مسنه واجب می‌شود، و همچنین فرض زکات در هر ده از مسنه به تبیع و از تبیع به مسنه تغییر پیدا می‌کند.

**تذکر**: تبیع گوساله‌ای می‌باشد که در سال دوم داخل شده، و مسنه آن است که: در سال سوم داخل گردیده است.

مسئله 940: آنچه در میان سی و چهل و غیره می‌باشد بر آن‌ها زکات نیست.

مسئله 941: برای دادن زکات در گاو فرق بین نر و ماده نیست.

احکام زکات طلا و نقره و غیره

مسئله 942: بر کم‌تر از بیست مثقال طلا زکات واجب نمی‌شود، و بر بیست مثقال بعد از گذشتن سال نیم مثقال واجب می‌شود. خواه طلا سکه دار باشد یا نه، و یا زیورآلات از قبیل دستینه و گوشواره و النگو و غیره باشد یا ظروف.

مسئله 943: اگر از بیست، دو یا سه مثقال زیاد بود در زیادتی زکات نیست، و اگر چهار مثقال زیاد گشت دو قیراط واجب می‌شود، و به همین حساب تا آخر زکات داده شود.

مسئله 944: اگر کسی تکه ای طلا داشت معتبر اکثریت است، یعنی اگر بیشتر آن طلا و کم‌تر غش است در حکم طلا خالص، و بالعکس در حکم غش است و زکات ندارد.

مسئله 945: بر دویست درهم نقره که عبارت از یک صد و چهل مثقال است، سه و نیم مثقال زکات واجب می‌شود، و بر کم‌تر از این مقدار زکات واجب نمی‌شود.

مسئله 946: اگر کسی دارای پانزده مثقال طلا و چند مثقال نقره است که قیمت نقره‌ها به قیمت پنج مثقال طلا می‌رسد، هر دو با هم جمع می‌شوند و گویا این شخص دارای بیست مثقال طلا است و زکات بیست مثقال را اداء کند.

مسئله 947: اگر کسی دارای یک صد و بیست مثقال نقره است، و پنج مثقال طلا که قیمت آن مساوی قیمت بیست مثقال نقره می‌شود باید زکات یکصد و چهل مثقال نقره را بدهد.

مسئله 948: اگر کسی دارای بیست مثقال طلا است و در آخر سال چهار مثقال از جهتی به آن افزوده شد، مثلا ارث گرفت، یا کسی به او بخشید حساب چهار مثقال از حساب اصل جدا نیست، بلکه هرگاه سال بیست مثقال تمام شد در آن وقت حساب چهار مثقال را هم اداء کند.

مسئله 949: غیر از طلا و نقره دیگر چیزها هرچه باشد مثل آهن، برنس، گلت، مس و غیره و اسبابی که از این‌ها ساخته شده، و همچنین لباس و فرش و رختخواب، اگر برای تجارت است و قیمت آن برابری قیمت بیست مثقال طلا، یا یکصد و چهل مثقال نقره است بعد از گذشتن سال زکات آن‌ها را باید بدهد، و اگر به قیمت این نصاب نمی‌رسد زکات واجب نیست، و اگر برای تجارت نیست جزء اثاثیه خانه حساب می‌شود و زکات ندارد، اگر چه در سال یک مرتبه لازم شود.

مسئله 950: اگر کسی دارای چند منزل است، و آن‌ها را به کرایه می‌دهد در منازل زکات نیست اگرچه قیمت آن‌ها بسیار باشد، البته در آمد آن‌ها در آخر سال با پولهای دیگری که دارد حساب می‌شود اگر موجود باشد، و همچنین است حکم ظروف کرایه ای.

مسئله 951: در لباس پوشیدن هرچند گران باشد زکات نیست، مگر طلا باشد یعنی: مزین به طلا و نقره باشد، و آن به مقدار نصاب برسد آن وقت زکات آن‌ها واجب می‌شود.

مسئله 952: اگر کسی دارای چند مثقال طلا و چند مثقال نقره و مقداری اسباب تجارت است که بعد از قیمت گذاری قیمت همه به حد نصاب می‌رسد، باید زکات از آن‌ها بپردازد.

مسئله 953: وسائل سوداگری یا تجارت به آن اسبابی گفته می‌شود که: به نیت تجارت و معامله خریداری می‌شود، و اگر برای منزل خود خوار و بار خرید مثل قند، برنج، چای و غیره، و بعدا قصد کرد آن‌ها را بفروشد در قیمت آن‌ها زکات واجب نمی‌شود.

مسئله 954: صاحب زکات اگر پیش از اتمام سال زکات را بدهد جائز است، و همچنین اگر زکات چند سال را بدهد.

مسئله 955: اگر کسی صاحب نصاب نیست ولی احتمال بدست آمدن نصاب است لذا پیش از بدست آمدن نصاب زکات را می‌دهد زکات اداء نمی‌شود، بلکه بعد از وصول و گذشتن سال باید زکات را بدهد.

مسئله 956: در صورتی که زکات چند سال را اداء کرده بعد بر مقدار افزوده شده زکات مازاد را باید بدهد.

مسئله 957: اگر کسی دارای ده هزار تومان است و امید رسیدن ده هزار تومان دیگر را دارد، و زکات همه را پیش از وصول می‌دهد جائز است.

مسئله 958: اگر کسی بعد از تمام شدن سال زکات را نداد و همه مال آن هلاک شد از زکات معاف است.

مسئله 959: اگر خود شخص به اراده و اختیار خود مال خود را هلاک کرد از زکات معاف نمی‌شود.

مسئله 960: اگر بعد از تمام شدن سال همه مال خود را خیرات کرد از زکات معاف می‌شود.

مسئله 961: اگر نصف مال بعد از اتمام سال هلاک شد زکات باقیمانده واجب است، و هلاک شده معاف می‌باشد.

بیان مسائل متفرقه زکات

مسئله 962: اگر مال حلال و حرام را بهم مخلوط کرد زکات را باید بدهد، یعنی حرام بودن مقداری از مال مانع زکات نیست.

مسئله 963: اگر شخص بعد از واجب شدن زکات فوت کرد از مال آن زکات داده نشود، و اگر وصیت کرد از یک چهارم زکات داده شود اگرچه کفایت نکند و اگر وارثین به میل خود از یک چهارم بیشتر برای زکات دادند جائز است.[[23]](#footnote-23)

مسئله 964: اگر بعد از گذشت سال طلبکار طلب خود را به مقروض بخشید زکات آن سال را بدهکار ندهد، ولی اگر مقروض ثروتمند باشد این بخشش در حکم استهلاک است و باید زکات آن سال را بدهد.

مسئله 965: علاوه از صدقات فرض و واجب، صدقات نفلی موقعی جائز است که از ضروریات خود و اهل و عیال اضافه مال داشته باشد، اگر نه مکروه است.

مسئله 966: اگر دختر صغیره را به نکاح دادند و به خانه شوهر رفت، اگر ثروتمند است از مال خود آن صدقه فطر واجب می‌شود، و اگر ثروتمند نیست و قابل خدمت و موانست شوهر است صدقه فطر نه بر شوهر و نه بر خود آن واجب است، و اگر قابل خدمت و موانست شوهر نیست صدقه فطر بر ذمه پدر است.

مسئله 967: پول نقد هرگاه به اندازه قیمت یک صد و چهل مثقال نقره رسید شخص صاحب نصاب گفته می‌شود، و پس از سالگرد قیمت سه و نیم مثقال نقره را بپردازد. مثلا اگر نقره مثقالی بیست تومان است وقتی از پول نقد شخص صاحب نصاب گفته می‌شود که قیمت یک صد وچهل مثقال آن را دارا باشد، مثلا دو هزار و هشتصد تومان داشته باشد، وقتی بر دو هزار و هشتصد تومان یک سال گذشت هفتاد تومان زکات لازم می‌شود.

احکام عشر

مسئله 968: زمین دو قسم است:

1. عشری.
2. خراجی.

 زمین عشری: عبارت از زمینی است که مسلمان‌ها آن را از کفار به قدرت و غلبه گرفته و در میان افراد مسلمان آن را تقسیم نموده‌اند، یا اهل آن سرزمین به میل و رغبت خود اسلام آورده‌اند.

و خراجی: عبارت از زمینی است که بعد از غلبه مسلمانان آن را به خود ساکنین واگذار کرده و از آن‌ها جزیه گرفته‌اند.

مسئله 969: در صورت نامعلوم بودن حالت اولیه منطقه زمین اگر بطور ارثی از مسلمانی به مسلمان دیگر انتقال یافته این زمین عشری است، و اگر در دست کفار است یا از کافری خریداری شده است خراجی است.

مسئله 970: زمین عشری که محصول آن فقط به آب باران بدست می‌آید و احتیاجی به آبداری و کود و غیره ندارد عشر کامل واجب می‌شود، و اگر از آب قنات و چاه عمیق و غیره آب داده می‌شود و احتیاج به کود و زحمات دارد نصف عشر واجب می‌شود.

مسئله 971: در هر دو نوع زمین هرگونه محصولی بدست آید اگر از آب باران باشد عشر، و اگر از آب قنات و چاه باشد نصف عشر واجب می‌گردد، کم باشد یا زیاد هر چه می‌خواهد باشد.

مسئله 972: در زمین عشری، یا کوه، یا جنگل اگر زنبور عسل تولید عسل کرد بر آن عشر واجب می‌گردد.

مسئله 973: اگر کسی در میان منزل خود درخت یا سبزیجات دیگر کاشت، در آن عشر واجب نمی‌شود هرچند باشد.

مسئله 974: اگر کافری زمین عشری را از مسلمانی خرید عشریت آن بر طرف می‌شود، و اگر بعدا بدست مسلمان‌ها افتد عشری نخواهد گشت.

مسئله 975: اگر زمین عشری به وسیله زارع کاشته می‌شود عشر بر زارع و مالک هر دو واجب می‌شود، و اگر زمین بدست اجاره کننده است عشر بر اجاره کننده واجب است نه اجاره دهنده.

بیان اشخاصی که دادن زکات به آن‌ها جائز است

مسئله 976: کسی که دارای یک صد وچهل مثقال نقره یا بیست مثقال طلا یا قیمت آن‌ها را از مال تجارت است و این اضافه از احتیاجات آن است، در اصطلاح شریعت غنی و ثروتمند گفته می‌شود، و بر آن زکات دادن جائز نیست، و کسی که این مقدار مال ندارد بلکه کم‌تر یا قطعا مالی ندارد، در اصطلاح شریعت فقیر گفته می‌شود، و زکات گرفتن برایش جائز است.

مسئله 977: فرش و ظروف که گاهی مورد استعمال خودش قرار می‌گیرد از جمله لوازمات است، و اگر مورد استعمال خود آن قرار نمی‌گیرد ولی به همسایه و خویشاوندان داده می‌شود، از جمله ضروریات و لوازمات محسوب نمی‌شود.

مسئله 978: منزل شخصی، لباس، وسائلی که به آن‌ها احتیاج می‌افتد و همچنین خدمتکار وسیله سواری جزء لوازم خانگی است، و در بودن آن‌ها شخص مالدار گفته نمی‌شود، هرچند که قیمت آن‌ها باشد، و همچنین کتب دینی جزء لوازمات محسوب است.

مسئله 979: شخص دارای چند منزل یا چند قطعه زمین است که آن‌ها را به اجاره داده و از اجاره آن‌ها تامین مخارج زندگی می‌کند، و علاوه از آن دیگر مالی که زکات بر آن واجب شود ندارد، این شخص مالدار محسوب نمی‌شود.

مسئله 980: کسی دارای پنج هزار تومان یا بیشتر پول است و به همین اندازه قرض دارد، گرفتن زکات برایش جائز است.

مسئله 981: شخص در محل خود ثروتمند است، اتفاقا در حالت سفر مخارج و هزینه سفر تمام گشته و به خانه دسترسی ندارد، گرفتن زکات برایش جائز است، سفر هر سفری باشد.

مسئله 982: دادن زکات، و صدقه فطر، و نذورات، و کفارات به کافر جائز نیست، و بقیه خیراتها جائز است.

مسئله 983: دادن پول زکات در هر مورد که تسلیم شخص مستحق نشود جائز نیست، مثل ساختن مسجد، و کفن کردن میت، و دادن قرض آن، و ساختن حمام وسقایه و غیره.

مسئله 984: اگر پول زکات به مستحق داده شد و مستحق به میل خود آن را در کارهای خیریه مصرف کرد جائز است.

مسئله 985: به اولاد کوچک شخص ثروتمند زکات جائز نیست، و به اولاد بزرگ جائز است به شرطی که خودش فقیر باشد اگر چه پدر ثروتمند است.

مسئله 986: به اولاد کوچک شخص ثروتمند زکات جائز نیست و به اولاد بزرگ جائز است به شرطی که خودش فقیر باشد اگر چه پدر ثروتمند است.

مسئله 987: به مزدور و خادم خانه زکات جائز است به شرطی که از حقوق آن‌ها کاسته نشود.

مسئله 988: دادن زکات به اولاد رضاعی که از لحاظ شیرخوارگی بچه‌اش می‌شود جائز است.

مسئله 989: اگر زنی مهریه‌اش زیاد است ولی شوهر فقیر است که قدرت اداء آن را ندارد، گرفتن زکات برایش جائز است، و اگر توانائی اداء را دارد جائز نیست، و در صورت قدرت اداء اگر انکار می‌ورزد از دادن به زن، یا زن مهریه خود را به شوهر بخشیده، زن می‌تواند زکات بگیرد.

مسئله 990: شخصی را مستحق دانسته به آن زکات داد، بعدا معلوم شد که مستحق نبوده، یا درشب تاریک داد و روز معلوم شد که پدر، یا مادر، یا فرزندش بوده زکات اداء گردید، و احتیاج به اداء مجدد نیست.

مسئله 991: اگر نسبت به استحقاق شخصی مشتبه بود پیش از تحقیقات به آن زکات بدهد.

مسئله 992: در دادن زکات و خیرات‌ها از همه مقدم تر اقرباء و خویشاوندان است، و در وقت دادن نیت قبلی و قلبی کافی است، و به زبان نگوید تا باعث شرمندگی نشود.

مسئله 993: دادن زکات شهری یا روستائی به شهر و روستائی دیگر مکروه است، مگر اینکه در شهر و روستا دیگر خویشاوندان داشته باشد تا فقراء آن محتاج‌تر باشند، تا در آنجا علماء و طلبا دینی موجودند که در همه این صورت‌ها انتقال زکات مکروه نیست.

احکام صدقه فطر

مسئله 994: اگر کسی دارای این اندازه مال باشد که زکات بر آن واجب شود، یا اگر این اندازه ندارد ولی اضافه از لوازم و ضروریات زندگی روزمره وسایلی دارد که قیمت آن اندازه یک صد و چهل مثقال نقره باشد، بر این چنین شخصی صدقه فطر واجب می‌شود، فرق نمی‌کند که مال تجارت باشد یا نه، سال بر آن بگذرد یا نگذرد.

مسئله 995: کسی دارای منزل یا وسائلی است که اگر فروخته شود قیمت آن‌ها زیاد است، ولی این منازل برای خودش لازم است تا به اجاره داده و از پول اجاره تامین زندگی می‌کند، و همچنین آن اسباب و وسائل برای خودش لازم است، برای چنین شخصی صدقه فطر واجب نمی‌شود.

مسئله 996: اگر کسی دو منزل دارد یکی برای خودش و دیگری را به اجاره داده، دومی از جمله لوازم و ضروریات نیست، و بر آن شخصی صدقه فطر واجب می‌شود بشرطی که تامین زندگی از اجاره آن نباشد، وإلا از جمله لوازمات زندگی است، و صدقه فطر بر آن واجب نیست.

مسئله 997: کسی دارای وسائل اضافه از ضروریات است ولی در عین حال قرضدار است، در اینصورت بعد از کنار گذاشتن قرض اگر به اندازه زکات بماند صدقه فطر واجب است.

مسئله 998: بعد از طلوع صبح روز عید صدقه فطر واجب می‌شود، لذا اگر کسی پیش از طلوع فوت کرد، یا بعد از طلوع متولد شد، بر آن‌ها صدقه فطر واجب نمی‌شود، و اگر بچه ای پیش از طلوع بدنیا آمد بر پدرش لازم است که از طرف بچه صدقه فطر بدهد.

مسئله 999: بهتر است که در وقت رفتن برای نماز عید صدقه داده شود، و اگر پیش از روز عید فطر در ماه رمضان صدقه را داد یا بعد از عید اداء کرد جائز است.

مسئله 1000: اگر کسی در روز عید صدقه فطر را نداد از ذمه‌اش ساقط نمی‌شود، بلکه همیشه از طرف شریعت مسئول پرداخت است.

مسئله 1001: صدقه فطر را از طرف خود و اولاد صغیر خود اداء نماید، زن باید خودش اداء نماید و اگر شوهر از طرفش اداء کرد جائز است.

مسئله 1002: اگر اولاد صغیر تا حد نصاب مالدارند از ثروت خودشان صدقه فطر داده شود.

مسئله 1003: صدقه فطر بر کسی که روزه گرفته یا نگرفته واجب است و فرقی ندارد.

بیان مقدار صدقه فطر

مسئله 1004: صدقه فطر از گندم و آرد آن دو کیلو، و از جو و آرد آن چهار کیلو، و نیز از خرما چهار کیلو لازم است که از طرف هرشخص به مستحق آن پرداخت گردد، و اگر از دیگر اجناس خواسته باشد بدهد این اندازه باید بدهد که قیمت آن به اندازه قیمت دو کیلو گندم برسد.

مسئله 1005: صدقه فطر یک نفر یا چند نفر را به یک مسکین دادن جائز است، ولی صدقه یکنفر را به چند نفر مسکین دادن اختلاف است.

مسئله 1006: مستحق صدقه فطر اشخاصی هستند که مستحق زکات بودند، یعنی به هرکسی دادن زکات جائز بود، دادن صدقه فطر نیز جائز است.

احکام قربانی

قربانی نمودن ثواب بسیار دارد، پیامبر اکرم فرموده‌اند که: در روزهای قربانی بعد از عبادات فریضه هیچ عبادتی اینقدر مقبول و پسندیده در بار الهی نیست، و بیش از رسیدن قطرات خون به زمین مقبول درباره پروردگار می‌گردد.

لذا با شوق زیاد و دل پر وسعت قربانی کنید. و نیز رسول اکرم فرموده‌اند: به اندازه موهای بدن مذبوحه ثواب داده می‌شود.

 پس برای حصول این اندازه ثواب کسی که قربانی بر او واجب نیست اگر قربانی کند، کاری است بجا. و در وقت ذبح قربانی باید پیشانی آن را بطرف قبله نموده این دعا را بخواند:

«إِنَّي وَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلَّذِيْ فَطَرَ السَّمَوَاتِ وَالأَرْضَ حَنِيْفاً وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِيْنَ، إِنَّ صَلاَتِيْ، وَنُسْكِيْ، وَمَحْيَايَ، وَمَمَاتِيْ، ِللهِ رَبِّ الْعَالَمِيْنَ، لاَ شَرِيْكَ لَهُ وَبِذَلِكَ أُمِرْتُ وَأَنَا مِنَ الْمُسْلِمِيْنَ. اللَّهُمَّ مِنکَ وَلَکَ».

به تحقیق که من متوجه ساختم روی خود را برای آن ذاتی که آسمان‌ها و زمین‌ها را خلق کرده است، درحالی که مائلم از همه ادیان باطل به دین حق و از مشرکین نیستم. به تحقیق که نماز من، و افعال حج من، و زندگی و مرگ من از آن خداست که پروردگار جهانیان است، نیست شریکی مر او را، و به این دستور داده شده‌ام، و من از جمله مسلمینم. ای خدایا این قربانی از تو می‌باشد، و برای رضای تو می‌باشد.

بعدا از آن «بِسمِ الله» و «اللهُ أَکبر» گفته و ذبح نماید، و بعد از ذبح کردن این دعا را بخواند: «اللَّهُمَّ تَقَبَّلْهُ مِنِّي كَمَا تَقَبِّلْتَ مِنْ حَبِیبِکَ مُحَمدٍ صَلَی اللهُ عَلَیهِ وَسَلَّم وَخَلِیلِکَ إِبرَاهِیمَ عَلَیهِ السَّلَامِ».

ای خدایا! قبول فرمای از من مثلی که قبول فرمودی از دوست خود حضرت محمد و دوست خود حضرت ابراهیم.

مسئله 1007: بر اشخاصی که صدقه فطر واجب بود قربانی نیز واجب است، و اگر قربانی واجب نبود و قربانی کرد کاری نیکو و مزد بسیار بدست آورده.

مسئله 1008: بر مسافر قربانی واجب نیست.

بیان اوقات قربانی

مسئله 1009: در ماه ذی الحجة از اول بامداد روز دهم، یا شام روز دوازدهم قربانی جائز است، شب باشد یا روز، ولی در روز بهتر است بخصوص روز دهم که اول وقت است.

مسئله 1010: در جاهائی که خواندن نماز عید واجب است قبل از انجام مراسم نماز قربانی کردن جائز نیست، و در جاهائی که نماز واجب نیست بعد از طلوع صبح روز دهم قربانی کردن جائز است.

مسئله 1011: اگر کسی در شهر زندگی می‌کند، و قربانی خود را به روستائی می‌فرستد که بعد از طلوع وکالتا از طرف آن قربانی کنند جائز است.

مسئله 1012: در روز دوازده ذی الحجة تا موقعی که غروب نکرده قربانی جائز است، و بعد از غروب جائز نیست.

مسئله 1013: اگر کسی در روز دهم و یازدهم مسافر بود، و در روز دوازهم ذی الحجة مقیم گردید، یا در روز اول مسکین بود و در روز سوم غنی گردید، بر این شخص قربانی واجب است.

مسئله 1014: شخصی که خودش ذبح کردن را یاد دارد بهتر است که قربانی خود را شخصا ذبح نماید، و اگر نمی‌دانست کسی را دستور دهد و خودش در آنجا باشد.

مسئله 1015: نیت کردن یا دعا خواندن در موقع قربانی نمودن به زبان لازم و واجب نیست، بلکه این قدر در دل آگاهی داشته باشد که محض رضای خدا قربانی می‌کنم کافی است، البته اگر دعای ذکر شده را یاد داشت و خواند بهتر است.

مسئله 1016: قربانی فقط از طرف خود آن واجب است، نه از طرف اولاد یا کسی دیگر.

بیان حیواناتی که قربانی کردن آن‌ها جائز است

مسئله 1017: حیواناتی که قربانی کردن آن‌ها جائز است عبارتند از:

1. بز.
2. میش.
3. شتر.
4. گاو، و گاومیش.

مسئله 1018: برای قربانی سن گوسفند از یکسال کم‌تر نباشد، ولی اگر بره از شش ماه بیشتر عمر داشت و جثه‌اش به اندازه یک ساله بود جائز است، گاو، و گاومیش از دو سال کم‌تر نباشد و شتر از پنج سال.

مسئله 1019: در گاو و شتر اگر هفت نفر شریک شوند جائز است، ولی باید نیت و مقصد همه رضای خدا باشد، و حصه هریک از یک هفتم کم‌تر نباشد، و اگر نیت یک رضای خدا نبود بلکه گوشت خوری یا حصه یکی از هفت نفر از یک هفتم کم‌تر بود قربانی جائز نیست.

مسئله 1020: اگر بجای هفت نفر در شتر و گاو پنج نفر شرکت کردند در صورتی که شرائط ذکر شده موجود باشد جائز است.

مسئله 1021: اگر در موقع خریدن شتر و گاو اراده شرکت را داشت، و بعد چند نفر شریک شدند جائز است، و اگر اراده شرکت را نداشت بعد از خریدن شرکت داد، اگر خریدار ثروتمند است و قربانی بر او واجب است شرکت دادن جائز است، و اگر فقیر است قربانی بر او واجب نیست شرکت دادن غیر جائز است.

مسئله 1022: اگر حیوان که برای قربانی تهیه نموده است مفقود شد، و بعوض دیگری را خرید و بعد اولی پیدا شد، اگر شخص ثروتمند است قربانی کردن یکی واجب است، و اگر فقیر است قربانی کردن هر دو واجب می‌باشد.

بیان عیب‌هائی که به واسطه آن‌ها قربانی کردن حیوان جائز نیست

مسئله 1023: هر حیوانی که کور، یا کر، یا یک چشم باشد یا بیشتر نور چشم آن، و یا بیشتر گوش آن، یا دنبه آن از بین رفته قربانی کردن آن جائز نیست.

مسئله 1024: هر حیوانی که لنگ باشد بطوری که به سه دست و پا راه برود، و چهارمی را به زمین نگذارد قربانی کردن آن جائز نیست، و اگر چهارمی را به زمین می‌گذاشت ولی لنگان لنگان راه می‌رفت جائز است.

مسئله 1025: حیوان لاغر که مغز استخوان آب شده باشد جائز نیست، و اگر به این حد نرسیده جائز است، ولی قربانی کردن فربه و چاق بهتر است.

مسئله 1026: اگر تمام دندان‌های حیوان ریخته قربانی کردن آن جائز نیست، و اگر بیشتر دندان‌ها باقی است جائز است.

مسئله 1027: اگر حیوان خلقتا گوش ندارد قربانی کردن آن جائز نیست، و اگر گوش‌های کوچکی دارد جائز است.

مسئله 1028: اگر مادرزادی شاخ ندارد یا داشته ولی شکست و از بیخ بیرون نیامده قربانی کردن آن جائز است، و اگر از بیخ و بن شکسته جائز نیست.

مسئله 1029: حیوان خصی، و میش که از لحاظ خلقت دم ندارد قربانی کردن آن جائز است، و همچنین حیوانی که به مرض جرب (گری) مبتلا است، اگر به واسطه این مرض لاغر شده است جائز نیست، و اگر لاغر نشده است جائز است.

مسئله 1030: اگر به نیت قربانی حیوانی خرید بعدا عیب دار شد، اگر ثروتمند است دیگری بخرد و قربانی کند، و اگر فقیر است همین را قربانی کند.

مسئله 1031: شخص می‌تواند گوشت قربانی را هم خود بخورد یا به اقرباء و همسایگان خود مقداری بدهد.

مسئله 1032: پوست قربانی یا قیمت آن را خیرات بدهد، و از پول گوشت یا پول پوست قربانی تعمیر مساجد و دیگر بقعه‌ای خیر جائز نیست.

مسئله 1033: اگر خود پوست را به مصرف خود برساند به اینطور که مشک یا فرش بسازد جائز است.

مسئله 1034: مزد ذبح کننده را از پوست و گوشت قربانی ندهد.

مسئله 1035: اثاثیه‌ای که تعلق به آن حیوان دارد از قبیل ریسمان، و نوشتن باید خیرات شود.

مسئله 1036: شخصی که قربانی بر آن واجب نبود به نیت قربانی گوسفندی خرید، بعد از خریداری قربانی کردن آن واجب می‌شود.

مسئله 1037: بر کسی که قربانی واجب بود و در ایام متعینه قربانی نکرد باید در روزهای بعدی قیمت گوسفند یا عین آن را در صورت خریداری شدن خیرات بدهد.

مسئله 1038: اگر کسی نذر کرد که: اگر فلان کار من عملی شود برای خدا گوسفندی خیرات خواهم کرد، و بعد از عملی شدن نذر واجب می‌گردد، و باید به آن وفا کند، و گوشت حیوان نذر کرده شده را باید به فقراء و مساکین بدهد.

مسئله 1039: اگر کسی به میل خود جهت رضای خدا برای رسیدن ثواب به اموات گوسفندی را قربانی کرد از گوشت آن غنی و فقیر می‌توانند استفاده نمایند و اگر به وصیت میت این کار را کرد فقط فقراء و مساکین می‌توانند از گوشت آن استفاده کنند.

مسئله 1040: بدون اجازه از طرف کسی قربانی کردن جائز نیست، و همچنین شرکت غائب بدون اجازه آن صحیح نیست.

مسئله 1041: اگر حیوانی را بدست کسی بالمناصفه و غیره داده که جمع‌آوری و چاق کند، این قرارداد جائز نیست، و آن شخص اجیر گفته می‌شود، لذا خریدن حیوان از آن بدون اجازه مالک برای قربانی جائز نیست.

مسئله 1042: اگر در گاو و شتر چند نفر شرکت کردند و تمامی گوشت را خام یا پخته خیرات نمودند جائز است، و در صورت تقسیم حتما به وسیله ترازو باید تقسیم شود.

مسئله 1043: گوشت قربانی را به کفار دادن جائز است.

مسئله 1044: حیوان حامله را قربانی کردن جائز است، و اگر بره یا بزغاله و غیره بعد از ذبح مادر زنده باقی ماند آن را نیز باید قربانی نماید.

احکام عقیقه

مسئله 1045: کسی که خداوند متعال اولادی به آن عطا کند پسر باشد یا دختر بهتر است که در روز هفتم نامگذاری کرده عقیقه بدهد، و از دادن عقیقه طبق روایات بچه از همه بلیات به امر پروردگار محفوظ می‌گردد.

مسئله 1046: طرز عقیقه این است که: اگر پسر باشد دو گوسفند و اگر دختر باشد یک گوسفند ذبح نماید، و اگر در گاو و شتر شرکت کند برای پسر دو حصه و برای دختر یک حصه شریک شود، و در همان روز موی سر آن را تراشیده و هم وزن آن طلا و یا نقره خیرات بدهد.

مسئله 1047: اگر در روز هفتم عقیقه نکرد بهتر است روزی را انتخاب کند که روز هفتم باشد.

مسئله 1048: هر حیوانی برای قربانی جائز بود برای عقیقه جائز، و هرچه برای قربانی جائز نبود برای عقیقه نیز جائز نیست.

مسئله 1049: گوشت عقیقه را خام خیرات کند یا پخته، دعوتی به خوردن بدهد برای همه جائز است.

مسئله 1050: اگر کسی توانائی دو گوسفند را نداشت یکی عقیقه کند، و اگر قطعا عقیقه نکرد حرجی نیست.

بیان احکام حج

مسئله 1051: کسی که از ضروریات زندگانی خود به اندازه‌ای اضافه داشت که بتواند به وسیله آن مراسوم وقت سفر حج را انجام دهد، و مخارج رفتن و بازگشتن را طبق مقررات روز آماده نماید، و تا موقع برگشتن به وطن مخارج عیال و اولاد و غیره را تحویل آن‌ها دهد، و در عین حال اجازه مسافرت داشته و امن طریق باشد، و بر این چنین شخص حج واجب می‌گردد. پیغمبر اکرم فرموده‌اند: هرکس که قدرت شرعی بر مسافرت حج داشته باشد و حج نکند و بمیرد، نمی‌دانم به دین یهود یا نصاری خواهد مرد.

مسئله 1052: ضروریات زندگی عبارت از منزل مناسب حال، و وسائلی که برای منزل لازم است طبق مقررات زمان، و مرکب سواری، و در صورتی که دامدار است دام‌ها از جمله ضروریات زندگی است، و اگر تاجر است سرمایه تجارت، و اگر زارع است زمین و وسائل زراعت جزء ضروریات زندگی محسوب می‌گردد.

مسئله 1053: در تمام عمر یک مرتبه حج فرض است.

مسئله 1054: اگر کسی در حال طفولیت حج کرده و بعد از بلوغت ثروتمند شد که حج بر آن فرض گردد باید فرض را بجا آورد، و آنچه در کودکی انجام داده اعتبار ندارد.

مسئله 1055: بر نابینا حج فرض نیست اگر چه غنی و ثروتمند باشد.

مسئله 1056: وقتی حج فرض شد در همان سال حج کردن واجب است، و بدون عذر تاخیر کردن گناه است.

مسئله 1057: برای زن بودن محرم در مدت سفر شرط است، و اگر محرم نداشته باشد حج فرض نمی‌گردد.

مسئله 1058: محرم عبارت است از شوهر، یا هر کسی که ذی رحم محرم باشد، یعنی نکاحش بطور دائمی بر آن حرام باشد مثل پدر، برادر، عمو، خالو، پسر.

مسئله 1059: اگر محل زن تا به حرم شریف از مقدار سفر که سه شبانه روز است کم‌تر راه است بودن محرم شرط نیست.

مسئله 1060: اگر نامحرم نا بالغ است یا بی‌دیانت که بر آن اطمینان نیست، سفر همراه آن جائز نیست.

مسئله 1061: در بودن محرم مانع شدن شوهر از اداء حج فرض اعتبار ندارد.

مسئله 1062: دختران نزدیک به بلوغ حکم زن را دارند، و بدون محرم سفر جائز نیست.

مسئله 1063: مخارج محرم بر ذمه زن می‌باشد.

مسئله 1064: اگر زن در تمام عمر محرم نداشت حج بر آن فرض نمی‌گردد، البته در وقت مردن باید وصیت کند.

مسئله 1065: اگر کسی که حج بر آن فرض شد و به واسطه سستی و غفلت تاخیر کرد تا آنکه نابینا یا مریض شد که توانائی رفتن سفر را نداشت، باید وصیت نماید که بعد از آن حج از طرفش بجا آورده شود.

مسئله 1066: اگر شخص پس از خود این قدر مال گذاشت که بعد از کفن و دفن و ادای فرض از یک سوم آن حج کرده می‌شود، بر ورثه لازم است که وصیت آن را اجرا کنند، و اگر اجراء نکردند گنهکارند، و اگر از یک سوم مال آن حج اداء نمی‌شود ورثه اختیار دارند که از طرفش حج کنند یا خیر، و همه وصیتها را همین حکم است.

مسئله 1067: اگر زن در عده طلاق است نمی‌تواند ترک عده نماید و به حج برود.

مسئله 1068: کسی که مخارج رفتن حج را دارد و مخارج رفتن مدینه منوره را ندارد بر آن حج فرض است، و هیچ گناهی در نرفتن به مدینه منوره دامن آن را نمی‌گیرد.

مسئله 1069: کسی که اراده حج دارد بدون احرام نمی‌تواند وارد حرم شود، و برای احرام بستن از طرف شریعت مقدس اسلام جاهای مخصوصی معین گردیده است، و آن‌ها عبارتند از:

1. ذوالحلیفة برای ساکنین مدینه منوره.
2. جحفه برای شامیان.
3. ذات العرق برای عراقیان.
4. یلملم برای اهل یمن.
5. قرن برای نجدی‌ها.

مسئله 1070: ساکنین دیگر نواحی چون به محلی که مقابل این مکان‌های معین است برسند از همان موضع احرام ببندند.

مسئله 1071: چون امروز از کشور ما به وسیله هواپیما به این مسافرت می‌روند لذا باید در خود فرودگاه یا در داخل طیاره احرام ببندند.

مسئله 1072: طریق احرام بستن این است که: اولا غسل نماید اگر وسائل مهیا باشد، بعد عطرآمیزی کند، و موی و ناخن را بگیرد، و لنگ و قطیفه سفید و تمیز نو باشد یا کهنه باشد به نحوی که لنگ از ناف تا زیر زانوها را بپوشاند و قطیفه را به شانه بیندازد و پول دان خود را بر کمر ببندد و برای پاپوش خود نعلین بگیرد.

مسئله 1073: اگر برای غسل جائی در موقع احرام بستن نبود به وضوء اکتفا نماید.

مسئله 1074: بعد دو رکعت نماز برای خدا بخواند و نیت حج کند، و نیت عبارت از این است که بگوید: «‌اللهُمَّ‌ إنِّي‌ أُرِيدُ‌ الحَجَّ‌ فَيَسِّرهُ لِي‌ وَ‌تَقَبَّلْهُ مِني‌». ای بار خدایا! من قصد حج دارم پس آسان گردان برای من و قبول کن از من. و این حج را حج مفرد می‌نامند.

مسئله 1075: اگر اراده حج و عمره هر دو را دارد و می‌خواهد در میان عمره و حج احرام را بشکند به این حج تمتع گفته می‌شود، و نیت احرام اولش این است که بگوید: «‌اللهُمَّ‌ إنِّي‌ أُرِيدُ‌ العُمرَةَ‌ فَيَسِّرها لِي‌ وَ‌ تَقَبَّلْهَا مِني».‌ ای خدایا! قصد انجام عمره را دارم پس آسان گردان برای من و قبول فرما از من.

مسئله 1076: در روز هشتم ذی الحجة وقتی که حاجی تمتع اراده بستن احرام حج را بکند بعد از احرام بستن باید اینطور نیت کند: «‌اللهُمَّ‌ إنِّي‌ أُرِيدُ‌ الحَجَّ‌ فَيَسِّرهُ لِي‌ وَ‌تَقَبَّلْهُ مِني‌».

مسئله 1077: اگر تصمیم دارد که حج و عمره را به یک احرام بجا آورد باید اینطور نیت کند: «‌اللهُمَّ‌ إنِّي‌ أُرِيدُ‌ الحَجَّ‌ وَ‌العُمرَةَ‌ فَيَسِّرهُمَا لِي‌ وَ‌تَقَبَّلْهُمَا مِني‌». یعنی: ای خدایا! من اراده حج وعمره را دارم هر دو را برای من آسان گردان و قبول گردان هر دو را از من. و به این حج قران گفته می‌شود، و در تمام موارد بعد از نیت تلبیه بگوید.

مسئله 1078: تلبیه عبارت از این است که: بعد از اداء نماز و نیت بگوید: «لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ لاَ شَرِيْكَ لَكَ لَبَّيْكَ، إِنَّ الْحَمْدَ، وَالنِّعْمَةَ، لَكَ وَالْمُلْكَ، لاَ شَرِيْكَ لَكَ».

 مسئله 1079: تلبیه گفتن را وظیفه خود سازد خصوص بعد از نمازهای فرض، و وقت سوار شدن، و پیاده شدن، و بالا رفتن و پائین آمدن، و در وقت ملاقات دیگران، و وقت سحر.

مسئله 1080: احرام زن مثل احرام مرد است، مگر مرد را پوشیدن جامه دوخته شده غیر از نعلین و همان لباس بیان شده جائز نیست، و زن می‌تواند با لباس دوخته احرام ببندد مشروط بر اینکه بوی بدی یا خوبی ندهد، البته لباس سفید بهتر است.

مسئله 1081: زن‌ها باید تلبیه را آهسته بگویند.

مسئله 1082: چون احرام شخص به تلبیه گفتن ثابت و کامل گردید، باید احرام دارنده از جماع، و ذکر آن در حضور زنان، و سخنان یاوه، و دشنام، و جنگ و جدال، و هرکاری که شرعا گناه محسوب می‌شود، و همچنین از شکار کردن، و اشاره و دلالت بر آن، و پوشیدن سر، و رو از تراشیدن یا کوتاه کردن موی سر و باقی بدن، و چیدن ناخن‌ها، و مالیدن روغن، و استعمال عطریات، و پوشیدن موزه یا کفش که برآمدگی وسط پا را بپوشد و از جمله ممنوعات احرام پرهیز کند.

مسئله 1083: سایه گرفتن به چتر به شرطی که به سر نچسبد و به خانه و خیمه و ماشین و سایر اشیاء سایه دار، و رفتن حمام بدون استعمال عطریات، و دیگر چیزها خللی به احرام نمی‌رساند.

مسئله 1084: وقتی که داخل مکه شد ابتدا به مسجد برود، و همینکه چشمش به خانه افتاد «اللهُ أَکبر» و «لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ» گویان بطرف حجرالأسود رفته استلام کند، یعنی در برگرفته و بوسه زند، بدون اذیت و آزار دیگران، و اگر امکان نداشت اشاره بطرف حجرالأسود نماید، و بعد از بوسه زدن یا تکبیر گفته اشاره نمودن طواف کند.

مسئله 1085: طواف عبارت از گردش به دور خانه کعبه است از دست راست خود و از نزدیکی درب خانه شروع به طواف کند، و همینکه به حجرالأسود رسید یک طواف کامل شد.

مسئله 1086: هفت مرتبه طواف کند، و در سه مرتبه اول پهلوانه برود و در بقیه بحال عادی برود.

مسئله 1087: در هر طوافی بوسه زدن سنگ به شرطی که به دیگران اذیت نرساند سنت است، و اگر به واسطه ازدحام بوسه زدن بدون اذیت و تکلیف ممکن نبود از بوسه صرف نظر کرده در مقابل سنگ الله أکبر گفته به طرف سنگ اشاره کند و بگذرد، و در صورت امکان دعاهای ماثوره را بخواند دعاها در کتاب‌هائی است که در خود حرم موجود است، و به فروش می‌رسد.

مسئله 1088: اگر دعاهای ماثوره را یاد نداشت کلمه توحید و تمجید را وظیفه ساخته همیشه بخواند.

مسئله 1089: بعد از اتمام طواف دو رکعت نماز در عقب مقام ابراهیم در صورت امکان و یا در هر جائی از مسجد که امکان داشت بخواند، و این را نماز طواف می‌نامند و واجب است، در این نماز سنت است که در رکعت اول فاتحه و «قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ» و در رکعت دوم سوره فاتحه و «قُلْ هُوَ اللَهُ» شریف خوانده شود، و بعد از نماز دعاهای ماثوره یا هر دعائی که یاد داشت با آن دعا کند که وقت اجابت دعا است.

مسئله 1090: بعد از نماز طواف نزد آب زمزم رفته از آبش بنوشد و مزه بگیرد، و اگر امکان نداشت خریداری نماید، و در موقع نوشیدن این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ إِنِّيْ أَسْأَلُكَ عِلْماً نَافِعاً، وَرِزْقاً وَاسِعًا وَشِفَاءً مِن کُلِّ داءٍ وَسَقِیمٍ».

ای بار خدایا! از تو طلب می‌کنم علمی با منفعتی، و روزی پر وسعتی، و صحت از هر درد و مرض.

مسئله 1092: بعد از استلام حجرالأسود متوجه صفا شود و پای تپه صفا در حال بالا رفتن این آیه را بخواند: ﴿إِنَّ ٱلصَّفَا وَٱلۡمَرۡوَةَ مِن شَعَآئِرِ ٱللَّهِ﴾[[24]](#footnote-24) [البقرة: 158].

مسئله 1093: در بالای صفا رو به کعبه ایستاده دست‌ها را بالا نموده «الله أکبر لَا إِلَهَ إلَّا اللهُ» را بخواند، و بعد از صفا پائین آمده بطرف مروه به حالت طبیعی برود، و چون به خط سبز رنگی که بر دیوار کشیده شده رسید، دویدن شروع کند تا به خط سبز دیگر برسد، وبعد به حال طبیعی برود تا بالای تپه مروه، و در بالای مروه باز دست‌ها را بلند نموده «اللهُ أَکبَر لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ» بگوید، و بطرف صفا راه افتد و این کار را هفت مرتبه تکرار کند، یعنی از صفا شروع کرده و به مروه ختم نماید، و اگر دعاهای معینه را یاد داشت بخواند، و اگر یاد نداشت به زبان خود برای خیر آخرت و دنیای خود و مسلمین دعا کند.

مسئله 1094: بعد از تمام شدن سعی بین صفا و مروه داخل مسجد گردد، و دو رکعت نماز شکرانه اداء نماید، و در اینجا عمره متمتع، و قارن، و طواف قدوم حاجی مفرد تمام می‌شود.

مسئله 1095: بعد از افعال بیان شده حاجی متمتع سر بتراشد و با لباس عادی وارد مکه شده اقامت ورزد، و از طواف، و آب زمزم، و نماز در مسجدالحرام استفاده نموده وقت را غنیمت شمرده مشغول ذکر و فکر باشد تا روز هشتم ذی الحجة.

مسئله 1096: حاجی قران بعد از تمام شدن عمره بصورتی که بیان شد به همان احرام خود ادامه بدهد.

مسئله 1097: روز هشتم که زائرین عازم منی می‌شوند حاجی متمتع از مسجدالحرام برای حج احرام ببندد، و دو رکعت نماز اداء نموده نیت حج کند به این طور: «‌اللهُمَّ‌ إنِّي‌ أُرِيدُ‌ الحَجَّ‌ فَيَسِّرهُ لِي‌ وَ‌ تَقَبَّلْهُ مِني‌». بعد تلبیه گویان وارد منی شود.

مسئله 1098: نماز ظهر و عصر و مغرب و عشاء روز هشتم، و بامداد روز نهم را در منی بخواند، و سعی کند که در مسجد خیف اگر امکان داشت به جماعت اداء کند.

مسئله 1099: بعد از اداء نماز بامداد روز نهم در منی متوجه عرفات شده در خیمه‌ها اقامت کند، و وقت خود را صرف دعا، و درود، و تلبیه کنند و به غفلت، یا غیبت یا لهو نگذارند.

مسئله 1100: اگر میسر بود قبل از زوال روز عرفه به مسجد نمره رود، تا نماز ظهر و عصر را با جماعت امام اداء کند، و اگر دشوار بود در خیمه هر نماز را در وقت آن بخواند.

مسئله 1101: در عرفات اگر دعاهای ماثوره را حفظ داشت بخواند، وگرنه هر دعائی که یاد داشت بخواند و از خدا حاجت‌های خود را بخواهد.

مسئله 1102: در عرفات به هر جائی بخواهد توقف نماید غیر از وادی غربی مسجد عرفه که «بطن عرنه» نامیده می‌شود، و توقف خود را در عرفه تا غروب ادامه دهد.

مسئله 1103: رفتن در بالای تپه عرفات بدون اذیت کردن دیگران کاری است پسندیده، و در صورت اذیت رسانیدن به دیگران یا اذیت شدن جائز نیست.

مسئله 1104: بعد از غروب همینکه دستور حرکت بطرف مزدلفه صادر شد حجاج نیز حرکت نمایند.

مسئله 1105: در صورت امکان رسیدن به مسجد در مزدلفه نماز مغرب و عشا را در اول وقت عشا با جماعت بخواند، وإلا در توقفگاه خود ادا نماید.

مسئله 1106: شب دهم را در مزدلفه تا به صبح نزدیک کوه قزح یا هر جائی که ممکن باشد غیر از «وادی محصر» به ذکر و عبادت بگذراند.

مسئله 1107: در اول طلوع صبح صادق روز دهم در تاریکی نماز را اداء کند و مشغول ذکر و استغفار باشد تا خوب روشن شود، و اگر دعاهائی ماثوره را یاد داشت بهتر است آن‌ها را بخواند.

مسئله 1108: شب در مزدلفه هفتاد ریگچه به اندازه هسته خرما جمع کنند، و بعد از روشن شدن صبح رهسپار منی شود در حالی که به آواز بلند تلبیه و تسبیح و درود بگوید.

مسئله 1109: همینکه روز دهم وارد منی شد، اگر اثاثیه همراه دارد در خیمه بگذارد برای جمره زدن نزد جمره عقبه برود، یعنی از میل اولی که نزد مسجد خیف است بگذرد، و همچنین از دومی، و بنزد میل سومی که جمره عقبه نامیده می‌شود رفته از طرف شمال گشته طوری بایستد که دست چپ آن بطرف میل و دست راست بطرف مکه قرار گیرد، آنگاه تلبیه گفتن را قطع کرده هفت ریگ بطرف آن میل بیاندازد.

مسئله 1110: طریق انداختن ریگ‌ها این است که: هر ریگ را پشت انگشت بزرگ خود نهاده و انگشت سبابه را حکم نموده «بِسمِ‌ الله وَ‌ا‌لله اَكبَرُ، رَ‌غماً‌ لِلشَّيطنِ‌ وَ‌حِزبَهِ، وَ‌رِضاً‌ لِلرَّحمنِ». گفته طوری بزند که حداقل پنج متر راه دور انداخته شود، یعنی به نزدیکی میل برسد اگرچه به آن اصابت ننماید.

مسئله 1111: با ریگ‌های بزرگ یا کفش یا اسبابی دیگر که در صورت تصادف باعث اذیت دیگران می‌شود نزند.

مسئله 1112: بعد از تمام شدن ریگ‌ها بطرف جنوب گردیده در حال حرکت این دعا را بخواند: «بِسمِ‌ الله وَ‌ا‌لله اَكبَرُ، رَ‌غماً‌ لِلشَّيطنِ‌ وَ‌حِزبِهِ، وَ‌رِضاً‌ لِلرَّحمنِ اللهُمَّ‌ اجعَلهُ‌ حَجًّا‌ مَبرُوراً، وَ‌سَعياً‌ مَّشكُوراً، وَ‌ذَنباً‌ مَّغفُوراً وَعَمَلاًً صَالِحاً مَقبُولًا وَتِجَارَة لَن تَبُورَ».

مسئله 1113: بعد از جمره به قربانگاه برود، و بعنوان شکرانه گوسفندی یا گاوی یا شتری تحت شرایطی که در قربانی ذکر شد خریداری کرده ذبح کند.

مسئله 1114: بعد از قربانی کردن سر بتراشد یا کوتاه کند، و کوتاه کردن باید شامل همه موها باشد ولی تراشیدن بهتر است.

مسئله 1115: تراشیدن حجاج سرهای یکدیگر را مانع شرعی ندارد، و اشخاصی که سرهای آن‌ها موی ندارد باید وسیله تراشیدن را بر سر خود بکشند.

مسئله 1116: بعد از تراشیدن سر یا کوتاه کردن همه چیزها بر حاجی حلال می‌شود غیر از زن.

مسئله 1117: در همان روز به مکه رفته طبق دستور و آداب مشروحه طواف فرض حج را که طواف زیارت نامیده می‌شود انجام دهد، و اگر این روز طواف زیارت میسر نشد روز پانزدهم و دوازدهم انجام دهد.

مسئله 1118: اگر قبلا در طواف پهلوانه رفته و سعی بین صفا و مروه را بجا آورده فعلا هفت مرتبه بحالت عادی بدورخانه بچرخد به نیت طواف فرض و بعد دو رکعت نماز بخوانند.

مسئله 1119: بعد از طواف زیارت در روز دهم مجددا به منی برگردد و در آنجا مشغول عبادت باشد.

مسئله 1120: در روز دوم و سوم عید قربان یعنی یازدهم و دوازدهم ذی الحجة هر روز بعد از زوال بیست و یک ریگ از ریگ‌های خود برداشته برود، و همینکه به جمره اولی که نزدیک مسجد خیف است رسید پشت به طرف منی و رو بطرف مکه ایستاده هفت ریگ به دستور سابق بزند، و از محل ازدحام یک طرف رفته دعا کند، و بعد به نزد جمره وسطی رفته طبق دستور ریگ‌ها را بزند و دعا کند، و بعد نزد جمره عقبی رفته هفت ریگ را از ده بدون توقف و دعا به خیمه برگردد.

مسئله 1121: توقف نمودن شب و روز سیزدهم در منی اختیاری است.

مسئله 1122: اگر در روز دوازهم ذی الحجة پیش از غروب از منی خارج شد اشکالی ندارد، و اگر تا غروب توقف نمود لازم است شب را در منی بخوابد، و در روز سیزدهم بیست و یک ریگچه طبق دستور بعد از زوال یا پیش از زوال بزند و متوجه مکه گردد.

مسئله 1123: در مکه از طواف و نمار در مسجد الحرام و زمزم و عمره نافله، و زیارت کردن مقامات متبرکه استفاده کند.

مسئله 1124: وقتی که اراده خروج از مکه را داشت طواف وداع را که واجب است بدون پهلوانه رفتن و بدون سعی بین صفا و مروه در آخر ملاقات کعبه انجام دهد، سپس با خانه و ملتزم و حجرالأسود و مقام حضرت ابراهیم و زمزم خداحافظی نموده و به تضرع موفق شدن مرتبه دیگر را از خدا خواسته، از آب زمزم نوشیده و رو و سینه را به ملتزم چسبانیده و به پرده‌های کعبه آویزان نموده حاجات خود را از خدا خواسته عقب عقب اگر امکان داشت از مسجد بیرون شود.

احکام جنایات در حج

مسئله 1125: جنایت عملی است که انجام آن را شریعت مقدس اسلام حرام گردانیده است، و در حج اعمالی است که شخص حاجی نباید انجام دهد، و اگر انجام داد جنایت نامیده می‌شود، و به انجام بعضی گوسفند و بعضی دیگر گاو و بعضی شتر و بعضی دیگر صدقه لازم می‌گردد.

مسئله 1126: جنایاتی که به ارتکاب آن‌ها کشتن گوسفند لازم می‌گردد 22 مورد است:

1. استعمال خوشبوی در یک عضوی کامل.
2. رنگ کردن به رنگ حنا، و اگر طوری حنا را به سر مالید که مثل نمد شد دو گوسفند لازم است صدقه داده شود یعنی ذبح گردد.
3. مالیدن روغن زیتون و غیره بر عضو کامل.
4. پوشیدن لباس دوخته شده بطریق عرف و عادت دوازده ساعت متصل.
5. پوشیدن رو یا سر دوازده ساعت کامل.
6. تراشیدن یک چهارم سر یا ریش یا تمام گردن یا زیر یکی از دو بغل یا زیر ناف.
7. تراشیدن محل حجامت و حجامت کردن.
8. کوتاه کردن تمام ناخن‌ها یا پنج ناخن.
9. طواف قدوم یا وداع را در حالت جنابت و حیض انجام دادن، یا طواف فرض را بی‌وضو بجا آوردن.
10. طواف و سعی عمره را بی‌وضوء انجام دادن، ولی تا موقعی که از مکه مکرمه خارج نشده می‌ تواند طواف و سعی عمره را که بی‌وضو بجا آورده اعاده نماید، و در این صورت کشتن گوسفند لازم نیست.
11. هنوز غروب نکرده از عرفات بیرون شدن.
12. ترک ایستادن در مزدلفه یا پیش از روشنائی صبح از مزدلفه بیرون شدن.
13. ترک تمام جمرها یا جمره یک روز یا بیشتر جمرهای یک روز را کردن.
14. قربانی کردن پیش از زدن سنگریزه‌ها یا تراشیدن سر پیش از قربانی یا تراشیدن سر در زمین غیر حرم یا تراشیدن سر در حرم بعد از ایام عید در همه این‌ها لازم است که یک گوسفند ذبح نماید، و اگر سر را بعد از ایام عید و خارج از زمین حرم تراشید، دو خون لازم است، و اگر موقعی که می‌خواهد از عمره خود را حلال سازد در خارج از زمین حرم سر تراشید یک خون لازم می‌شود.
15. مجامعت با عیال خود پیش از طواف فرض بعد از تراشیدن سر.

مسئله 1127: اگر حاجی قران پیش از ایستادن به عرفات و پیش از چهار چرخ عمره جماع نمود حج و عمره هر دو فاسد می‌شوند و لازم است در همین صورت تمام افعال را مثل اینکه فاسد نشده انجام دهد، و در سال آینده قضا بجا آوردن لازم و حتمی است.

مسئله 1128: اگر کسی بعد از ایستادن به عرفات و پیش از تراشیدن سر مجامعت نمود لازم است یک گاو و یک گوسفند یا یک شتر و یک گوسفند ذبح نماید، این جریمه برای حاجی قران است، و اگر حاجی تمتع و یا حاجی مفرد این خلاف را مرتکب گردید باید گاو یا یک شتر ذبح نمودن کافی است.

مسئله 1129: اگر حاجی تمتع یا حاجی مفرد پیش از ایستادن به عرفات با عیال خود مجامعت نمود حج فاسد است، و باید بقیه افعال را مثل اینکه فاسد نشده بجا آورد و گوسفندی نیز ذبح کند و در سال آینده حج را قضائی بجا آورد.

مسئله 1130: اگر طواف فرض را در حالت جنابت بجا آورد کشتن گاو یا شتری لازم است.

 16) مباشرت فاحشه، یعنی مرد آلت خود را به فرج زن بدون پرده مالیدن یا بوسیدن آن، و یا مساس کردن به شهوت انزال گردد یا نه، همین حکم را دارد، یعنی ذبح نمودن گوسفندی لازم است.

17) تاخیر طواف فرض از روزهای یازده و دوازده ذی الحجة، یا ترک سه چرخ یا کم‌تر از طواف فرض.

18) ترک تمام طواف وداع یا بیشتر آن، و همچنین ترک سعی بین صفا و مروه که باید در سه چرخ اول پهلوانه برود.

مسئله 1131: اگر کسی بدون عذر بین صفا و مروه یا در طواف خانه سوار بر تخت روان گردید ذبح گوسفند لازم است، و اگر دو مرتبه پیاده طواف نمود بقیه را سواره لازم نیست.

مسئله 1132: اگر حاجی در موقع طواف که باید خانه مبارکه بدست چپ قرار گیرد و بدین منوال طواف نماید برعکس طواف نمود، مجددا لازم است طرف را انجام دهد اگرچه از مکه خارج گردید، و خون لازم نمی‌گردد و حتما باید طواف اعاده شود.

19) از موارد لزوم ذبح گوسفند برهنه شدن یک چهارم عورت در موقع طواف، و اگر طواف را مجددا انجام داد ذبح گوسفند لازم نیست.

20) طواف را از غیر محل حجرالأسود شروع کردن و اعاده نکردن.

21) در طواف از وسط حطیم عبور کردن و اعاده ننمودن طواف.

22) جماع کردن در عمره پس از چهار چرخ به دور خانه معظمه برای غیر حاجی قران.

مسئله 1133: جماع کردن درعمره پس از چهار چرخ چنانچه بیان شده عمره را فاسد می‌گرداند، و پس از فساد باید افعال عمره را انجام دهد و گوسفندی هم ذبح کنند، و در غیر ایام حج عمره را قضائی بجا آورد.

در بیان ممنوعات متفرقه و حج و تدارکات آن

مسئله 1134: به کشتن شکار بیابانی یا اشاره یا راهنمائی نمودن کسی را برای کشتن آن در هر سه صورت جزا لازم می‌شود، جزا، یعنی دو نفر عادل با بینایی کامل قیمت آن شکار را در جائی که کشته شده، یا در نزدیک‌ترین محل وقوع قتل سنجش نمایند آنگاه حاجی محرم اختیار دارد که به قیمت آن گوسفندی خریداری نماید و ذبح کند، یا گندم بخرد و به هر مسکین یک من گندم، و یا در عوض یک من گوسفند یک من گندم یک روز روزه بگیرد، و در کم‌تر از یک من که احیانا باقیمانده آن را خیرات کند، یا بعوض آن یک روز روزه بگیرد.

مسئله 1135: به کشتن حیوانات درنده مثل گرگ، پلنگ و غیره بر محرم جزاء لازم است، ولی باید قیمت آنان از قیمت گوسفندی تجاوز نکند.

مسئله 1136: به قطع کردن عضو، یا زخمی نمودن، و یا کندن موی حیوانات جزا لازم است، باید هرچه به حیوان لطمه وارد شده است همان اندازه خیرات نماید.

مسئله 1137: به قطع قوه دفاعیه مثل بال، و دست و پای حیوان تمام قیمت آن بر احرام دارنده لازم می‌گردد.

مسئله 1138: به شکستن تخم پرندگان یا کندن گیاه، یا درخت بی‌صاحب جزا لازم است، البته به کندن فریز و درخت خشک چیزی لازم نمی‌شود.

مسئله 1139: اگر شخص احرام دارنده شکار نماید گوشت آن شکار حرام است، ولی ذبح حیوانات اهلی برایش جائز است و گوشت آن حلال است.

مسئله 1140: به کشتن مار، کژدم، گرگ و سگ حمله کننده، موش، زاغ، پشه، کیک، شپش، کنه، زنبور، خارپشت، لاک پشت، سوسمار، کلپاسه، پروانه و حمله کنندگان موذی چیزی لازم نمی‌شود. البته بدون ضرورت به هیچ حیوان اذیت نرساند.

مسئله 1141: به کشتن ملخ یا مانند آن محرم یا خرما یا قدری طعام خیرات بدهد.

مسئله 1142: به تراشیدن سر یا پوشیدن لباس دوخته، یا استعمال خوشبوئی‌ها در موقع ضرورت محرم بین سه کار مختار است: 1) ذبح گوسفند، 2) طعام دادن شش نفر مسکین، 3) روزه گرفت سه روز.

مسئله 1143: اگر کسی در مسافرت حج بعد از زوال یعنی بعد از داخل شدن وقت ظهر روز نهم تا طلوع صبح صادق روز دهم به زمین عرفات نرسد اگر چه لحظه ای باشد حجش فوت می‌گردد، و باید تمام اعمال باقیمانده را انجام دهد، و در سال آینده حج قضائی بجا آورد.

مسئله 1144: در تمام ممنوعات ذکر شده جریمه حاجی قران دو برابر است مگر در تجاوز از میقاتجا بدون احرام و هدیه شکرانه که مردم قربانی می‌نامند. در این مورد مثل حاجی تمتع بر حاجی قران نیز یک گوسفند لازم است.

جنایاتی که با ارتکاب آن‌ها صدقه لازم می‌شود

مسئله 1145: صدقه به معنی خیرات دادن و آن عبارت از مقداری است که حاجی پس از ارتکاب خلاف، بنا به رای خود به فقراء می‌دهد و در ده(10) مورد باید صدقه بپردازد:

1. خوشبوئی زدن یا مالیدن روغن یا حنا به بعضی از یک عضو بدن.
2. پوشیدن لباس دوخته کم‌تر از دوازده ساعت.
3. تراشیدن کم‌تر از یک چهارم سر باریش، یا یکی از دو بغل یا ناف یا گردن.
4. تراشیدن سر دیگری را.
5. کوتاه کردن بعضی از ناخن‌های دست و پا را به شرطی که به پنج انگشت نرسد، و اگر به پنچ انگشت رسید ذبح گوسفند لازم است اگرچه متفرقه باشد.
6. طواف قدوم یا طواف وداع را بی‌وضوء انجام دادن.
7. ترک یک چرخ یا دو چرخ را از طواف وداع.
8. ترک یک یا دو چرخ از صفا و مروه.
9. نزدن یک یا دو یا سه عدد از ریگ‌های روز اول.
10. نزدن نه عدد از ریگ‌های روز یازدهم و دوازدهم را، و اگر ده عدد را نزد، ذبح گوسفند لازم می‌شود.

مسئله 1146: هرگاه حاجی تمتعی یا حاجی قران از خریدن گوسفند برای ذبح عاجز بودند می‌توانند ده روز روزه بگیرند، سه روز پیش از عید قربان که این سه روز، هفتم و هشتم و نهم ذی الحجة باشد، و هفت روز بعد از ایام تشریق یعنی بعد از روز دوازدهم یا هر موقعی دیگر، و اگر پیش از عید سه روز روزه نگرفت کشتن گوسفند لازم است، و به روزه گرفتن جبران نمی‌گردد.

مسئله 1147: هدیه حاجی تمتع و قران و هدیه‌های نفلی مختص به زمین حرم است که باید در زمین حرم ذبح گردد، و مختص به روز عید قربان است.

مسئله 1148: خوردن از گوشت هدیه برای ثروتمندان و صاحبش جائز است، و خوردن از گوسفندی که برای کفاره ذبح می‌شود برای ثروتمندان و خود شخص جائز نیست.

مسئله 1149: گوسفندانی که حجاج برای کفارات و نذورات و جنایات و ذبح احصار که حاجی احرام برای حج می‌بندد و از رفتن مانعی پیش می‌آید، باید گوسفندی ذبح نماید، ذبح می‌نمایند مختص به زمین حرم است نه به روز عید.

احکام حج از جانب غیر

مسئله 1150: قانون کلی در احکام شرعی مطابق مذهب حنفی اینست که: شخص می‌تواند ثواب عملی خیر خود را مثل نماز، یا روزه، یا صدقات و غیره برای دیگری بگرداند مثلا دو رکعت نماز می‌خواند ثوابش را به روح پدر یا مادر یا دوست خود می‌بخشد.

تذکر لازم: عبادات بر سه قسم است:

1. مالی خالص مثل زکات و صدقه فطر.
2. بدنی خالص مثل نماز.
3. مالی و بدنی مثل حج.

مسئله 1151: در عبادت مالی مثل زکات نیابت در حالت اختیار و اضطرار جائز است، مثلا برای تقسیم پول زکات با اینکه خود شخص قدرت دارد کسی را نائب می‌گیرد.

مسئله 1152: در عبادت بدنی مثل نماز به هیچ عنوان نائب گرفتن صحیح نیست، مثلا شخص نمی‌تواند بجای شخص دیگر نماز بخو‌اند، چه آن شخص مریض باشد چه صحیح و چه زنده و چه مرده.

مسئله 1153: در عبادت مالی و بدنی مثل حج اگر حج فرض باشد و خود شخص از اداء به واسطه مریضی یا پیری عاجز باشد، می‌تواند برای اداء حج نائب بگیرد، ولی مریضی آن مرضی باشد که در آینده از بهبودی آن مایوس است، در حج نفل با صحت و قدرت بر انجام حج نائب گرفتن جائز است.

مسئله 1154: اگر شخص پس از فوت پدر و مادر و یا برادر برای آن‌ها حج نمود جائز است، و خداوند متعال ثوابش را به آن‌ها می‌رساند.

احکام و فضیلت زیارت مدینه منوره[[25]](#footnote-25)

پیشوایان چهارگانه سنت متفق میباشند برای اینکه زیارت روضه مطهر حضرت خاتم النبین علیه الصلو**ة** والسلام از بهترین مستحبات است. امام ابن همام: در فتح القدیر می‌فرماید: کسی که برایش رفتن به زیارت روضه رسول مقبول مقدور باشد نزدیک به وجوب است که به زیارت برود. رسول اکرم می‌فرمایند: «مَنْ زَارَ قَبْرِي وَجَبَتْ لَهُ شَفَاعَتِي». یعنی هر کس زیارت نماید قبر مرا واجب می‌شود برای او شفاعت من.[[26]](#footnote-26)

و نیز فرموده‌اند: «مَنْ جَاءَنِي زَائِرًا لا يَعْلَمُهُ حَاجَةً إِلا زِيَارَتِي كَانَ حَقًّا عَلَيَّ أَنْ أَكُونَ لَهُ شَفِيعًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ»[[27]](#footnote-27). یعنی کسی که بیاید به زیارت من و غیر از این مقصدی نداشته باشد، ثابت است بر من در روز قیامت او را شفاعت نمایم. و نیز فرموده‌اند: «مَنْ حَجَّ فَزَارَ قَبْرِي بَعْدَ مَوْتِي كَانَ كَمَنْ زَارَنِي فِي حَيَاتِي»[[28]](#footnote-28). یعنی کسی که حج بجا آورد و قبر مرا زیارت نماید بعد از وفات من، مثل این است که در حیات من مرا زیارت نموده است.

مسئله 1155: زیارت مدینه منوره قبل از حج یا بعد از حج فرقی ندارد ولی عده ای از علماء بعد از حج بهتر دانسته‌اند.

مسئله 1156: ثواب اداء یک نماز در مسجد حضرت رسول مساوی است با ادای پنجاه هزار نماز.

آداب داخل شدن به مسجد حضرت رسول و آداب زیارت

1. داخل شدن به مسجد نبوی با آرامش و وقار.
2. اینکه زائر پاکیزه و خوشبو باشد و با لباس تمیز داخل شود.
3. اینکه قدم راست خود را در مسجد بگذارد و بگوید:

«أَعُوْذُ بِاللهِ الْعَظِيْمِ، وَبِوَجْهِهِ الْكَرِيْمِ، وَسُلْطَانِهِ الْقَدِيْمِ مِنَ الشَّيْطَانِ الَّرَجِيْمِ، السَّلاَمُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكاَتُهُ، السَّلاَمُ عَلَيْنَا وَعَلَى عِبَادِ اللهِ الصَّالِحِيْنَ، اللَّهُمَ اغْفِرْ لِي ذُنُوبِي وَافْتَحْ لِي أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ».

یعنی: بخدای بزرگ و به ذات با کرم، و پادشاهی قدیمی آن، پناه می‌برم از شر شیطان رانده شده. سلام بر تو باد ای پیغمبر! و رحمت خدا و برکات او، سلام بر ما و بندگان نیکوکار. ای خدایا گناهان مرا ببخش و درهای رحمت خود را به سوی من بگشای.

1. موقعی که داخل مسجد نبوی گردید و قصد زیارت روضه مطهره را داشت، اولا دو رکعت نماز تحیة المسجد بخواند، و بعد از اتمام نماز سپاس و ستایش خداوند متعال را بر این نعمت عظمی بجا آورد، و برای قبول زیارت از خدا مسئلت بخواهد.

آداب آمدن به محل مقبره مبارکه

زیارت کننده روبروی قبر مبارک ایستاده شود در حالیکه پشت به قبله نموده با کمال ادب بدون اینکه به پنجره‌ها نزدیک شود، و بدون بوسه زدن به آواز نرم و آهسته «الصَّلاَةُ وَالسَّلاَمُ عَلَیکَ یَا رَسُوْلَ اللهِ». را بخواند و دعاهائی که شامل صلوات و سلام می‌باشد در کتب ادعیه موجود است چنانچه از آن کتاب‌های دعا استفاده نمود بسیار خوب است.

بعد از اینکه از زیارت رسول خدا فارغ شد به اندازه یک زرع بالاتر رود و بر حضرت ابوبکر صدیق سلام بگوید، و مقداری بالاتر بر جناب عمر فاروق سلام بگوید، و بعدا دعا برای خود و مؤمنین و کسانی که او را سفارش نموده‌اند.

تمام شد، بعد از عصر روز یکشنبه ششم شهر جمادی الأول سال یکهزار و چهار صد و سه هجری. (1403هـ).

**أحقر الطلبة: غلام أحمد موحدی.**

1. - قبل. [↑](#footnote-ref-1)
2. - دبر. [↑](#footnote-ref-2)
3. - الهى! از جن‏هاى خبيث و پليد، أعم از زن و مرد، به تو پناه می‌برم. [↑](#footnote-ref-3)
4. - الهى! از تو آمرزش مى‌طلبم تمام ستايش‌ها مر خدايى راست كه اذیت دهنده را از من دور کرده عافیت بخشید. [↑](#footnote-ref-4)
5. - ترجمه: پروردگار بزرگم پاك و منزّه است. [↑](#footnote-ref-5)
6. - ترجمه: الله شنيد و قبول كرد ستايش كسى را كه او را ستايش نمود. [↑](#footnote-ref-6)
7. - ترجمه: پروردگارا! حمد و ستايش و مبارك از آنِ تو است. [↑](#footnote-ref-7)
8. - ترجمه: منزّه است پروردگار بزرگ و برتر من. [↑](#footnote-ref-8)
9. - ترجمه: «پروردگارا! در دنيا و آخرت به ما نيكى عطا فرما، و ما را از عذاب دوزخ نجات ده». [↑](#footnote-ref-9)
10. - ترجمه: «الله پاك و منزّه است، و حمد از آنِ اوست، و هيچ معبودى به جز الله «بحق» وجود ندارد، و خدا بزرگترين است». [↑](#footnote-ref-10)
11. - ترجمه: «اى الله! به وسيله‏ى علمت از تو طلب خير می‌كنم، و بوسيله‏ى قدرتت از تو توانايى می‌خواهم، از تو فضل بسيارت را مسألت مى‌نمايم، زيرا تو توانايى و من ناتوان، و تو می‌دانى و من نمی‌دانم، و تو داننده‏ى امور پنهان هستى. الهى! اگر در علم تو اين كار -حاجت خـود را نام مى‌بـرد- باعـث خير من در دين و آخرت است- يا می‌گويد: در حال و آينده‏ى كارم -آن را برايم مقدور و آسان بگردان، و در آن بركت عنايت فرما، و چنانچه در علم تو اين كار برايم در دنيا و آخرت باعث بدى است- يا می‌گويد: در حال و آينده‏ى كارم -پس آن را از من، و مرا از آن، منصرف بگردان، و خير را براى من هر كجا كه هست مقدّر نما، و آنگاه مرا با آن خشنود بگردان». [↑](#footnote-ref-11)
12. - ترجمه: من دين و امانت و خاتمه‏ى كارهايم را به الله مى‌سپارم. [↑](#footnote-ref-12)
13. - ترجمه: در حفظ و رعایت خداوند باشید، خداوند، تقوى نصيب شما گرداند، گناهانت را ببخشايد، و هر جا كه هستيد خير را براى شما ميسّر گرداند. [↑](#footnote-ref-13)
14. - ترجمه: از شر! آنچه خداوند آفريده است، به كلمات كامل او پناه مى‌برم. [↑](#footnote-ref-14)
15. - باشد كه شاهدى، حمد و ستايش خدا را بشنود و بر خوبى نعمت‏هايش بر ما گواهى دهد. اى پروردگار ما، تو همراه ما باش، و به ما احسان كن، در حالى كه از آتش دوزخ به تو پناه مى‌برم. [↑](#footnote-ref-15)
16. - ترجمه: بار الها! اى پروردگار هفت آسمان و آنچه زير آن‌ها قرار دارد، اى پروردگار زمين‌هاى هفت گانه و آنچه بر روى آن‌ها قرار دارد، و اى پروردگارِ شيطان‌ها و آنچه كه آن‌ها گمراه كرده‏اند، و اى پروردگار بادها و آنچه كه آن‌ها به حركت در مى‌آورند، من از تو خير اين آبادى، و خير ساكنان، و خير آنچه در آن هست را مسألت مى‌نمايم، و از بدى آن، و بدى ساكنان آن، و بدى آنچه در آن قرار دارد، به تو پناه مى‌برم. [↑](#footnote-ref-16)
17. - ترجمه: بجز الله معبود ديگرى «بحق» وجود ندارد، يگانه است، شريكى ندارد، پادشاهى از آنِ اوست، ستايش مخصوص اوست، و او بر هر چيز توانا است، توبه كنان، عبادت كنان و حمدگويان براى پروردگارمان، باز می‌گرديم، خداوند وعده‏اش را تحقق بخشيد، بنده‏اش را نصرت كرد و به تنهايى گروه‏ها را شكست داد. [↑](#footnote-ref-17)
18. - در برخی از کتاب‌های فقه حنفی که به فارسی هم چاپ شده است از جمله کتاب مالابد منه ص 69 و کتاب تعلیم الاسلام فارسی ص 185، در آنجا مقدار (78 کیلومتر) تعین شده است. (مصحح) [↑](#footnote-ref-18)
19. - ترجمه: بار الها! اى پروردگارِ اين نداى كامل و نماز بر پا شونده، به محمد وسيله «مقامى والا در بهشت» و فضيلت عنايت بفرما، و او را به «مقام شايسته‏اى» كه وعده فرموده‏اى نايل بگردان، همانا تو خُلف وعده نمی‌كنى. [↑](#footnote-ref-19)
20. - ترجمه: الهى تو سلامى، و سلامتى از جانب تو است، و بسوی توست بازگشت سلام. [↑](#footnote-ref-20)
21. - ترجمه: معبودى «بحق» بجز الله، وجود ندارد. شريكى ندارد، پادشاهى از آنِ اوست، ستايش شايسته‏ى اوست، و او بر هر چيزى توانا است. [↑](#footnote-ref-21)
22. **- (شاید از اصل کتاب چیزی محذوف شده باشد زیرا جملات با هم متناسب نیست).** [↑](#footnote-ref-22)
23. - باید از یک سوم باید می‌بود. (مصحح) [↑](#footnote-ref-23)
24. - ترجمه: بى‏گمان «صفا» و «مروه» از شعائر خدا هستند. [↑](#footnote-ref-24)
25. - سفر به قصد مسجد رسول الله برای زیاد کسب اجر و ثواب خواندن نماز می‌کند بعد وقتی که آنجا رسید در مسجد النبی نماز می‌خواند و زیارت قبر شریف رسول الله هم می‌کند. [↑](#footnote-ref-25)
26. - این حدیث ضعیف می‌باشد و استدلال به آن جایز نمی‌باشد و هیچ حدیثی در مسأله زیارت قبر شریف رسول الله به ثبوت نرسیده ولی اگر کسی به مدینه سفر کرد به قصد نماز خواندن در مسجد النبی مستحب است که قبر رسول الله هم زیارت کند. (مُصحح) [↑](#footnote-ref-26)
27. - این حدیث ضعیف می‌باشد و استدلال به آن جایز نمی‌باشد. (مصحح) [↑](#footnote-ref-27)
28. - این حدیث ضعیف می‌باشد و استدلال به آن جایز نمی‌باشد. (مصحح) [↑](#footnote-ref-28)